



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

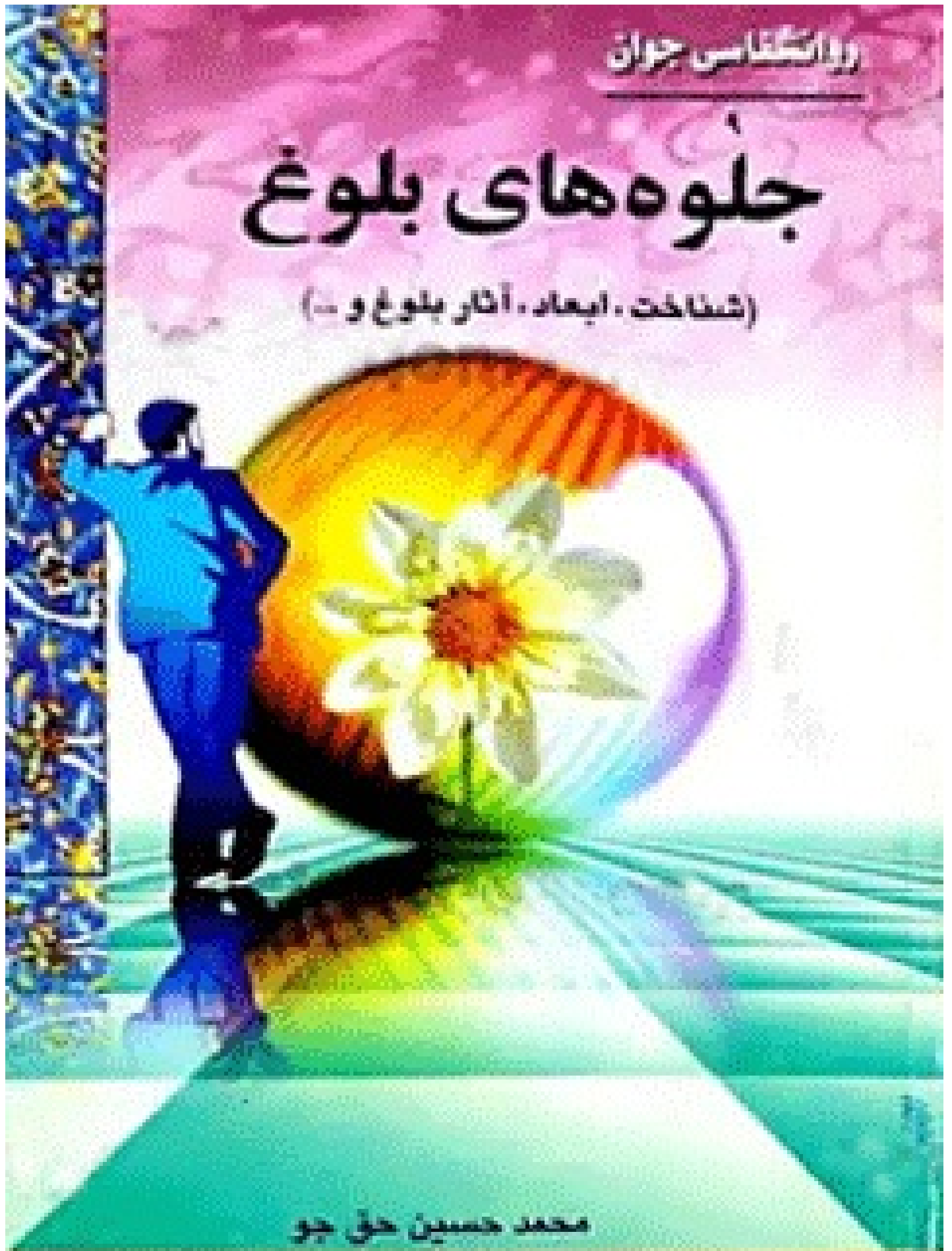
.net

.ir

روانشناسی جوان

# جلوه‌های بلوغ

(شناخت، ابعاد، آثار بلوغ و ...)



محمد حسین حق جو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جلوه هاي بلوغ

نويسنده:

محمد حسين حق جو

ناشر چاپي:

المهدي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	جلوه های بلوغ
۹	مشخصات کتاب
۹	سرآغاز سخن
۱۱	ارکان وجود انسان
۱۱	۱- ارکان وجود
۱۶	۲- حفظ تعادل در ارکان
۱۷	بلوغ
۱۷	۱- جلوه های بلوغ
۲۱	۲- بلوغ طبیعی
۲۲	بحران بلوغ
۲۴	مراحل بلوغ
۲۴	۱- جهش مثبت
۲۵	۲- جهش منفی
۲۶	۳- ملکه شدن یا شرطی شدن
۲۶	زمینه های ملکه شدن
۲۶	۱- شناخت مرزها
۳۰	۲- آفت شناسی
۳۱	۳- دردشناسی
۳۳	۴- شناخت درمان
۳۴	بلوغ سنی شرعی
۳۵	بلوغ جسمی
۳۵	۱- بلوغ جسمی
۳۶	۲- خوردن

- ۳۷ ..... ۳- دقت در تغذیه
- ۳۷ ..... ۴- علم و بهداشت تغذیه
- ۳۹ ..... ۵- غذاهای محرک، لباس و رنگ ها
- ۴۰ ..... ۶- ورزش و انواع آن
- ۴۲ ..... ۷- بهداشت بدن
- ۴۳ ..... ۸- تامل
- ۴۳ ..... مفاهیم عقل
- ۴۳ ..... ۱- مفاهیم عقل
- ۴۴ ..... ۲- عقل در قرآن
- ۴۵ ..... ۳- بلوغ عقلی
- ۴۶ ..... ۴- بلوغ عقل، علمی یا عام؟
- ۴۸ ..... ابزار های بلوغ عقلی
- ۴۸ ..... ۱- تجربه
- ۵۳ ..... ۲- محاسبه نفس
- ۵۴ ..... ۳- تفکر
- ۵۶ ..... ضرورت تعادل در استفاده از تجارب
- ۵۶ ..... نمادهای بلوغ عقلی
- ۵۶ ..... ۱- اخلاص
- ۵۸ ..... ۲- کم گوئی
- ۵۹ ..... ۳- کاهش شهوترانی
- ۶۱ ..... ۴- پند پذیری
- ۶۲ ..... ۵- عمل صالح
- ۶۴ ..... ۶- اخلاق خوب
- ۶۵ ..... ۷- محبوبیت بین مردم
- ۶۶ ..... چگونگی برخورد با افراد خاطی
- ۶۷ ..... آشنایی با روش پیامبر - صلی الله علیه و آله -

۶۸	اهمیت حفاظت از نعمتها
۶۹	آفات عقل
۶۹	۱- اوهام
۷۰	۲- گناه
۷۱	۳- آرزوها
۷۱	۴- افراط در امور روزمره
۷۳	شناختی از بعد عاطفی انسان
۷۳	تعادل در زندگی اجتماعی
۷۴	نمونه های عملی از بعد عاطفی
۷۶	نمادهای بعد عاطفی
۷۶	۱- محبت
۸۲	۲- خشم و غضب
۸۶	۳- دگر اندیشی
۸۸	۴- گریه
۹۰	۵- خنده
۹۱	۶- اعتماد به نفس
۹۴	۷- انتقاد پذیری
۹۷	بلوغ معنوی
۹۷	۱- نیاز به معبود
۹۷	۲- ضلالت
۹۸	۳- امداد الهی
۱۰۰	۴- رعایت اعتدال
۱۰۱	بلوغ جنسی
۱۰۱	۱- نفی رهبانیت
۱۰۱	۲- مزایای ازدواج
۱۰۳	۳- انحراف جنسی

- ۴- عوامل تحریک ..... ۱۰۳
- ۵- عوارض تحریک ..... ۱۰۵
- ۶- راههای درمان ..... ۱۰۹
- مدارک و منابع ..... ۱۱۰
- درباره مرکز ..... ۱۱۲



## جلوه های بلوغ

### مشخصات کتاب

سرشناسه : حقجو، محمدحسین، - 1333

عنوان و نام پدیدآور : جلوه ها و زمینه های بلوغ/ محمدحسین حقجو؛ ویراستار غلامرضا گلی زواره

مشخصات نشر : [قم]: المهدی، 1374.

مشخصات ظاهری : [149] ص

فروست : (معارفی از قرآن و عترت علیهم السلام)

شابک : بها:2200ریال

یادداشت : عنوان روی جلد: جلوه ها و زمینه های بلوغ: ویژه جوانان و نوجوانان.

یادداشت : کتابنامه: ص. [149]؛ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان روی جلد : جلوه ها و زمینه های بلوغ: ویژه جوانان و نوجوانان.

موضوع : بلوغ -- جنبه های مذهبی -- اسلام

بلوغ (روانشناسی)

شناسه افزوده : گلی زواره، رضا، ویراستار

رده بندی کنگره : BP232/65/ح 7 ج 8

رده بندی دیویی : 297/485

شماره کتابشناسی ملی : م 75-4388

ص: 1

سراغاز سخن

شکر خدای را که توفیق داد به یکی از موضوعات مهم در رابطه با نسل جوان همت گمارم و پس از مدت‌ها به ثمر نشیند. درود و تحیت الهی بر پیامبر عظیم الشان اسلام - صلی الله علیه و آله - و اهل بیت معصومش - علیهم السلام - و نیز طلایه داران احیاء و گسترش فرهنگ اسلام که ابزار علمی و عملی آنان یاور خوبی برای این تلاش بود. سلام بر عزیزان مرز و بوم اسلامی که با پیشنهادات و تذکرات مفید و استقبال شایان از آثار دیگر مؤلف تشویق در تالیف موضوعات مورد نیاز نسل جوان، حقیر را یاری کردند.

مباحث این کتاب چندین بار برای طلاب جوان حوزه علمیه قم مطرح شد و توسط خود عزیزان به نوشتاری تبدیل شده و برادر عزیز جناب آقای گلی هم زحمت ویرایش آنرا عهده دار شدند و در پایان بنده هم مروری بر مطالب تنظیم

شده داشتیم و چون مباحث آنرا برای عزیزان جوان مفید دیدم اقدام به چاپ گردیدم.

مجموعه مباحث بطور گذرا به عوامل و فرایندهای بلوغ پرداخته و آثار منفی بلوغ ناهمگون را به بحث گذاشته و عمل به تذکرات کتاب، انسان را در همه ابعاد به رشد لازم خواهد رساند و از یک تعادل همه جانبه ای بهره مند خواهد کرد. اگر چه روند مباحث ساده و گویا مطرح شده ولی به مبانی قوی و علمی مذهبی روانشناسی پرداخته شده است.

امید است این تلاش مختصر و شاید ناقص زمینه ساز حرکتها قوی تر، در تبیین معارف قرآن و عترت - علیهم السلام - شود و تا حدی برای جوانان عزیز مفید واقع گردد.

تذکرات و نظرات مفید مولفان و محققان و شما خواننده عزیز را بدیده منت پذیرایم.

والسلام

حوزه علمیه قم

محمد حسین حق جو

پاییز 1374

## ارکان وجود انسان

### 1- ارکان وجود

شناخت اصول و مبانی و ارکان تربیت در اولین حله ضروری به نظر می رسد. پس از شناسایی مبانی مزبور باید در این راستا اهتمام نماییم که رفتار، کردار و گفتارمان بر آن استوار گردد.

ابعاد وجود انسان را می توان به پنج دسته تقسیم نمود:

#### 1. رکن جسمی

یکی از ارکان وجود، رکن جسم انسان است. در خصوص این رکن شرع مقدس اسلام، مسائل متفاوت و فراوانی را مطرح نموده است. خوردن، نوشیدن، سلامت اندامها و رعایت امور بهداشتی و ... در این رکن قرار می گیرند.

در این بحث، که زمینه های بلوغ را بررسی می کند، بخشی از وظایف اولیاء در این مورد مطرح است که در حیطه دانش تغذیه

می باشد.

مادر باید بداند که فرزند او در هر دوره ای از زندگی چه نیازهایی دارد و باید از چه مواد غذایی مناسبی استفاده کند تا رشد طبیعی مناسبی داشته باشد.

چه غذاهایی محرک اند؟ چه موادی پروتئین دارند، یا حاوی ویتامین و املاح معدنی می باشند؟ چه غذاهایی طبع سردی دارند و چه خوراکیهایی گرم اند؟ کسانی که کارهای فکری می کنند به چه نوع غذاهایی نیاز دارند و آنان که در بعد فیزیکی و جسمی کارهای سنگین انجام می دهند، باید بیشتر از چه غذاهایی استفاده کنند؟

رعایت امور فوق جزء برنامه ریزی طولانی مادر می باشد. وظیفه او آن است که بداند در چه زمان فرزندان و همسر او به چه نوع غذاهایی نیاز دارند.

ما نمی خواهیم غذای خاصی را توصیه کنیم، بلکه مقصود روشن شدن اذهان نسبت به آگاهیها و علم تغذیه است، باید بدانیم هر فرد از کودک و جوان و میانسال و سالمند برای ادامه حیات خود به یک نوع غذا احتیاج دارد. پروتئین مورد نیاز برخی از این گروههای سنی باید از طریق مواد لبنی تامین شود و گروهی دیگر این ماده را از طریق خوردن گوشت به بدن خود می رسانند.

بهرحال، نوع غذا، کمیت و کیفیت آن در هر گروه سنی متفاوت است. البته مصرف برخی مواد در هنگام جوانی محرک اند و باید از خوردن آنها اجتناب گردد.

در بعد جسمی مسئله ای دیگر، پوشش جوان است. اولیا نباید لباس نوجوان را از جنس نایلون انتخاب کنند زیرا موجب بروز حساسیت پوستی او می شود و تحریک مخاط پوست، آنها را به بلوغ زودرس جنسی مبتلا می نماید.

پوشیدنیها در بلوغ

ص: 4

کودک نقش مهمی دارند. این پدیده هم در مورد لباسهایی که کودک می پوشد صدق می کند و هم نگرستن آنان به لباس پوشیدن دیگران در این مقوله قرار می گیرد و تحریکاتی را به دنبال خواهد داشت.

اختلاط دختر و پسر در میهمانیها، پوشش غیر مناسب توسط محارم اعم از مادر، خواهر، دختر خواهر و دیگران نیز تحریکات جنسی جوان را به ارمغان می آورد. عدم پوشش مناسب در اجتماع نیز زمینه تحریک مهمی برای جوان در بعد جسمی می باشد.

استفاده از رنگها در لباسها بسیار مهم است، باید سعی شود از رنگهای تند و محرک برای لباس، پرده، ملافه ها و حتی وسایلی چون چراغ خواب استفاده نشود.

## 2. رکن عقلی

بعد دیگر وجود انسان، بعد عقلی است. عقل باید همراه با رشد اندامهای حسی، حرکتی بطور متناسب رشد کند. اگر عقل جوان هماهنگ با رشد سایر اعضا رشد نکند، مخاطراتی به همراه دارد. اولیاء باید زمینه های رشد عقلی را برای کودک فراهم سازند و وی را به تعقل و تفکر تشویق نمایند، با توجه به اینکه باید او را در نظر خواهیها نیز سهیم و شریک بدانند. یکی از زمینه هایی که موجب می شود رشد جوان متوقف شود، این است که جرأت حرف زدن را از جوان بگیرند، نتواند حرف بزند و یا از خود دفاع کند یا حق خود را بگیرد.

بسیاری از جوانان گله دارند که نمی توانند حرف بزنند و از خود نظریه ای ارائه داده و اولیا به آنها آنقدر اهمیت نمی دهند که به حرفهای دل آنان گوش فرا دهند. پسر یا دختر فرقی نمی کند، اگر جوان قدرت حرف زدن و

مواجه شدن با پدر و مادر را نداشته باشد، چگونه می تواند، درد دل خود را با آنان در میان بگذارد و این وضع موجب تضعیف رشد عقلی در جوان می شود.

باید اجازه دهیم جوان سخن خود را بگوید، یا کودک استدلال نماید، هر چند استدلال او از نظر ما بسیار ضعیف باشد، باید ارزش شنیدن داشته باشد.

اگر به محض شروع استدلال جوان، با عکس العمل های غلط، جلو او را بگیریم باید بدانیم که قدرت استدلال فرزند خود را تضعیف کرده ایم و او دیگر نمی تواند در برابر یک فرد مقاومت کند و از حق خود دفاع نماید. قدرت مقابله فکری با مسائل اجتماعی و خانوادگی را ندارد و فوری تحت تاثیر دیگران قرار می گیرد.

بنابراین لازم است زمینه های رشد عقلی و شکوفایی فکری فرزند را بطور متناسب و متعادلی به وجود آوریم و در این مورد از اندیشه های تربیتی مندرج در قرآن و حدیث و نظرات افراد کارشناس بهره بگیریم و با اهل فن مشورت نماییم و تحمل شنیدن گفته ها و تفکرات نوجوان را در خود به وجود آوریم.

### 3. رکن معنوی

یکی از ابعاد وجود انسان، معنویت انسان است که باید هماهنگ با رشد سایر ارکان وجود انسان تکامل یابد. رشد ارکان وجود، بدون رشد رکن معنوی کاربردی نیکو ندارد.

رشد عقل منهای معنویت، خطر آفرین است. جوان در کنار رشد سایر اعضاء از جمله عقل باید بداند که نظر اسلام در روابط اجتماعی چیست؟ همچنانکه آگاهی او نسبت به خود و جامعه بیشتر می شود، به روابط نیکو نیز در پرتو معنویت باید توجه داشته باشد.

یکی از اندرزهای

مهم قرآن به انسان تاکید بر مسئله عبودیت و معنویت اوست:

«ما جن و انسان را جز برای عبادت نیافریدیم» (1).

و در مقابل، نتیجه دوری از یاد و ذکر خود را زندگی سخت در دنیا دانسته است (2). پس باید به رکن معنوی دقت بیشتری شود.

#### 4. رکن عاطفی

بعد عاطفی در وجود انسان اهمیت بسزایی دارد. از مشکلات مهم جامعه ما ضعف این بعد است. و شاهد کم رنگ شدن آن در روابط خانوادگی و اجتماعی هستیم. بچه ها و جوان ها عاطفی نیستند. آنها نسبت به اولیاء، بستگان و دوستان خود احساس عاطفه نمی کنند و این یک ضرر و خطر مهم برای جوان است.

باید زمینه های رشد عاطفی در جوان را به وجود آورده و آن را تقویت کنیم. چنانچه سایر ارکان وجود رشد می کنند، عاطفه نیز باید در وجود آنان در مسیر رشد و بالندگی قرار گیرد.

#### 5. رکن رفتاری، روحی

یکی دیگر از خصوصیات انسان، رکن رفتاری و حالات روانی اوست که اگر درست به آنان توجه نشود عقده حقارت، عدم اعتماد به نفس، کمرویی، خوف و افسردگی و ... را بدنبال خواهد داشت.

این رکن دارای جنبه های متعددی است که باید در جوان اقتداری به وجود بیاورد تا بتواند برخورد مناسب با این مسائل را داشته باشد. و به تواناییها و استعدادهای درونی خویش اعتماد کرده و خود را باور نماید و با توکل به خداوند و شناخت حالاتی که پرودگار به او عنایت نموده در برخورد با مسائل جدیت و اهتمام داشته باشد.

#### 6. رکن اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان، مستلزم آن است که انسان نسبت به

ص: 7

---

1- «و ما خلقت الجن و الانس ليعبدون». (56/ذاریات)

2- «و من اعرض عن ذکری فان له معیسه ضنکا». (124/طه)

وظایف خود در اجتماع و نقش خویش در سازندگی و بالندگی اجتماع توجه نماید.

بعد شخصیت اجتماعی جوان، باید در خانواده تکوین یابد و بدانند در برخوردهای اجتماعی چه کند؟

در روابط اجتماعی اسلام، مسائل مطروحه فراوانی وجود دارد و قرآن و کلام اهل بیت - علیهم السلام - در خصوص این مسائل بطور مشروح رهنمودهای لازم را ارائه داده اند.

اولیاء باید بدانند که روابط اجتماعی آنان تأثیر فزاینده ای در شکل گیری بعد شخصیت کودک و نوجوان دارد و آنان به عنوان الگو و اسوه در رفتارهای متقابل اجتماعی مورد تقلید فرزندان قرار می گیرند.

به فکر دیگران بودن، حسن تعاون و نوع دوستی، احسان و نیکی، عیادت مریض و رسیدگی خویشاوندان و دوستان، برخورد با آشنایان و مسائل بغرنج خانواده و اجتماع مسائلی است که در بعد شخصیت اجتماعی باید مورد توجه اولیاء قرار گیرد.

## 2- حفظ تعادل در ارکان

خداوند طی رهنمودی حکیمانه، انسان را به این اصل متوجه ساخته است: «و ما شما را امتی متعادل و وسط قرار دادیم» (1).

حفظ تعادل، بین ارکان بسیار مهم است. چنانچه افراط مذموم است، تفریط نیز در شرع مقدس اسلام مردود است.

متأسفانه دختران و پسران فراوانی در جامعه دیده می شوند که هنوز به بلوغ عقلی و معنوی نرسیده ولی دچار بلوغ زودرس جنسی می شوند و برای خود و جامعه مشکل می آفرینند.

وقتی بدن قوی می شود، باید عاطفه و معنویت و عقل نیز قوی شود، لذا جوانانی که قبل از بلوغ عقلی، به بلوغ جنسی می رسند، به انحراف کشیده می شوند.

گرفتاری جوان در بعد جنسی و غریزی در اینجاست که بلوغ زودرس منهای رشد عقل، او را

ص: 8

---

1- «و کذلک جعلناکم امه وسطا». (143/ بقره)



به دامان مفاصدی چون «اونانیسم» (استمناء و استشهائ) و پیامدهای بی شمار آن دچار می سازد.

این خطر، در ابعاد دیگر نیز مطرح است. اگر جوان از قدرت جسمی منهای عاطفه و معنویت برخوردار بشود، گاه حتی اولیاء و اقارب خود را نیز با این توانایی جسمی مورد اذیت و آزار و فشار روحی قرار می دهد.

عدم تعادل در ابعاد وجودی جوان و نا آگاهیهای او، باعث می شود که دشمن از این راه بتواند ضربه های فراوان و جبران ناپذیری بر پیکره جوان این رکن قدرتمند جامعه وارد سازد.

اولیاء در ابتدای شکل گیری شخصیت جوان، باید او را بطور متعادل، تربیت نمایند تا به داشتن چنین فرزندان شایسته ای مباحثات نموده و اخلاق و رفتار متعادل آنها قلب و روح پدر و مادر را شاد کند و از اینکه تلاشهایش به هدر نرفته به وجد آیند.

## بلوغ

### 1- جلوه های بلوغ

بلوغ از نظر واژه شناسی، به معنای رسیدن به حد تعادل است. آنچه از کتب لغت و روایات استفاده می شود، رشد به معنای بالندگی متوازن و کمال موزون می باشد. (1) بالغ به کسی گفته می شود که از نظر رشد و فزونی در هر بعد متعادل باشد.

اگر کسی از نظر یک عامل وجودی دارای کاستی باشد، بالغ نیست، چنانچه اگر فزونی داشته باشد نیز بالغ نیست.

پس بلوغ سنی، جسمی، عقلی، عاطفی، جنسی و معنوی باید در کنار هم و با هم حاصل شوند، تا نتیجه بخش باشند. همانطور که در طبیعت نیز این هماهنگی بین اعضاء جماد و گیاه و حیوان موجود است. هر پدیده ای بطور متعادل شکل گرفته و از نظم خاصی برخوردار است.

برای آنکه بدانیم

ص: 9

منظور ما از بلوغ چیست، باید به این موضوع اشاره شود که این حالت دارای چندین جلوه است و بلوغ مورد نظر از چه مشخصات و علایمی برخوردار است.

## 1. بلوغ سنی شرعی

یکی از انواع بلوغ، بلوغ سنی است. از نظر شرع، بلوغ دختر و پسر با بلوغ قانونی تفاوت دارد.

بر اساس موازین شرعی دختر پس از به پایان رسانیدن 9 سال (قمری) بالغ است و پسر پس از اتمام 15 سال (قمری) به بلوغ می رسد.

باید توجه شود که این احتساب با ماههای قمری انجام می شود زیرا هر سال قمری حدود 10 روز از سال شمسی کمتر است و در این حال بلوغ، زودتر انجام می پذیرد.

توجه به بلوغ شرعی، در انجام تکالیف و عبادات بسیار مهم است و در صورت بی توجهی، جوان را از این نظر با مشکل روبرو می سازد و احتساب سالهای عمر جوان اگر با سال قمری نباشد، موجب می شود که عبادات در وقت معین شرعی انجام نشود و جوان باید بر حسب وظیفه ادای تکلیف کرده و عباداتی که قضا شده را بجا آورد.

لازم به توضیح است که منظور از بلوغ، بلوغ سنی نیست. بلوغ زودرس در این بحث مطرح نیست و اگر جوانی هم در احتساب بلوغ اشتباه کرده باشد، می تواند با قضای اعمال و عبادات فوت شده این مشکل را بر طرف سازد.

## 2. بلوغ جسمی

وقتی مطرح می شود که جوان نباید دچار بلوغ زودرس شود به این معنی نیست که جوان از نظر رشد جسمی، با مشکل مواجه می شود، اگر جوانی هیکل داشت، یا قد بلند، و

بدن جثیم مواجه بود، مورد ندارد که با مشکل حادی روبرو شود.

در دانش بیولوژی (biology) این بحث مطرح است که افت برخی از رشدهای طبیعی بدن به چه علت است و افزایش رشد زودرس چه منشا خاصی دارد.

اما رشد جسمی، نشانگر بلوغ نیست و هر کس از هیكل بزرگی برخوردار بود به این معنی نیست که از بلوغ کامل برخوردار است. بلکه او تنها به رشد جسمی خود رسیده است و باید از نظر سایر ابعاد بلوغ نیز به رشد و بالندگی کافی برسد.

## 2. بلوغ عقلی

بلوغ عقلی در همه جوانها یکسان نیست. باید از هر فرد، به تناسب استعداد و بلوغی که از او مشاهده می شود، توقع داشت. همه افراد در بلوغ عقلی یکسان نیستند، در این حالت رشد فکری جوان اعم از پسر و دختر به حدی است که می تواند مسائل جاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و قضاوت کند. گاه دو فرزند در یک خانواده، از یک پدر و مادر، حتی گاهی ممکن است دو قلو هم باشند ولی بلوغ عقلی آنها با هم متفاوت است.

بلوغ عقلی جلوه های گوناگون دارد که در مباحث آینده به آنان اشاره می شود.

## 4. بلوغ عاطفی

در بعد عاطفی نیز، انسان دارای نیازهایی است که باید بعد عاطفی در انسان تقویت شده و نمادهای عاطفه به بلوغ و تعادل برسند. محبت، خشم و غضب، ترحم، دگراندیشی، گریه و خنده از نمادهای عاطفی هستند.

## 5. بلوغ معنوی

در بعد معنویت انسان باید سعی کند به تکامل برسد. هر قدر انسان به خداوند نزدیک شود،

دارای عقل کامل و بلوغ بالاتری است. البته حد تعادل در معنویات نیز مطرح است و این بخش خود علمی خاص دارد. افراط و تفریط در معنویات هر دو ناپسند است. اسلام همچنانکه از رهبانیت بیزار است از فساد در امور جنسی نیز نفرت دارد. اگر اسلام کاهل نماز، یا تارک الصلاه را مذموم می‌شمارد، در مقابل، افراط در عبادت و بازماندن از مسائل خانوادگی و اجتماعی را نیز ناپسند می‌داند. بهر حال کسی به بلوغ معنوی رسیده است که از چارچوب قوانین الهی پا را فراتر نگذارد.

#### 6. بلوغ سنی قانونی

از نظر قوانین اجتماعی، بلوغ دارای سنی خاص می‌باشد که تابعین قوانین یک مملکت از این سن قانونی باید از قوانین مصوب در مجلس قانونگذاری (پارلمان) کشورشان تبعیت کنند و عمل خلاف قانون انجام ندهند و اگر مرتکب عمل خلافت شوند چون بالغ قانونی هستند، باید پیامدهای آن را قبول کنند و زیر بار این مسئولیت بروند و بر اساس احکام قوه قضائیه مطیع احکام، حدود، دیات، تعزیرات و ... باشند.

#### 7. بلوغ جنسی

بلوغ جنسی از اموری است که فهم آن معمولا برای جوان مشکل است و گاه اولیاء نیز به نکات و ظرایف این بلوغ توجه ندارند. اگر بلوغ جنسی، رشدی متعادل داشته باشد، جوان با مشکل روبرو نخواهد شد. در مثال باید توجه داشته باشیم:

اگر کشاورز به درختی کم یا زیاد آب دهد و یا اصلا آبیاری نکند، به آن کود ندهد و یا بیش از حد معمول و متعادل از کود استفاده کند، رشد درخت دچار اختلال می‌شود. ثمردهی و باروری درخت نیز با

مشکل روبرو خواهد شد. حتی در برخی موارد، گیاه مورد نظر خشک می شود.

اگر بلوغ جنسی قبل از 15 سالگی در فرد صورت بگیرد و به وسیله عواملی فرد به بلوغ زودرس مبتلا شود، دچار عوارض منفی می گردد.

نوجوانانی که قبل از شکوفایی قوای عقلانی، مسائل جنسی را می فهمند، یاد می گیرند و مسائل جنسی را در برخی کتب مطالعه می کنند و گاه تجربه های تلخی نیز از ارتباط با هم جنس یا جنس مخالف در اثر غفلت یا ناآگاهی والدین دارند، بطور حتم دچار عوارض سوء بلوغ زودرس خواهند شد.

بسیاری از انحرافات جنسی، مشکلات رفتاری و عاطفی جوان بواسطه همین بلوغ زودرس است و گاه این ضلالت، جوان را به ورطه هلاکت می کشاند.

بلوغ جنسی نیاز هر جوان بطور طبیعی می باشد، اگر این نیاز هماهنگ با دیگر قوای جسمانی و معنوی او رشد کند، جامعه در مسیر خیر و صلاح قرار می گیرد و متعادل می گردد.

انحرافات جنسی، اونانیسم (خود ارضایی) ارتباط نامشروع با هم جنس یا (هموسکسوال) جنس مخالف عشق های کاذب، دروغ، فریب، تهمت، ازدواجهای ناموفق، طلاق، فرزندهای نامشروع، بی میلی به ازدواج، ناپایداری در زندگی زناشویی، تمایل به تنوع طلبی های افراد، تنفر از همسر می توان نام برد که، ریشه در همین بلوغ زودرس جنسی دارد.

## 2- بلوغ طبیعی

خداوند که در جهان آفرینش نظم و تناسب و تعادل را در نظر داشته است در قران می فرماید:

«و تمام چیزها را به مقدار معین آفریدیم».(1)

در مورد بلوغ جنسی نیز این قدرت و هماهنگی و حکمت لحاظ شده است. خداوند اندامهای بدن را به گونه ای به وجود آورده که اگر اعضاء بدن رشد طبیعی

ص: 13

---

1- «انا کل شیء خلقناه بقدر».(49/قمر)

و معمولی داشته باشند، به گونه ای است که در سن بلوغ جنسی، بلوغ عقلی نیز هماهنگ می شود، بلوغ عاطفی نیز رشد می کند و بلوغ جنسی روند طبیعی خود را طی می کند.

اگر قرار باشد درختی را یک کیلو میوه بدهد، خداوند متعال از زمانی که نهال آن در زمین قرار می گیرد به گونه ای زمینه های رشد این گیاه را فراهم می کند که توانایی فوق در او به وجود بیاید، در زمانی که درخت شکوفا می شود و رشد می کند و میوه می دهد، زمینه های لازم از نظر شاخه، تنه و ریشه، طوری برای درخت فراهم شده است، که قدرت لازم برای باروری داشته باشد.

در تناسل حیوان نیز عجایب شگفت آفرین مقدر شده است. هر حیوان به تناسب توانایی جسمی خود به گونه ای صاحب فرزند می شود.

خداوند به نحوی روند طبیعی رشد، تخم یا جنین، حیوان را فراهم می کند که مادر، قدرت تحمل آن را داشته باشد.

این است که روند رشد و بلوغ انسان، حیوان و گیاه اگر روی روال طبیعی خود باشد، هیچ گونه نارسایی به وجود نمی آید.

## **بحران بلوغ**

بلوغ برای جوان مرحله بسیار حساسی است و جوان در این سن از نظر جهات مختلف بدن خود به بلوغ و رشد می رسد.

آگاهی مریبان و اولیاء جوان از زمینه های بلوغ و جلوگیری از بلوغ زودرس در جوان بسیار مهم است. و گاه جوان در همین سنین است که دچار بلوغ زودرس شده و آینده او با خطر مواجه می شود و در دامان فساد و منکر مبتلا می گردد.

کسانی که با جوان ارتباط دارند باید با پدیده بلوغ آشنا شوند و ابعاد آن

را بشناسد و سعی کنند که جوان در تمام زمینه ها به تناسب به بلوغ برسد و رشد هماهنگی داشته باشد.

توجه به یک بعد جوان و غافل شدن از ابعاد دیگر وجود او امری خطر آفرین است، که ممکن است جوان را در این مرحله حاد با دشواری مواجه کند. با توجه به این امر که خداوند هر استعداد و غریزه و خواسته ای را که در نهاد بشر قرار داده است، زمینه های این بنیادها را با توجه به عوامل و احتیاجات آن در یک زمان و موقعیتی به تناسب به امانت گذاشته است، تا آن عامل یا پیکره و ساختار بالغ شده و آماده بهره وری سالم و پویا شود.

اگر زمینه رشد طبیعی فراهم شود، چنانچه اقتضای طبیعت انسان است، این غرایز متعادل حرکت کرده و موجبات رنج و مشقت را برای انسان فراهم نمی کند و مشکلات اجتماعی را به دنبال نمی آورد.

چنانچه در بدن انسان، خداوند به صورت تکوینی، رشد متعادلی قرار داده است. هر فرد نسبت به هیكل و وزن و قدش یک حرکت همگون مادی دارد.

در زندگی حیوانات نیز این حالت لحاظ شده است، بال گنجشک با بال عقاب تفاوتی چشمگیر دارد و هر گروه متناسب با نیازهای خود به رشد می رسند.

انسان نیز جدا از پیکره مادی، گوارش یا رشد بدن، که بسیاری از اعمال بطور خودکار انجام می شود، باید در انواع نیروهای بدنی خود متعادل حرکت کند.

انسان وقتی متعادل است که هماهنگ با رشد علمی از نظر عاطفی هم رشد کرده باشد، از نظر معنوی هم در کنار علم رشد کند.

فردی

ص: 15

که از نظر رشد بدنی در حد بسیار بالایی است اگر از نظر روحی و عاطفی به رشد کافی و معقولی نرسیده باشد از قدرت جسمی خود نمی تواند به خوبی استفاده کند. و گاه از توانایی خود استفاده سوء می کند.

اگر فردی از نظر فکری در حد بسیار بالایی باشد ولی از نظر جسمی ضعیف باشد از قدرت فکری خود در مسیر صحیح نمی تواند استفاده خوبی کند. لذا لازم است در کنار پویایی فکر، به ابعاد جسمی نیز بی توجه نباشیم. لذاست که اهمیت این کلام مشخص می شود: «عقل سالم در بدن سالم است».

کسانی که در مسیر خودسازی قرار می گیرند با تصور خودسازی گاه کم می خورند، کم می خوابند و از مواهب دنیوی کمتر بهره می برند. اسلام این روش را هرگز نمی پسندد. اگر کسی در مسیر فکر معنویت است باید به نیازهای ظاهر جسمی نیز توجه داشته باشد تا بتواند از بالندگی و قدرت فکری در کنار قدرت جسمی استفاده بهینه کند.

برخی فکر می کنند، تنها فراگیری علم و درس کافیت. دانش اندوزی موفقیت نیست علم منهای معنویت حجاب است و عامل رکود و شکست می شود. در کنار فراگیری علم، انسان به رشد عواطف و معنویت نیز نیاز مبرمی دارد.

## مراحل بلوغ

### 1- جهش مثبت

مرحله اول در بلوغ، جهش است. در این مرحله ثبات وجود ندارد. ابتدا انسان حرکتی را شروع می کند، اما این حرکت، حرکت پایداری ندارد. مانند گیاهی که از زمین جوانه می زند و بیرون می آید. با توجه به اینکه هنوز شکل نگرفته و توازن ندارد، قادر به توانایی و حفظ و حراست خود نیز نیست. با به وجود آمدن این جهش باید عوامل دیگر



این جهش را شکل داده و ثبات بخشید.

در هر یک از ابعاد وجود انسان این جهش امکان پذیر است. در بعد عقلی، جسمی، فکری، عاطفی و سایر استعدادها، این جهشها دیده می شود. یک استعداد بالقوه، به فعلیت در می آید، انسان موفق به عمل صالح، قرائت قرآن، نماز شب، ترک گناه می شود. اما اگر این عمل یکبار انجام شود، ارزش چندانی ندارد. بلکه مقدمه رشد است. یک حرکت درونی، اگر تثبیت شود و به صورت عادت در آید، و استمرار یابد، ارزشمند است.

## 2- جهش منفی

گاهی بلوغ و رشد در مرحله ای جهشی منفی دارد. فرد در مرحله ای دچار گناه یا فساد می شود. اما اینکار را تکرار نمی کند. در این صورت نمی توان وی را فردی منحرف دانست. مثلاً- اگر فردی در مقطعی قرار گرفت و با حالاتی مواجه شد، که به فساد مبتلا شد، در صورتی منحرف و مطرود است که به این حالت خو گرفته و حاضر به ترک آن نباشد.

اگر فردی در حالتی قرار گرفت که رفتاری خلاف اخلاق و معنویت از خود بروز داد، مثلاً دروغ گفت، از نظر شرع مقدس اسلام این امر منفور نیست و می تواند با توبه اثر سوء آن را از بین ببرد. (1) بلکه در صورتی منفور ابدی است که فرد کذاب شود. پیوسته دروغ بگوید و باطل در وجودش تثبیت شود. چنانچه مصداق این کلام قرآن شود:

«وای بر بسیار دروغگویان» (2).

پس جهش های منفی در ابعاد وجود دلیل بر بی ارزش بودن انسان نیست. چنانکه جهش در بعد مثبت نیز چنین است و نمی توان بر اساس آن به خوبی فرد مورد نظر قضاوت نمود. در بعد منفی وقتی جهش مطرود است،

ص: 17

---

1- یدهبین السیئات... (هود/114)

2- «ویل للمکذبین» (15/مرسلات) (در سوره مرسلات 10 بار تکرار شده).

که تثبیت شود. وقتی گناه و خلافی کرارا انجام شود، در وجود انسان منفوریت تثبیت می شود.

### 3- ملکه شدن یا شرطی شدن

کمال مرحله جهش ثبات آن است. در روانشناسی از این مرحله به شرطی شدن و در روایات به عادت و ملکه تعبیر می شود. جهش مانند آن است که فردی، شخصی را به کار خیر تشویق می کند و او نیز این کار را انجام می دهد، اما مهم آن است که این کار خیر در وجود او پایدار گردد و در درون او انگیزه ای به وجود بیاید، که خود این کار را انجام داده و به آن عادت کند. و در این حالت این عمل در وجود شخص به صورت ملکه و خوبی ممدوح درآمده است.

در مثال: علم نیز همین گونه است. انسان نسبت به بعضی مسائل علم دارد اما آیا علم تنها کافیت؟ علم با عمل صالح در وجود تثبیت می شود و علم به وسیله عمل صالح خود را در وجود شخص بروز می دهد. چنانچه قران ایمان بدون عمل را کافی نمی داند.

«کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند» (1).

جهش در مرحله رشد در صورتی بسیار نیکوست که تثبیت شود انسان نسبت به انجام عمل نیک عادت کند و از گناه دوری جوید. کسی که مراحل ابتدایی رشد را پشت سر نهاد برای آنکه این حالت استمرار پیدا کند و به حد ثبات برسد و بنابه نظر علمای روانشناسی شرطی و یا از دیدگاه روایات عادت و ملکه شود، باید زمینه هایی را در نظر داشته باشد، تا به مرحله کامل رشد برسد.

### زمینه های ملکه شدن

#### 1- شناخت مرزها

اولین مرحله ثبات رشد، شناخت مرزها است. مرزشناسی در رشد و بلوغ بسیار

ص: 18

---

1- «الذین امنوا و عملوا الصالحات». (12/ بقره)

مؤثر است. صفات روحی، اعمال انسان، ملکات اخلاقی، روابط اجتماعی مرزهایی دارند.

در مورد این مقوله باید مثالهایی زده شود و با ذکر مثال بتوان شناخت مرزها را مورد تاکید و توضیح قرار داد.

الف: بعد اخلاقی

از نظر روانشناسی جبن یا ترس، تهور یا شهامت، مرزهایی دارد. شناخت این صفات اخلاقی احتیاج به مطالعه و تحقیق کتب اخلاقی دارد. (1)

تهور و شجاعت با هم متفاوت اند، از نظر روانشناسی تهور یک ارزش نیست، ضمن آنکه ترس نیز صفتی مطلوب نمی باشد. (2)

انسان نباید به تصور تهور و خیالهای باطل، خود را به قدری ترس تصور نماید که کارهای خلاف ضوابط عقلانی و شرعی و قانونی را انجام دهد و یا آنقدر ترسو باشد که به خاطر آن نتواند به انجام بسیاری از کارهای ارزشی موفق شود.

کدام ترس پسندیده و کدام ناپسند است؟ کدام دروغ ناپسند و کدام دروغ پسندیده است؟ کدام غیبت پسندیده و کدام غیبت ناپسند است؟ اینها از نظر شرع مرز دارند و باید نسبت به اعمال مرزشناسی شود.

ب: بعد عاطفی

در بعد عاطفی انسان به محبت و دوستی نیاز دارد. اما کدام دوستی پسندیده است؟ گاه دشمنان در لباس دوست، بسیاری از جوانان را به ورطه سقوط و نابودی کشانیده اند. در بسیاری موارد وقتی به آنها گفته می شود که باید برای نجات خود دست از فلان دوست برداری، بخاطر نشناختن مرزها حاضر نیستند زیر بار بروند. باید بدانیم که دوستی هم مرز دارد. در رابطه با اولیاء و پدر و مادر که خداوند در آیات بسیاری خطاب به انسان می فرماید:

«از خداوند پیروی کرده و شرک نوزید،

ص: 19

---

1-1 . . جامع السعادات، معراج السعاده. گناهان کبیره، اخلاق اسلامی، قلب سلیم و ... .

2-2 . . توضیح بیشتر در اثر دیگر مؤلف با عنوان «ترس و راه درمان آن».

و به پدر و مادر نیز احسان کنید.» (1)

در این آیه خداوند محبت اولیاء را با پرستش خود، کنار هم قرار داده است اما در جایی که شرک مطرح است در مورد همین محبت و دوستی در آیه دیگر می فرماید:

«اگر پدر و مادر خواستند ترا به شرک وادار کنند و به ارتکاب گناه تشویق کنند از آنها پیروی نکنید.» (2)

آنجا باید دوست داشت و احسان کرد، اما اگر ایمان انسان در خطر است، نباید از اولیاء پیروی نمود. پس در بعد عاطفی نیز شناخت مرزها ضرورت دارد.

ج: بعد جسمی

در بعد بدنی نیز انسان باید مرزها را بشناسد. در اسلام افراط و تفریط مذموم است. به قول شاعر:

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چند کز ضعف جانت برآید

اگر به خیال خودسازی جوانی کم بخورد. زیاد روزه بگیرد، به نیازهای بدنی خود توجه نکند، در اثر مرور زمان، رفته رفته بدنش ضعیف و لاغر شده و اعضای چون چشم، مغز، دستگاه گوارش، قلب، اعضاء و جوارح دچار آسیب های بی شمار می شوند، علم تغذیه، در امر پرورش جسم بسیار مهم است. هر فرد با هر کار و در هر سن خاص به نوعی از مواد غذایی نیاز دارد. کار فکری، کار فیزیکی، کودکان در حال رشد، پیران و ... به نوعی از تغذیه نیاز دارند.

باید بدانیم که نیازهای مادی و جسمی نیز در کنار نیازهای معنوی، یک امر ضروری است و باید نسبت به آنها توجه داشته باشیم. شناخت مرزها در این راه به انسان کمک بسیاری می کند.

چنانکه قرآن کریم در آیه شریفه

ص: 20

---

1-3 . «وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا». (23/ اسراء)

2-4 . «ان جاهداک لشکرک بی ما لیس لک به علم». (15/ لقمان)

می فرماید:

«بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید»(1)

گاه به واسطه نشناختن مرزها، افراد تنها به بدن خود می‌رسند، هر چه می‌توانند می‌خورند، به کمیت و کیفیت غذا توجهی ندارند و گاه این شکم پروری آنان را از نیازهای معنوی و مادی و عاطفی دیگر باز می‌دارد.

د: پرورش استعدادها

پرورش استعدادها در بعد جسمی باید متعادل باشد. علم پرورش استعداد و شناخت مرزها در بالندگی این استعدادها، مؤثر است. بطور مثال: اگر انسان می‌خواهد، دارای بدنی قوی شود باید بداند که از چه راهی موفق به این کار می‌شود؟ اگر دوست دارد هنری یاد بگیرد مانند: علوم فنی و حرفه‌ای و هنری از قبیل خطاطی، نقاشی، خیاطی، هنرهای دستی و سایر موارد باید چگونه یاد بگیرد و آموزش صحیح این دوره‌ها را بگذراند تا هنری کامل یاد بگیرد.

پرورش ابعاد جسم انسان که بسیار مهم است، روشی خاص دارد و برای این کار انسان باید نسبت به نیروهای خود شناخت کامل پیدا کند، مرزها را بشناسد و بداند که باید تا کجا پیش برود و چه راهی را انتخاب کند که به استعدادهای دیگر او ضربه و زیان وارد نکند. حرکت او هماهنگ و متعادل باشد، تا آثار مضر در پی نداشته باشد.

ه-: بعد ورزش(2)

ورزش یکی از فعالیتهای تفریحی است که در سلامتی جسمی و روحی انسان نقش بارزی دارد، اما کمال مطلوب نمی‌باشد. هر مرحله‌ای از زندگی افراد به نوعی ورزش نیازمند است. در این مورد نیز انسان باید مرزهای صحیح ورزش را بشناسد تا بتواند مسیر صحیحی از ورزش را برگزیند، بعضی از انواع ورزش بسیار

ص: 21

---

1-5. «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا». (31/ اعراف)

2-6. فرایند ورزش را در اثر دیگر مولف به نام «ورزش و ورزشکار در اسلام» مطالعه کنید.

سنگین اند و به کالری زیاد احتیاج دارند، این گونه ورزشها برای افرادی که کارهای فکری می کنند، مناسب نمی باشند.

برای برخی از نوجوانان که هنوز به بلوغ عاطفی و عقلی نرسیده اند، آگاهی از ورزشهای رزمی ممکن است خطرآفرین باشد. دیده شده که این گونه ورزشها موجب قتل و کشتن دوست، خواهر و یا برادر ورزشکارانی شده است که شیوه های رزمی را قبل از بلوغ عاطفی و عقلی فرا گرفته اند.

ورزش منقطع و بدون برنامه مفید نیست، و باید به طور مستمر انجام شود تا سودمند واقع شود.

افرادی که در سطوح علمی مختلف مشغول کارند، به انواعی از ورزشها و نرمشهای مفید نیاز مبرمی دارند. (1)

ورزش، هنر و فنی است که باید هر فرد به مقتضای سن، فکر و موقعیت درسی و اجتماعی انواع مفیدی از آن را فرا گیرد. و تا وقتی انسان این مرزها را شناسد نمی تواند در فراگیری فنون ورزش، موفق باشد.

## 2- آفت شناسی

وقتی مرزها را دانستیم باید آفات را نیز تشخیص دهیم. آفات استعدادها باید شناخته شوند. تا با رعایت موارد پیشگیری و ایمنی، پرورش استعدادها محفوظ بمانند.

اگر آفات شناخته نشوند، گاه فردی سالها زحمت می کشد و به یک مقام معنوی می رسد، با انجام یک عمل خلاف تمامی تلاشهای چندین ساله را در یک لحظه یا یک روز از دست می دهد و برای تحصیل مجدد آن مقام معنوی، باید سالها مرارت تحمل کند. و شاید هم موفقیت اولیه را به دست نیاورد.

و یا فردی سالها برای تحصیل علم و پرورش فکر زحمت می کشد، مطالب را با مشقت به ذهن می سپارد ولی اگر به آفات حافظه علم

ص: 22

---

1-7. توضیح بیشتر را در کتب «حافظه، شیوه های موفقیت در تحصیل و تند خوانی» آثار دیگر مولف مطالعه کنید.

نداشته باشد، با انجام یک عمل، نتایج آن زحمات طاقت فرسا را به باد فنا می دهد و گاه تحصیل مجدد علوم برای فرد امکان پذیر نخواهد بود. لذا تحصیل مهم است، اما مهمتر از تحصیل علم، حفظ و حراست علوم و پرهیز از آفات حافظه است. (1)

بسیاری از اضطراب ها، فشارهای روحی، نگرانی ها، غصه ها و تشتت های عصبی برای محفوظات حافظه خطرناک است و توانایی های مغز را به تحلیل می برد.

کسانی بوده اند که برای هجوم این نگرانی ها، حتی نام خود یا اقوام و یا خیابان خود را نیز از یاد برده اند. نه تنها از آن همه علم استفاده نکرده اند، بلکه تمام آنها را به فراموشی سپرده اند.

وقتی استعداد انسان شکوفا شد، باید از آن حراست کند. مانند فردی که جواهرات زیادی داشته باشد، آیا عاقلانه است که آنها را بدون حفاظت رها کند و در دسترس دزدان بگذارد. هر گونه اهمال در نگهداری جواهرات، عواقب وخیمی به همراه دارد.

### 3- دردشناسی

مرحله سوم دردشناسی است. انسان باید مشکلات را در امور مختلف بشناسد. چنانچه اگر انسان در بعد بالینی بدن خود دچار ناراحتی شود، آنها را نادیده نمی گیرد. اگر به سردرد یا دندان درد مبتلا شد آن را رها نمی کند و در صدد علاج برمی آید.

در بعد روح و قدرت های شخصیتی، انسان احتیاج به شناخت درد و مشکل دارد. اگر مشکل روحی برای انسان پدید آمد، دلیل مشکل را بشناسد و به دنبال درمان آن مشکل باشد.

بطور مثال اگر کسی، حال عبادت ندارد، در نماز کسل است، شوقی به خواندن قران و ادعیه و ... ندارد، از درس دلزده و خسته شده است، نسبت به اطرافیان بی محبت

ص: 23

---

1- توضیح آفات حافظه را در اثر دیگر مولف به نام «حفظ و تقویت حافظه» مطالعه کنید.

شده است، از دوستان دلسرد و به آینده بدبین است، باید چه کند؟ آیا درست است که انسان با مشاهده هر یک از این علائم که نشان دهنده مشکلات روحی است، خود را فرد بدی بداند و از خویشتن قطع امید کند؟

اگر برای انسان در بعد مادی مشکل به وجود آید، مثلاً معده اش مرکز هجوم میکروباها و ویروسها شده و تعادلش را از دست بدهد و یا روشتر اسهالی شود، توانایی جذب غذا را از دست بدهد، نسبت به غذاهای خوب بی اشتها شود، آیا از نظر انسانی فردی مطرود است و باید بمیرد؟ یا نه اینطور نیست. این انسان کاملی است که فقط معده او مورد هجوم بیماری قرار گرفته و باید درمان شود.

در بعد روحی نیز انسان اگر دچار مشکل است نباید فقط آن را ببیند. باید اندیشه کند که چرا مشکل به وجود آمده است. ریشه یابی کند و به اصل مشکل برسد. اگر محصلی یک روز درسی را نفهمید، نمی تواند به خود بگوید که من بی استعداد شده ام، مشکل پیدا کرده ام پس باید درس را رها کنم. چنانکه اگر کسی چشمش درد بگیرد. دلیل بر بی کفایتی او نیست بلکه باید ناراحتی چشم را برطرف کند.

اگر فردی نسبت به دروس خود بی علاقه می شود، تجدید می شود و یا احیاناً یک سال مردود می شود نباید نسبت به همه چیز بدبین شود بلکه باید از طریق مشورت با استاد، دوست، زرننگ های کلاس در صدد حل مشکل برآید. استعدادهای خود را در سایر موارد فراموش نکند، موفقیت های خویش را در سالهای قبل از یاد نبرد و نه تنها به مشکل خود فکر نکند،



بلکه به جای فکر در مشکل و ناامیدی از همه جا، در صدد حل مشکل و شناخت موقعیتهای برتر خود باشد.

شناخت دردها و بیماری های روحی، فکری، عاطفی و معنوی، امری مهم است جزء شخصیت انسان است. شاید فردی مشکلی چون لاغری، کوتاهی قد، چهره نازیبا، کمرویی، عدم اعتماد به نفس، ترس، بخل و سایر مشکل ها را داشته باشد ولی همین فرد به طور حتم استعداد های فراوان دیگری هم دارد که باید به شکوفایی آنها پردازد و در سایه این موفقیت ها، مشکل را از یاد ببرد و یا درمان کند.

برای رسیدن به بلوغ و رشد و بالندگی استعدادها، لازم است انسان دردشناس باشد. و پس از شناخت معضل با صاحب نظران و متخصصان مشورت کند و عارضه مورد نظر را از بین ببرد.

#### 4- شناخت درمان

در مکتب متعالی اسلام عزیز، هیچ مشکلی بدون راه حل نیست. اگر به متن آیات، روایات، سیره ائمه - علیهم السلام - و تاریخ اسلام توجه داشته باشیم، می بینیم مشکلات بسیار غیر قابل حلی را مکتب اسلام، درمان کرده و روش برخورد با مشکلات را بیان نموده است.

اگر مشکلی برای انسان پیش آمد باید آن را شکست دهد و سختیها را بشکند. ولی خود در مشکلات هضم نشود و شکست نخورد و گوهر شخصیت را در منجلاب دشواریها غوطه ور نسازد. چنانکه پزشک مشکلات اعضاء و جوارح بدن را حل می کند، پزشکان روح نیز باید در صدد درمان مشکلات روحی برآیند. همچنانکه مراکز پزشکی جسم موجود است، مراکز پزشکی روح، روان درمانی، مشاوره و ... نیز تقویت شده و مشکلات نسل آینده و جوان را برطرف نمایند.

مطالعه در متن

ص: 25

معارف عمیق اسلام، مطالعات روانشناسی، تاریخی، اخلاقی و اجتماعی می تواند در بسیاری از موارد به حل مشکلات انسان کمک شایانی نمایند.

باید کمبود پزشکان روح را با مطالعات اساسی و جهت دار و سودمند ترمیم نموده و در صدد درمان آن مشکلات برآییم. مشکلات و بیماریها، قبل از آنکه حاد شوند و از بلوغ و بالندگی و رشد استعدادها جلوگیری کنند باید درمان شوند.

## بلوغ سنی شرعی

از نظر مکتب مقدس اسلام دختران پس از به پایان رسانیدن نه (9) سال تمام و پسران پس از اتمام پانزده (15) سال تمام به بلوغ می رسند. البته این احتساب با ماههای قمری انجام می شود که هر سال چند روز کمتر از سال شمسی است. لذا دختر و پسر زودتر از سال شمسی به بلوغ می رسند.

### علائم بلوغ سنی در پسر

پسر قبل از تمام شدن 15 سال قمری از راههای دیگر نیز ممکن است به بلوغ برسد. علائم دیگر بلوغ در پسران موارد زیرند:

1. محتلم شدن، یعنی در خواب یا بیداری از انسان منی خارج شود. در این حال خود جنب شده و باید غسل جنابت انجام دهد. با غسل جنابت می توان نماز خواند و نیز شخص محتلم وقتی که غسل کرد می تواند روزه بگیرد و سایر عباداتی که برای انجام آنها به وضو نیاز دارد با غسل جنابت می تواند انجام گیرد. (1)

لازم به تذکر است که بعد از خارج شدن منی باید استبراء کند و اگر استبراء نکند و بعد از آن از او آبی خارج شود، آن آب نجس است و طبعاً در انجام غسل او اشکال پیش می آید و بطلان آن حتمی است.

رطوبتهای پاک دیگری

ص: 26

---

1- توضیح بیشتر در کتاب «احکام و آداب نماز» اثر دیگر مولف.

در پسر هست که حکم آن با منی فرق دارد. این آبها در هنگام لذت از او خارج می شود و پاک هستند و غسل هم ندارند. که «ودی»، «وژی» و «مزی» نام دارند.

اما اگر منی از انسان خارج شود، چه در خواب، چه بیداری، چه با اختیار یا بی اختیار، کم یا زیاد، با شهوت یا بی شهوت باشد، نجس است و انسان جنب می شود و باید غسل جنابت کند.

2. یکی دیگر از راههای رسیدن به بلوغ، رویدن موی درشت در اطراف آلت تناسلی است.

اگر پسر، یکی از این علائم را مشاهده کرد گرچه پانزده سال قمری او تمام نشده باشد، به سن بلوغ رسیده است.

## فراگیری احکام

دختر و پسر پس از رسیدن به بلوغ شرعی باید احکام شرع مقدس اسلام را فراگیرند و آنها را بکار ببندند.

اولین وظیفه یک مکلف، شناسایی مجتهد اعلم و واجد شرایط برای تقلید از وی می باشد که فرد مکلف احکام لازم خود را از او تقلید نماید. فراگیری احکام رساله عملی امری واجب است. مسائل وضو، غسل، نماز، شکیات نماز، واجبات و سایر مسائل برای مکلف واجب است.

اگر مکلف احکام شرعی خود را فرا نگیرد و اعمال عبادی خود را انجام دهد و بعد بفهمد که اعمال خود را اشتباه انجام داده است، باید آنها را اعاده کند.

اولیاء در این خصوص باید به یاری فرزندان خود بشتابند و آنها را در فراگیری احکام ضروری یاری دهند.

## بلوغ جسمی

### 1- بلوغ جسمی

هر انسانی باید در متعالی نمودن بعد جسمی خود بکوشد و به بیانی دیگر بلوغ جسمی او هماهنگ با

سایر ابعاد وجودیش رشد کند و تکامل یابد؛ از عوارض سوء بعد جسمی پیشگیری کند و بدن خود را با ناگواری مواجه نسازد. اگر افراد به فرامین نجاتبخش مکتب وحی یعنی قرآن و عترت - علیهم السلام - عمل کنند، بعد جسمی آنها با ناراحتی روبرو نخواهند بود و اگر به مشکل خاصی مبتلا شوند با بکار بستن دستورات اسلامی از آن وضع نجات خواهند یافت.

## 2- خوردن

خوردن یکی از نیازهای ضروری بدن انسان است. در خصوص خوردن در مکتب الهی اسلام، مسایل فراوانی ذکر شده است. (1) همچنانکه برای روح غذای معنوی لازم است، برای بدن انسان نیز خوردن و تغذیه اهمیت زیادی دارد. بدن انسان از راه خوردن تقویت می شود و انسان را در کار کردن و فعالیت های روزانه یاری می نماید.

تغذیه صحیح باید از دورانی که کودک در رحم مادر است آغاز شود. در این باره اسلام، توصیه های غذایی فراوان دارد. تغذیه مادر در دوران بارداری، برای جنین امری حیاتی به نظر می رسد. منشا بسیاری از بیماریهای جسمی و روحی کودکان و حتی بزرگان کمبود مواد غذایی در این مقطع سنی است. فقدان آهن در بدن مادر، فرزند را به یرقان (زردی) مبتلا می سازد، «لب شکری» شدن فرزندان، به علت کمبود ویتامین های گروه ب (2) (b) می باشند.

زیبایی یا زشتی، حافظه قوی و یا ضعف حافظه، چاقی یا لاغری فرزند و جنین همه با تغذیه مادر در هنگام بارداری ارتباط مستقیم دارد.

در ایام شیردهی نیز تغذیه کودک بسیار مهم است. زمان رویش دندانها، راه رفتن، نشستن، حرف زدن، باید از تغذیه مناسب و حاوی املاح و ویتامینهای مناسب استفاده شود.

در سنین رشد نیز تغذیه مهم

ص: 28

---

1- مکارم الاخلاق؛ وسائل الشیعه، باب اکل و شرب.

2- ویتامینهای گروه «ب» در ترکیبات دارویی به ویتامین ب کمپلکس موسومند و اگر با املاح معدنی و سایر ویتامینها همراه باشند به مولتی ویتامین (multi vitamin) معروفند.

است. ساختار وجودی انسان در این سالها شکل می گیرد. دقت و توجه در نیازهای جسمی، مصرف به موقع مواد خوراکی مناسب و تنوع در غذاها، برای رشد موزون لازم است.

### 3- دقت در تغذیه

باید توجه داشت که تنها دقت در تغذیه ی صحیح کافی نیست. انسان باید در غذایی که می خورد توجه کافی داشته باشد. (1)

از نظر معنوی غذا باید شرایطی داشته باشد.

1. حرام نباشد. طبق موازین شرع برخی از مواد غذایی حرامند. گوشت مردار، گوشت برخی حیوانات حرام گوشت، شراب، مالی که خمس آن را نداده اند، اموال غصبی و دزدی که از راه حلال به دست نیامده و... حرامند و انسان نباید از لقمه حرام استفاده کند. لقمه حرام گاه زحمات سالهای متمادی انسان را از بین می برد.

2. نجس نباشد. غذای نجس در روح انسان تاثیر منفی دارد. حتی به کودکان نیز نباید غذای نجس داد. انسان باید از خوردن غذا در منزل افرادی که رعایت نجس و پاکی را نمی کنند، پرهیز کند. خوردن غذا در میهمانخانه ها و رستورانهای بین راه نیز که رعایت نجس و پاکی را نمی کنند - اگر انسان بخواهد به درجات عالی انسانی برسد - شایسته نیست.

3. شبه ناک نباشد. غذای شبه ناک در مواردی است که انسان نداند آیا غذا حلال است یا حرام می باشد، پاک است یا نا پاک؛ کسی را مجبور به غذا دادن نکند و بدون دعوت جایی نرود. جایی که می داند، از حضور و میهمانی او اکراه دارند، شرکت نکند و غذا نخورد. این غذاها شبه ناک اند زیرا معلوم نیست صاحبان آن راضی اند یا نه.

### 4- علم و بهداشت تغذیه

لازم است انسان پیرامون مواد غذایی نسبتا آگاهی کاملی داشته باشد. در

ص: 29

---

1- «فانظر الی طعامک». (259/بقره)

هر سنی انسان به تغذیه ای خاص احتیاج دارد. کودکان به علت تحرک زیاد به پروتئین و ویتامینها و املاح نیاز بیشتری دارند. در سنین میان سالی هر کس به تناسب شغلی که دارد باید غذا مصرف کند. کسی که کارهای فکری دارد به نوعی تغذیه محتاج است، غذای چنین فردی باید کم حجم و پر کالری و بیشتر از مواد فسفردار مانند گردو، کشمش، فراورده های لبنی و شیری باشد.

کسی که زیاد کارهای جسمی انجام می دهد به غذای بیشتری نیازمند است. مادران شیرده یا باردار دو برابر افراد معمولی به مصرف کلسیم و پروتئین نیاز دارند.

افراد سالخورده به مقدار کمی از مواد پروتئینی و قندی نیاز دارند و در عوض باید لبنیات بیشتری مصرف کنند. از غذاهای چرب و شیرین پرهیزند که آنان را دچار اختلالات گوارشی، تنفسی و قلبی می نماید.

همه افراد خانواده نمی توانند به یک میزان غذا مصرف کنند، بلکه هر کدام به تناسب سن، شغل و فعالیت خود، به نوعی از تغذیه نیاز دارند. بهداشت تغذیه

در مورد تغذیه. نکته مهم رعایت موازین بهداشتی می باشد. در کنار علم تغذیه، توجه به بهداشت نیز مهم است.

اسلام در خصوص بهداشت تغذیه توصیه های فراوانی دارد که اجمالا بدانه اشاره می شود:

انسان باید در طعام خود دقت کند. (1)

غذا باید خوب جویده شود. هر لقمه 33 مرتبه باید جویده شود. اگر غذا خوب جویده نشود هضم آن با مشکل مواجه شده و دستگاههای بدن را با مشکل روبرو می کند و در برخی مواقع غذایی که درست جویده نشده، دفع می گردد و سودی برای بدن ندارد، بلکه نیروئی

ص: 30

---

1- «فلینظر الانسان الی طعامه». (259/بقره)

هم برای متابولیسم (سوخت و ساز) از بدن می گیرد.

در خوردن و آشامیدن نباید اسراف شود. (1)

انسان نباید پرخوری کند. زیرا فکر انسان در موقع پرخوری به تحلیل می رود و حافظه از کار می افتد. (2)

امام سجاد - علیه السلام - می فرماید:

حق شکم این است که آن را ظرف حرام قرار ندهی و آنگاه که سیر شدی، بیشتر نخوری. (3)

غذا نباید داغ باشد. خوردن غذای داغ مکروه است و در بعضی موارد بدن دچار سرطانهای مختلف می شود. و پژوهش گران و متخصصان علوم غذایی در خصوص خوردن غذاهای داغ هشدار داده اند.

نباید غذاها زیادتر از حد معمول پخته شوند. زیرا ویتامینهای آن از بین می روند. و نیز برخی ترکیبات آن به صورت مواد دیگری در می آیند که احتمالاً بیماری زا هستند. غذا مدت طولانی در حالت داغ روی بخاری یا فر نباشد. زیرا مواد مغذی آن از بین می رود. غذا در حد مصرف طبخ شود. اگر اتفاقاً غذایی اضافه آمد، در ظرف در بسته و در یخچال نگهداری شود و هر بار به اندازه مصرف گرم شود. غذا نباید زیاد در یخچال و فریزر بماند زیرا آنزیمها روی آن رشد کرده و انسان را مبتلا به بیماری می کنند. وقتی غذای منجمد شده را گرم کردیم دوباره نمی شود آن را منجمد کرد زیرا انجماد دوباره آن موجب فساد در غذا می شود. هر غذا به اندازه خاصی در حال انجماد سالم می ماند و بیشتر از آن نباید نگهداری شود. میوه ها و سبزیهای خام باید شسته و ضد عفونی شوند وگرنه بدن را دچار بیماری می کنند.

## 5- غذاهای محرک، لباس و رنگ ها

اولیاء باید دقت داشته باشند که در سنین جوانی، برخی غذاها برای جوان محرک هستند و باید کمتر

ص: 31

1- «كلوا واشربوا ولا تسرفوا». (31/ اعراف)

2- «اذا متلات المعدة، مات الفکره». (اخلاق در زندگی، از نگارنده، جلد 1)

3- اخلاق سُبْر، صفحه 124.

استفاده شوند. موادی چون سیر، پیاز، هویج، ترشی و شوری، نارگیل، شیرینیهای وانیل دار و فلفل از غذاهای محرک هستند. بجای این غذاها می توان از جانشینهای آنها استفاده کرد و یا در مقابل مصرف آنها مواد خنثی کننده سرد، مصرف شوند.

## لباس

بعد دیگر بلوغ جسمی دقت در لباس پوشیدن است. اسلام تاکید دارد، لباسها از جنس نخ باشد. مخصوصا لباسهای زیر و به خصوص برای جوان در حال بلوغ لباسها باید تنگ و چسبناک و از جنس نایلون نباشد. اصطکاک لباس تنگ و نایلون بر بدن جوان موجب خشکی پوست و سپس خارش و تحریک پوست می شود و این حالت موجب ابتلاء به بیماری های جنسی می گردند. محارم جوان باید در خانه رعایت پوشش مناسب را بنمایند. بسیاری از جوانان از طرز لباس پوشیدن محارم در خانه رنج می برند و تحریک کاذب خود را از راه فساد، خنثی و آرام می کنند. مادر، خواهر، عمه، خاله، خواهرزاده و برادرزاده جوان باید مواظب باشند که لباسهای محرک، تنگ نباشند. (1)

## رنگ ها

رنگ ها نقش زیادی در تحریک جوان دارند. لباس، ملافه، پرده، فرش، پستی، چراغ خواب و سایر لوازم جوان باید از رنگ های محرک چون قرمز و نارنجی نباشند. بلکه رنگ آبی و خاکستری و سبز کم رنگ بهترین و آرام بخش ترین رنگ ها برای جوان می باشند.

## 6- ورزش و انواع آن

ورزش یکی از نیازهای مهم بدن انسان است و اگر آن را به شکل سالم انجام دهند، کمتر بیمار می شوند. اسلام بر ورزش مفید تاکید وافر دارد. هر فرد به تناسب سن، جنس و موقعیت جسمی به نوعی از ورزش نیاز دارد. بعضی ورزشها برای جوان لازم است و برخی در خور

سن

ص: 32

---

1- توضیح بیشتر در کتاب «آیین خانه داری» اثر دیگر مولف.



کودک و بعضی ورزشها مناسب ایام میانسالی و کهنسالی هستند.

## انواع ورزش

ورزش انواع مختلف دارد.

1. فیزیوتراپی، نوعی ورزش است که در حقیقت درمان بعضی از اعضاء صدمه دیده انسان محسوب می شود.

2. فیزیوپسیکوتراپی یا درمان حرکت فیزیکی. برای افراد سرخورده، افسرده، منزوی و کم تحرک به کار می رود تا ناراحتی های روحی آنان درمان شود.

3. پرورش استعداد های اعضای بدن چون، تایپ، دو، وزنه برداری، بوکس، فوتبال، تیراندازی، شنا، کاراته، تکواندو و سایر رشته های ورزشی را شامل می شود.

4. ورزشهایی برای تقویت حافظه چون تمرکز، تداعی، تندخوانی، ورزشهای گوناگون چشم برای علماء، محصلین و دانشجویان به کار می رود و آنان را در رسیدن به موفقیت های درسی و علمی یاری می دهد.

## ورزش های مضر

برخی از انواع ورزش برای گروهی مضرند. قبل از آنکه جوان به سن تمیز برسد و قوای عقل و عاطفه او رشد کند و به بلوغ برسد، فراگیری بعضی از فنون ورزشی ممکن است عوارض بدی به دنبال داشته باشد. فراگیری تکنیک های ورزش های سنگین چون جودو، کاراته، بوکس برای چنین جوانانی خطرناک است و گاه ملاحظه شده که برخی از این گونه جوانان با فراگیری این فنون، نزدیکان، دوستان و همبازی های خویش را مصدوم کرده اند. برای خانم ها مخصوصا بانوان نیز برخی از ورزش ها مضر است. ورزش های سنگین، پرش های زیاد برای خانم ها مناسب نیستند. (1)

برای کسانی که کارهای فکری انجام می دهند، ورزش های سنگین که نیروی زیاد را مصرف می کنند، مناسب نیستند. این گونه افراد باید از ورزش های سبک برای تقویت جسم و روح خود استفاده کنند. در مجموع باید انسان از ورزش سالم غافل نباشد

ص: 33

---

1- توضیح بیشتر در کتاب «ورزش و ورزشکار در اسلام»، اثر دیگر مولف.

و به این وسیله به بلوغ جسمی در حد طبیعی برسد.

## 7- بهداشت بدن

انسان باید به جسم و بهداشت جسم خود توجه وافری داشته باشد. بدن انسان تا زمانی که او زنده و سالم است در اختیارش می باشد. اگر عضوی از بدن انسان دچار بیماری و ناراحتی شود و نسبت به رفع بیماری اقدام نگیرد، کم کم مختل و فرسوده شده و شخص دچار پیری زودرس شده و یا ناگواری های جبران ناپذیری متوجه او می گردد.

در کتب گوناگون درباره بهداشت بدن بحث شده است. اما بحث اجمالی در اینجا این است که جزء وظایف مهم هر انسان، رسیدگی به بهداشت بدن است. استحمام کردن، تمیز نگهداشتن اعضاء بدن، دفع زوائد بدن، مسواک کردن، دقت در مصرف مواد غذایی به میزان لازم باید از برنامه های روزانه هر انسان باشد.

اگر فردی در بدن خود آثار تب مشاهده کرد. نباید نسبت به آن بی تفاوت باشد، باید علت را بیابد و آن را از بین ببرد. گاه بیماری تب که خود معلول ویروس یا میکربی است، منشا بیماری های خطرناک گوارشی، مغزی، قلبی و ریوی می شود. تا حد امکان از مصرف غذاهای فاسد، مانده، غیر بهداشتی، کنسروهای غیر استاندارد (به خصوص قوطی های متورم) غیر ضروری باید پرهیز کرد.

نگهداری و حفظ سلامت دندان، مو، چشم، معده و قلب و سایر اعضاء امری لازم است. بی توجهی به هر یک از اعضاء بدن موجب بیماری و تحلیل رفتن قوای آن می شود و چه بسا یک بیماری خطرناک اگر به موقع شناخته شود. قابل درمان می باشد و چه بسا بیماری کوچکی که به فراموشی سپرده شود منشا بیماری های بزرگتر می شود.

خطرات در

ص: 34

در بعد جسمی، خطراتی در کمین جوان می باشد. جوان باید از مصرف مواد مخدر به شدت پرهیز کند و در صدد آن باشد که مبادا در دام این مواد بیفتد. مصرف مواد مخدر و افیونی جوان را از رشد در بعد جسمی باز می دارد و جسم او را بیمار، رنجور و رنگ پریده می کند.

مسئله دیگر فساد و انحراف جنسی است که جوان را در بعد جسم دچار مشکل می کند. مبتلایان به انحرافات جنسی از بیماری های مختلف اعضاء بدن رنج می برند، معده آنها دچار اختلال می شود، چشمانشان ضعیف شده و اعضاء بدنشان می لرزد، رنگشان پریده و لاغر می شوند. دچار بیماریهای گوناگون عصبی شده و از نظر روانی تعادلی ندارند.

جوان باید روی مسائل و انحرافات و مشکلات، شناخت داشته باشد و مواظب باشد تا گرفتار این انحرافات نشود که اگر گرفتار شد، اختلال در رشد و مشکلات جنسی، امری اجتناب ناپذیر است.

## 8- تامل

برای آنکه انسان از نظر جسمی به بلوغ کامل دست پیدا کند باید مسایل و مشکلات بدن خود را به خوبی بشناسد. از عوامل ضعف جلوگیری کند و از افراط در تغذیه پرهیزد تا دچار کم وزنی یا چاقی مفرط نشود.

انسان متعادل از نظر رشد جسمی نیز باید در حد معمول باشد. چاقی مطرود است. ضعف و بیماری جسمی نیز امری پسندیده نیست. زیرا در این حال انسان همیشه مشغول درمان بیماریهاست و کمتر می تواند به مسایل علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی پردازد.

## مفاهیم عقل

### 1- مفاهیم عقل

عقل عامل کنترل کننده و از عقال آمده است. (1) قرآن کریم پیرامون آفرینش انسان می فرماید: «همانا انسان را در بهترین صورت خلقت و تعدیل آفریدیم». (2)

در

ص: 35

1- فرهنگ لغت.

2- «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم». (4/ تین)

بعضی از تفاسیر، «احسن تقویم»، تعبیر به عقل شده است که خداوند به انسان عقل داد و به دیگر مخلوقات و موجودات عالم این عنایت را نکرد و فقط به انسان عقل را کرامت فرمود. و قرآن نیز می فرماید: «همانا فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم». (1)

در بعضی مضامین، عقل را به معنای افزایش معنی کرده اند. یعنی انسان عاقل کسی است که در مسیر فزاینده‌گی و رشد قرار گیرد. کارهایی انجام دهد که او را به رشد برساند. رشد شامل رشد فکری، معنوی، عاطفی، اجتماعی است که انسان باید خود را در این مسیر سوق دهد.

برخی عقل را تعبیر به پالایش کرده اند. اگر کسی بتواند، افعال و افکار خویش را به وسیله پیرایش و پالایش رشد دهد، یعنی بازسازی کند و زواید اعمال را حذف نماید، این فرد عاقل است. در این صورت هر قدر ضریب پالایش فکری و عملی بالاتر شود، ارزش کار بیشتر است.

## 2- عقل در قرآن

بنابه تاثیراتی که عقل در عمل انسان دارد، عقل را اسامی مختلف داده اند، زیرا نگرش های مختلف نسبت به عقل، اعمالی خاص را شامل می شود. گاهی از عقل تعبیر به فطرت شده است! (2) در مواردی از عقل به نفس تعبیر شده است: (3)

«آیا به نفس ملامت کننده قسم یاد نکردم؟».

نفس شامل نفس طیبه، مطمئنه، خبیثه، اماره و لوامه می شود که در زبان فارسی به آن «وجدان» می گویند.

گاهی از عقل به قلب تعبیر شده است: (4)

«قیامت روزی است که مال و فرزند به انسان نفعی نمی بخشد مگر اینکه انسان با قلب سلیم به نزد خداوند بیاید».

قلب از آنجا که عامل تحول و تحریک و تنش در

ص: 36

---

1- «لقد کرّمنا بنی آدم». (70/ اسراء)

2- 1. «فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله». (30/ روم)

3- 2. «ولا اقسام بالنفس اللوامه». (قیامت / 2)

4- 3. «الا من اتى الله بقلب سلیم». (89/ شعراء)

انسان است، عقل نیز به این تعبیر آمده است.

گاهی از عقل به فکر تعبیر شده است:

«خداوند آیات خود را برای کسانی که تفکر می کنند، بیان می کند».(1)

فکر چون عامل ارزیابی است، عقل نیز به فکر تعبیر شده است. گاهی عقل به «لب» تعبیر شده است:(2)

«از خداوند بترسید ای صاحبان عقل و اندیشه، شاید رستگار شوید».

عقل را لب و صاحبان عقل را «اولوالالباب» دانسته اند، که این تعبیر به معنای نهایت درجه یک چیز و وجود واقعی چیزی را لب مطلب می نامند و صاحبان عقل کامل و بلوغ یافته اولوالالباب می باشند.

بنابه نقشهایی که عقل در عمل و گفتار و پندار و اندیشه انسان دارد، تعابیر عقل، مختلف است ولی وجود آن یکی است. و عقول کسی است که عقل را در تمام اعمال و رفتار و گفتار و پندارش لحاظ کند.

### 3- بلوغ عقلی

چنانکه گفتیم عقل از نظر لغت به معنای عقل و کنترل کننده است. عقل خصوصیتی دارد که می تواند انسان را به صورت یک فرد متعادل در مسیر کارها و برنامه های زندگی هدایت کند.

خداوند در قران کریم، بارها به بشر امر به تعقل نموده و او را به خاطر، تعقل نکردن، مورد خطاب و عتاب قرار داده است: «آیا تعقل نمی کنید».(3)

و در آیه دیگر می فرماید: «خداوند مرده ها را زنده می گرداند و به شما آیات خود را نشان می دهد، شاید تعقل کنید».(4)

خداوند، آیات زیادی را در قران، به بشر معرفی نموده که انسات را به تعقل وادار می کند. بسیاری از نعمت ها، قصه های اقوام گذشته، نظام هستی و ... در قران به عنوان آیه و نشانه خداوند

ص: 37

---

1-4 . «كذلك نفضل الايات لقوم يتفكرون». (24/ يونس)

2-5 . «فاتقوا الله يا اولى الالباب لعلكم تفلحون». (100/ مائده)

3-1 . «افلا تعقلون». (بقره/ 44)

4-2 . كذالك يحيى الله الموتى و يريكم آياته لعلكم تعقلون». (73/ بقره)

مطرح گردیده و از انسان خواسته شده است، پیرامون آنها تعقل نماید. همچنین بسیاری از نعمت ها و عذاب های اقوام در قرآن، به علت تعقل نکردن آنان برایشان نازل شده است. قرآن کریم می فرماید: «برای کسانی که تعقل نمی کنند، خداوند پلیدی قرار داده است».(1)

خداوند پیرامون کسانی که تعقل نمی کنند، می فرماید: بدرستی که جنبنندگان نزد خداوند کسانی هستند که کر و لال می باشند(آیات الهی را نمی شنوند و آن را بیان نمی دارند) و تعقل نمی نمایند».(2)

انسان باید سعی کند که هر چه زودتر به بلوغ عقلی دست پیدا کند. هنگامی که زمینه های ژنتیکی و اکتسابی موجب شوند که انسان به بلوغ عقلی برسد، نجات انسان از گمراهی و فطرات تضمین شده است.

بر خلاف بلوغ زودرس جنسی که مضراتی برای جوان، خانواده و اجتماع در پی دارد، اما بلوغ زودرس عقلی، خطر ندارد بلکه رشد آفرین نیز هست. اولیاء باید سعی داشته باشند، زمینه های بلوغ عقلی را در فرزند به وسایل گوناگون فراهم سازند و آینده سعادت‌مندی برای فرزند خود ایجاد نمایند.

#### 4- بلوغ عقل، علمی یا عام؟

البته باید توجه داشت، بلوغ عقلی، به معنای بلوغ عقلی علمی نیست. بلوغ عقلی علمی، برای کسانی مطرح است که مشغول فراگیری دروس منطق و فلسفه و عرفان و ... در حوزه و دانشگاه می باشند. بسیاری از این امور عقلیه قراردادی و انتزاعی هستند. اگر قرار بر این باشد که بلوغ عقلی، منحصر به علماء و متعقلین و آنها که اهل فلسفه و منطق می باشند، شود، شمول آن محدود است. افراد عادی و عوام قدرت یا توانایی و یا وقت فراگیری چنین علومی را ندارند. آنچه در اینجا مطرح است و از متون آیات

ص: 38

---

1-3. «و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون». (100/ یونس)

2-4. «ان شرالدواب عندالله». (22/ انفال)

و روایات بر می آید، بلوغ عقلی فراتر از یک فضای خاص و محدود حوزه علمی است. منظور از بلوغ عقلی، این است که انسان بتواند از ابزاری که خداوند در اختیار او قرار داده است، درست استفاده کند. علوم عقلیه، یکی از ابزارهایی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است اما بلوغ عقلی، برای همه مطرح است. همه مردم باید به بلوغ عقلی، منهای علوم عقلی برسند و بهتر است بگوییم بلوغ عقلی، فراتر از بلوغ عقلی علمی است.

بنابه نص آیات و روایات موثق منقول از اهل بیت - علیهم السلام - بلوغ عقلی، به علمی چون فلسفه، حکمت، منطق و اصول منحصر نمی شود. فردی که علوم فوق را در حوزه و دانشگاه نخواند، اگر سر فصل ها و پارامتر های عمومی را لحاظ کرده و روی آنها کار کند، به بلوغ عقلی می رسد. زیرا عقل نعمتی است که در وجود همه انسان ها هست. این انسانها هستند که برای شکوفایی عقل و رشد و بلوغ عقلی خود باید تلاش کنند.

رشد نسبی است

باید توجه داشت، بلوغ و رشد نسبی است. همه مردم از ابزار ویژه بلوغ عقلی استفاده می کنند و از ویژگی های آن بهره مند می شوند، اما برخی استفاده صحیح و درست دارند و به بلوغ کامل و بلوغ عقلی می رسند. در مقابل گروهی هستند که روش صحیح در رشد را اتخاذ نمی کنند و به بلوغ کامل عقل نمی رسند. این مسئله بستگی به فراگیری علوم عقلی ندارد، بلکه، روش استفاده صحیح از ابزار بلوغ عقلی است که انسان را به رشد و کمال می رساند. اگر انسان بخواهد، به بلوغ عقلی برسد،

## ابزار های بلوغ عقلی

### 1- تجربه

یکی از ابزار بلوغ عقلی، تجربه است. انسان اگر می خواهد در جامعه ای که زندگی می کند به بلوغ عقلی و رشد برسد باید مسایلی را تجربه کرده و یا از تجربه دیگران استفاده کند. تجربه سرمایه ی گرانبهای عمری تلاش است که انسان می تواند در یک لحظه، یک صفحه کتاب و یا یک ساعت مباحثه آن را درک کرده و به کار گیرد. اگر انسان بخواهد در زندگی به موفقیت برسد، باید بتواند از تجربیاتی که دیگران کسب کرده اند، کمال استفاده را ببرد و آن تجربه ها را در زندگی خود به کار گیرد.

تجربه از نظر اسلام

از آنجا که اسلام به رشد عقلی، انسان توجهی خاص دارد، نسبت به تجربه نیز در روایات و کلمات گهربار معصومین - علیهم السلام - ما فراوان به چشم می خورد.

تجربه به عنوان یک سرمایه علمی معرفی شده است:

«تجربه ها، علمی هستند که مورد استفاده قرار می گیرند».(1)

و در روایت دیگر می فرماید:

«نتیجه تجربه، انتخاب خوب است».(2)

انسان با استفاده از تجارب خود و دیگران می تواند، راه درست را انتخاب کند ولی کسی که تجربه ندارد، امکان شکست برای او زیاد است.

روایتی دیگر می فرماید:

«کسی که تجربه اش کم باشد. مکر و حيله و نیرنگ می خورد و کسی که تجربه او زیاد باشد کمتر فریب می خورد».(3)

انسان اگر می خواهد به بلوغ عقلی برسد باید نسبت به تجربه ها حساسیت بیشتری داشته باشد. در تایید این مطلب روایت می فرماید:

«نظر انسان، به مقدار تجربه اوست».(4)

قران کریم نیز پیرامون تجربه آیات فراوانی دارد. در آنجا که انسان امر



- 2-2 . «ثمره التجربه حسن الاختيار» (غورالحكم)
- 3-3 . «من قل تجربته خدع و من كثر تجربته قلت غرا». (غورالحكم)
- 4-4 . «راى الرجل على قدر تجربته» (غورالحكم)

به تذکر، تعقل، عبرت گرفتن می شود، برای آن است که ذهن خود را برای فراگیری تجربه آماده سازد. داستانهای قرآن پیرامون همین فراگیری تجربه از احوال اقوام قبل از اسلام آمده است و در قرآن این قصه ها به عنوان «احسن القصص» (1) نامیده شده است.

قرآن کریم پیرامون فراگیری تجربه از قصه ها می فرماید: «همانا در قصه های آنان عبرت و پند برای صاحبان عقل و بصیرت است». (2)

#### تجربه کاربردی

این نکته حائز اهمیت است که تنها فراگیری تجربه کافی نیست. انسان باید در مقاطع مختلف از این تجربه ها استفاده کند. امام صادق - علیه السلام - می فرمایند: «مومن از یک سوراخ، دو بار گزیده نمی شود». (3)

مومن از یک عامل دو بار شکست نمی خورد. انسان باید عوامل شکست در مسایل مختلف را درک کند و آنها را مورد نظر داشته باشد. برای آنکه انسان تجارب خود و دیگران را فراموش نکند، بهتر است این تجربه ها را در دفتر مخصوصی ثبت نماید. چنانکه ائمه - علیهم السلام - نیز به این امر سفارش فرموده اند: «علم را با نوشتن مهار کنید و حفظ نمایید». (4)

ثبت تجربه و حفظ آن به موجب گردآوری سرمایه عقل انسان است. اگر انسان در مسئله ای شکست خورد، دوستی به او ضربه زد، ضربه مالی دید، بیمار شد و یا دیگری به چنین رفتاری مبتلا شد، خوب است که با نوشتن علت یا علل آنها را به عنوان گنجینه سعادت حفظ نماید، زیرا انسان مسایل را خیلی زود فراموش می کند و از یاد می برد. نوشتن تجارب، به انسان کمک می کند که آنها را فراموش نکند. حداقل هفته ای یک بار، این تجربه ها را مطالعه کرده و

ص: 41

---

1-5 . سوره یوسف، آیه 1.

2-6 . «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الابصار». (یوسف)

3-7 . «لا یلدغ المومن من جحر واحد». (بحار، جلد 77، صفحه 218).

4-8 . «قیدوا العلم بالکتابه». (منیه المرید، ص 163).

پیرامون آنها فکر نماید. اگر دید در یک مقطع کاری انجام داده و این کار موجب زیان و ضرر شده و برایش مشکل آفرین بوده، سعی کند دیگر این عوامل مشکل آفرین را به کار نبرد.

دیدار از نمایشگاهها

یکی از کارهای خوبی که در سطوح مختلف در کشور انجام می شود، تشکیل نمایشگاه های مختلف است. در نمایشگاهها، عوامل پیروزی هر کدام از افرادی که در یک کار به خصوص، صاحب تجربه هستند، به مردم معرفی می شوند.

هر فرد، به تناسب شغلی که دارد، هر چند یک بار می تواند از نمایشگاه مخصوص به کار خود دیدن کرده و از نقاط مثبت پیروی و از نقاط ضعف دوری کند.

یکی از نتایج بسیار خوب این نمایشگاهها ایجاد انگیزه در انسان است. انسان وقتی می بیند که چگونه افراد با زحمت فراوان به جایی رسیده اند، خود نیز در درون با تحرک روبرو شده و به این گونه کارها تشویق می شود.

در این گونه مراکز انسان با تجربیات تلخ و شیرین افراد، به راحتی آشنا شده و می تواند از آنها در راه بهتر زیستن استفاده کند. زیرا بلوغ عقلی به معنای انتخاب برتر است. اگر موقعیت های خوب را انسان از دست بدهد معلوم می شود به بلوغ نرسیده است.

ایجاد انگیزه

دیدار از نمایشگاههای آثار شهدا، اسرا، جانبازان و مناسبت های ویژه به انسان انگیزه بهتر زیستن می دهد. اگر باور داشته باشیم که زندگی و حیات امانتی از طرف خداوند است و ما مامور به انجام وظیفه در برابر این نعمت ها هستیم، در می یابیم که چه کسانی از این نعمت ها خوب استفاده کردند؟

انسان

ص: 42

به هر نحو که زندگی کند، سرانجام مرگ او را فرا می‌گیرد، آیا بهتر نیست کاری انجام دهد که گرچه در زمان حیاتش از او تقدیر و قدر زحمات او را ندانند، اما این زحمات، بتواند مشکلی از جامعه حل کند و یا باعث تعالی و رشد افکار دیگران گردد.

مطالعه تاریخ، دیدار از نمایشگاه، تماشای فیلم‌های تاریخی و حماسی، گفتگو با افرادی که در کارهای خیر و دفاع و جهاد و سازندگی شرکت داشته‌اند، به انسان یاد می‌دهد که دقت کند، دیگران چگونه زندگی کردند و عوامل موفقیت و شکست آنها چه بود و اینک دیگران در جامعه چه نقشی باید داشته باشند.

در طول تاریخ افراد زیادی دنیا آمده، زندگی کرده و بدرود حیات گفته‌اند و پس از مدتی فراموش شده‌اند؛ ولی کسانی زندگی جاوید دارند که در جامعه منشا آثار خیر بوده‌اند. این گونه افراد در زندگی و مرگشان متحرک هستند. افراد معمولی نیز وقتی با زندگی این گونه افراد آشنا می‌شوند، تحرک می‌گیرند و علاقه پیدا می‌کنند که چون اینان باشند. اگر حرکت امام حسین - علیه السلام - مقطعی بود، در طول تاریخ جلوه خود را از دست داده بود، ولی منشا تمام انقلاب‌های دنیا، از انقلاب امام حسین - علیه السلام - است. حتی آنان که پیرو مذهب تشیع نبوده‌اند، چون گاندی که می‌گوید:

«من الفبای انقلابم را از حسین - علیه السلام - آموختم»<sup>(1)</sup>.

در عصر امام حسین - علیه السلام - از ایشان قوی‌تر هم بودند، معاویه، یزید و دیگرانی که جنایت کربلا را به وجود آوردند، قدرت اجتماعی بیشتری نسبت به امام حسین

ص: 43

- علیه السلام - داشتند ولی چون باطل بودند، از بین رفتند، گرچه امام حسین - علیه السلام - مظلومانه شهید شد، تا ابد برای بشریت درس آزادی و آزادی به ارمغان آورد.

می بینیم که در زمان خود ما، جوانان ایران به عشق کربلا و زیارت امام حسین - علیه السلام - و با پیروی از ایشان به جبهه شتافتند و در این راه شربت شهادت نوشیدند یا اسیر شدند و یا شهید زنده و جانناز گشتند.

پس باید ما نیز از نظر علم و عمل به گونه ای باشیم که آیندگان از ما تجلیل به عمل آورند. حتی اگر مردم نیز قدر عمل ما را ندانند، در قیامت است که سیرت اعمال برای رشد زندگی اخروی به درد انسان می خورد و انسان در جهان باقی به نتیجه اعمال خود بیشتر نیاز دارد. به شرط آنکه انگیزه انسان الهی باشد و خداوند در قرآن می فرماید: «همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، ما اجر و اعمال نیک آنان را ضایع نمی کنیم.»<sup>(1)</sup>

## 2- محاسبه نفس

برای رسیدن به بلوغ عقلی، محاسبه نفس امری لازم است. انسان باید نسبت به رفتار و اعمال خود، شناختی کامل داشته باشد. خوب است که انسان در هفته وقتی را برای تجزیه و تحلیل رفتار خود قرار دهد. مکتب اسلام نیز محاسبه را امری تعالی بخش و واجب می داند. امام کاظم - علیه السلام - می فرماید: «کسی که هر روز نفس خود را محاسبه نکند، از ما نیست اگر کار خوب کرده توفیق انجام بیشتر از خداوند بخواهد و اگر کار زشتی انجام داده از خداوند درخواست آمرزش کند و توبه نماید.»<sup>(2)</sup>

ص: 44

---

1-10. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات انا لانضیع اجر من احسن عملا». (30/کهف)

2-1. «لیس منا لن لم یحاسب نفسه فی کل یوم ...». (الحقایق، صفحه 303)

محاسبه اعمال به انسان قدرت شناخت می دهد و انسان می تواند مسیر رشد را بهتر بشناسد. اگر ما نعمت های الهی را امانت بدانیم، باید نسبت به آنها ادای وظیفه کنیم. خداوند می فرماید: «همانا گوش و چشم و قلب مورد سؤال قرار می گیرند».(1)

اگر انسان بداند که در مقابل نعمتها، زمانی مورد سؤال قرار می گیرد، محاسبه به او کمک می کند که راه صحیح را بشناسد و به بلوغ عقلی برسد. زیرا عاقل، نعمتهای خود را از بین نمی برد و سرمایه های زندگی خود را به دست خود از بین نمی برد. بلوغ عقلی، زندگی جاوید اخروی را بر زندگی دنیا و فانی ترجیح می دهد. زیرا اگر انسان از نعمت استفاده کرده و رشد کند، به نفع خود اوست و اگر کفر بورزد نیز خود از نتیجه اعمالش زجر خواهد کشید. قرآن نیز در این مورد می فرماید: «کسی که عمل صالح انجام دهد، برای خود اوست و کسی نیز که عمل بد و ناشایست انجام دهد بر علیه اوست».(2)

و یا در آیه دیگر می فرماید: «کسی که کفر بورزد، کفرش بر علیه خود اوست و کسی که عمل صالح انجام دهد، آنها را برای خود آماده می کند، تا خداوند از فضل خود به آنان که ایمان آوردند. و عمل صالح انجام دادند، جزا داده و بدرستی که خداوند کافران را دوست ندارد».(3)

محاسبه اعمال موجب رشد و بلوغ عقلی در انسان خواهد شد، در نتیجه زندگی انسان توأم با نیک اندیشی و عاقبت خیر خواهد شد.

### 3- تفکر

تفکر از ابزار بلوغ عقلی است. اندیشیدن به تجربه خود، دیگران، مطالعه تاریخ و دقت در احوال بزرگان باید مورد توجه هر انسان خردمندی

ص: 45

---

1-2. «ان السمع والبصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسئولاً». (36/ اسراء)

2-3. «من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها». (46/ فصلت)

3-4. «من کفر فعليه کفره و من عمل صالحا». (44/45/ روم)

باشد. فکر کردن آنقدر اهمیت دارد که در قرآن کریم و مکتب انسان ساز اهل بیت - علیهم السلام - به تفکر، اشاره و نسبت به آن تاکید فراوان شده است.

قرآن کریم می فرماید: «خداوند برای شما آیات را بیان می کند، باشد که تفکر کنید.» (1)

زمینه های تفکر در قرآن فراوان آمده است، داستان اقوامی که قبل از تاریخ اسلام بوده اند، خلقت آسمان ها، زمین، اختلاف ها، شب و روز، رنگ و نژاد، حیات، معاد و جهان پس از مرگ، همه نشانه های الهی و تحریک کننده انسان به فکر هستند. خداوند برای آنکه بشر را به فکر وادار کند در قرآن مثل های زیادی آورده است. می فرماید: «و اگر ما قرآن را بر کوه نازل می کردیم هر آینه می دیدی که از عظمت الهی شکاف می خوردند و این مثلها را برای این می زنیم که مردم فکر کنند.» (2)

روایات نیز راجع به فکر، تاکید فراوان دارند. می فرمایند: «یک ساعت فکر کردن، بهتر از هفتاد سال عبادت کردن است.» (3)

تفکر منظم و قوی، تفکری است که به انسان رشد و بالندگی می دهد و اینجاست که فضیلت آن از عبادت بیشتر می شود.

نیروی فکر و اندیشه ودیعه ای الهی است ولی باید بدانیم که آفت تفکر سالم خیال پردازی و اوهام است. این آفت متأسفانه در اکثر افراد به چشم می خورد. در خیال و وهم به همه چیز می رسند، رشد و تعالی می کنند و وقتی از اوهام بیرون می آیند، تهی از ارزشهای الهی هستند. تفکر آن است که انسان در مسایلی که در چارچوب عقل و شرع باشد، فکر کند و خیال و وهم، پایه ثابت و درستی نداشته و با موازین عقل و

ص: 46

---

1-1 . «كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تفكرون». (219/بقره)

2-2 . «و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون». (21/حشر)

3-3 . «تفکر ساعه افضل من عباده سبعين سنه». (میزان الحکمه، جلد 7، باب فکر)

شرع تناسب ندارد. امام صادق - علیه السلام - طی دعایی می فرمایند: «خدایا مرا از تاریکی ها و ظلمت های وهم و خیال خارج کن». (1)

وهم و خیال ظلمات است. انسان باید تفکر سالم و خیال پردازی ناسالم را از هم جدا بداند.

## ضرورت تعادل در استفاده از تجارب

در استفاده از تجارب و نیروی فکر، حفظ تعادل، لازم است. اگر فردی به تجربه ای دست یافت و آن را سودمند دانست، باید نسبت به استفاده از تجارب دیگران تعادل داشته باشد. قرآن نیز می فرماید: «و شما را امت وسط قرار دادیم». (2)

انسان باید نسبت به کارها اعتدال را رعایت کند. امام علی - علیه السلام - می فرمایند: «عمل کم ولی مداوم بهتر از عمل زیادی است که ملال آور باشد». (3)

انسان نباید از خود توقع داشته باشد که راهی که دیگران طی صد سال پیموده اند او در یک شب بیاماید. اگر انسان آمادگی جسمی و روحی نداشته باشد، ضربه می خورد. بطور مثال اگر انسان بخواهد، بدون برنامه ریزی و تمرین، ناگهان وزنه ای سنگین بردارد، دچار نقص عضو می شود. در حالی که همین وزن برای آنان که آمادگی جسمی دارند، مشکلی ایجاد نمی کند. بهترین راه به وجود آوردن زمینه های پذیرش، تقویت انگیزه الهی و دقت در تعادل در امور است، اینجاست که شانس موفقیت انسان بیشتر می شود. اگر دیدیم فردی با به کار بستن دستورالعملی رشد کرده است، نمی توانیم با تصمیم فوری مثل او شویم، بلکه اینها مقدمه لازم دارد. چنانکه با دیدن ساختمانی ده طبقه هرگز در یک شب قادر به ساختن آن نیستیم، هر چند لوازم مورد احتیاج را در اختیار داشته باشیم.

## نمادهای بلوغ عقلی

### 1- اخلاص

یکی از نمادهای بلوغ عقلی در عمل انسان، اخلاص است. اخلاص، در عمل موجب

ص: 47

---

1-4. «اللهم اخرجنی من ظلمات الوهم». (مفاتیح الجنان، دعای مطالعه)

2- «و جعلناکم امه وسطا». (143 / بقره)

3- «قلیل مدوم علیه خیر من کثیر ملوم به». (نهج البلاغه، حکمت ها)



تقرب الهی می شود و ملاک قبولی اعمال انسان اخلاص و دوری از ریا می باشد. کسی که اعمال او خالص باشد مورد حمایت خداوند است، زیرا او به یکی از دستورات الهی که اخلاص است گردن نهاده است و دیگری را در عبادت خداوند شریک قرار نداده است. خداوند پیرامون اخلاص در قرآن می فرماید:

«و امر نشدند مگر اینکه خداوند را خالص عبادت کنند. و نماز را بر پا داشته و زکوه پردازند، که این دینی راست می باشد.» (1)

اخلاص در عمل نشانه هایی در رفتار و اعمال او دارد. توصیه شده که انسان در عبادت اخلاص داشته باشد، و هر کس اخلاص را به دست آورد، از کید شیطان محفوظ می ماند. زیرا شیطان به خداوند گفت:

«به عزت و جلال تو قسم که همه انسان ها را گمراه می کنم، مگر بندگانی که اخلاص داشته باشند.» (2)

اخلاص در پرتو عقل به وجود می آید. کسی که دارای عقل سلیم و قوی باشد، می تواند تمام انگیزه های غیرالهی و عوامل و انگیزه های فردی را کنار گذاشته و فقط خدا را در نظر بگیرد. عقل به انسان می گوید هر قدرتی غیر از خدا کوچک و ناتوان است و خداوند قادر متعال می باشد، این خداست که بی نیاز و توانا و قدرتمند است و تمام امورات انسان در ید قدرت اوست. کسی که می گوید: «لا اله الا الله» باید عملش فقط برای خدا باشد. وقتی حضرت علی - علیه السلام - در دعای کمیل می فرماید: «خدایا اعضاء و جوارح مرا در خدمت خود قرار ده.» (3)

این خواسته علی - علیه السلام - از عقل کامل منشا گرفته است. چنانکه بیان شد عقل در قرآن یا روایات به نامهای مختلف

ص: 48

---

1- «و ما امروا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء». (4 / بینه)

2- «قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين الا عبادك منهم المخلصين». (83 / ص)

3- «قو علی خدمتک جوارحی». (مفاتیح الجنان، دعای کمیل)

بیان شده است، که تمام آن معانی و تعابیر مختلف به ما این نگرش را می دهد که عقل در عمل، گفتار، اندیشه و پندارش چنین حالت هایی داشته باشد، یک انسان خردمند است. انسان عاقل عمل را برای کسی انجام می دهد که او را حمایت کرده و اجر و پاداش می دهد و تمام اختیارات انسان در دست اوست. کس دیگری غیر از او لیاقت انجام عمل انسان را ندارد و انسان باید تنها برای او عبادت کند.

## 2- کم گویی

یکی دیگر از نمادهای عقل در انسان کم حرفی است. حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: «هنگامی که عقل انسان کامل شد، سخن او کم می شود».<sup>(1)</sup>

سعدی می گوید: «کم گوی و گزیده گوی چون در».

انسان عاقل بیشتر وقت خود را صرف اندیشیدن می کند و کمتر حرف می زند. اگر دقت کنیم، اکثر افراد عاقل و با بصیرت اصولاً کم حرف اند و این گونه افراد از نظر اندیشه و فکر قویند، لذا می بینیم، گاهی بزرگان جامعه حرفی می زنند که با گذشت چندین قرن این حرف ارزش خود را از دست نمی دهد و برای دیگران سر لوحه زندگی واقع می شود.

اما کسانی که زیاد حرف می زنند، چون حرف آنها با اندیشه همراه نیست، ارزش خاصی هم ندارد. گاهی حرفی می زنند که فراموش می کنند و باز حرفی ناقص آن را بر زبان می آورند و گاه حرفهای این گونه افراد، باعث رنجش، کدورت و تمسخر دیگران نیز می شود. برای انسان افت شخصیتی به وجود می آورد.

اگر مغز انسان را در مثال کامپیوتر بدانیم، به محض اینکه اطلاعاتی از کامپیوتر بخواهیم باید اندکی تامل کنیم تا جواب صحیح

ص: 49

---

1- «اذا تم العقل نقص الكلام». (میزان الحکمه، ماده عقل)

و منطقی را از او دریافت داریم. به محض آنکه از مغز اطلاعاتی خواستیم باید فرصت فکر و اندیشه را به او بدهیم. بهترین روش این است که در حرف زدن به سه عامل توجه داشته باشیم:

1. پالایش: حرفها را از آلاینده ها جدا کرده و سالم بیان کنیم.

2. پیرایش: به حرفهای خود زینت داده و حرف های زشت را ترک کنیم.

3. تقویت: در حرفها سعی کنیم، اطلاعات خود را بالا برده و نسبت به مواضع گذشته ترقی کنیم.

انسان عاقل باید برای حرف زدن وقت بگذارد و روی حرفی که می خواهد بزند تامل کند. البته کم حرفی در آنجا مطرح است که انسان زمینه حرف زدن، علم و آگاهی، رغبت دیگران را داشته باشد و حرف نزند.

گاهی کسی به واسطه گفتاری حرف نمی زند، یا علمش کم می باشد، یا کمرواست، یا لکنت زبان دارد. یا دیگران به حرف هایش اعتنا نمی کنند. در اینجا کم حرفی به علتی خاص محقق شده است. اما کم حرفی در جایی مطرح است که انسان بتواند و حرف نزند. این کم حرفی نشانه خردمندی است. قرآن کریم در جایی که حق ما ضایع شده و ستمی بر ما روا گردیده اجازه سر و صدا و قیل و قال داده است: «ان الله لا یحب الجهر بالسوء».

پیرامون خوب حرف زدن، در قرآن، آیات بسیار زیادی آمده است که در طی این آیات، نحوه حرف زدن، پرهیز از قول های حرام و گناه، به خوبی مشخص شده است. (1)

### 3- کاهش شهوترانی

یکی دیگر از نمادهای عقل، کم شدن شهوات است. روایت می فرماید: «هنگامی که عقل انسان کامل شد، شهوت می شکند». (2)

لازم

ص: 50

---

1- المعجم، ماده قول.

2- «اذا کمل العقل نقص الشهوه». (میزان الحکمه، ماده عقل)

به ذکر است که شهوت تنها در امور جنسی مطرح نیست. بلکه شهوت جنسی یک بخش از شهوات است. شهوات شامل: حب به مقام، استیلا طلبی، دنیا پرستی، مال جویی و حرص و طمع و حب به تکاثر نیز مطرح است. هر کدام از این شهوات، در یک مقطع سنی حضور خود را اعلام می کنند، اوج شهوت جنسی در اوان جوانی مطرح است، در حالی که جوان در سن جوانی از نظر پول قانع تر است، و حب به مقام و پول و ثروت در پیری، جلوه گر می شود. کسی که عقلش کامل باشد، شهوات خود را کم می کند.

سرکوب یا تعدیل غرائز

در اینجا دو سؤال مطرح است: آیا باید شهوات سرکوب شوند؟ و آیا تعدیل شهوات منظور است؟

از مجموع روایات و جمع بندی آنان و نیز نظر دانشمندان اسلامی استفاده می شود که شهوات باید تعدیل شوند. باید در نظر داشت که نمی توان روایتی خاص را گرفت و به آن عمل کرد، بلکه باید مجموع روایات را در موضوعی سنجید و بعد از مجموع روایات استفاده لازم را برد. در اسلام روایت یا مفهوم روایتی نداریم که دال بر سرکوب غرائز باشد و دلالت کند که شهوت را باید سرکوب کرد. مال و مقام را باید سرکوب و نابود نمود. آنچه برای انسان، خواب، مقام، شهوت، پول، خوردن و ... لازم است ولی باید اینها کنترل شوند. کاهش شهوترانی نشانه رشد عقلی است، به این معناست که شهوت را سرکوب کنیم. دنبال ازدواج و درآمد نباشیم. اینها لازمه زندگی است ولی باید حد تعدیل را در نظر گرفت.

ابعاد ارضاء جنسی

در

ص: 51

بعد امور جنسی، جلوه های شهوات و نحوه ارضاء تفاوت دارد. در امور جنسی ممکن است کسی طوفان شهوت داشته باشد، و شهوت خود را به وسیله نگاه کردن به جنس مخالف یا هم جنس ارضاء کند.

گاهی ممکن است با خواندن مطالب محرک در کتابها، خود را ارضاء نماید و یا گاهی با شنیدن یا دیدن بعضی مسائل که در این امور مطرح است مثل تماشای فیلم های مبتذل یا گوش دادن به نوارهای محرک خود را ارضاء نماید. و گاهی برخی افراد به وسیله استمناء (اونانیسم) خود را ارضاء می کنند. باید توجه داشته باشیم که ارضاء منفی، برای انسان در آینده مشکل ایجاد می کند. اگر انسان به وسیله ارضاء منفی، شهوت خود را پاسخ داد، ممکن است از نظر جسمی دچار مشکل شود. آنان که مبتلا به استمناء هستند از ناراحتی اعصاب، لرزش اعضاء بدن، ضعیف شدن چشم، اختلال در دستگاه گوارش، ضعف و لاغری رنج می برند. این گونه افراد در آینده نیز با اجتماع، همسر شرعی و دیگر شئون زندگی خود مشکل خواهند داشت. (1) بهترین و عاقلانه ترین راه و روش برخورد با شهوات این است که انسان، به وسیله عبادت، توکل به خدا، توجه به معاد، روزه، کم خوری و پرهیز از موقعیت هایی که او را به گناه وادار می کند، خود را بیمه کند و شهوات را کنترل نماید تا به مرور زمان شرایط طبیعی این مسایل برای او به وجود آید. پس غرائز برای بشر امری لازم و حیات انسان به آن وابسته است. اما باید در این غرائز، تعادل برقرار باشد.

#### 4- پند پذیری

یکی از دیگر جلوه های بلوغ عقلی، عبرت پذیری است. روایت می فرماید: «کسی که عقل او

ص: 52

---

1- توضیح در کتاب «جوانان چرا».

قوی باشد، زیاد عبرت می گیرد».(1)

عبرت پذیری، توجه در کارها و اندیشه در علل شکست و پیروزی ها، به انسان، راه بهتر زندگی کردن می آموزد. بسیاری از افراد بوده اند که از یک عامل چندین بار شکست خورده اند، این نشان دهنده این است که این افراد از عقل کامل برخوردار نبوده اند. انسان باید عوامل شکست خود را یادداشت کند و همواره از آنها پرهیز نماید. چنانکه در بحث تجربه بیان شد، انسان اگر بخواهد رشد کند باید نقاط مثبت و منفی خود را یادداشت کند و یا از دیگران این نکات را بیاموزد و بنویسد. اگر در قران «احسن القصص»(2) مطرح است به خاطر آن است که انسانها در داستانهای اقوام و ملل گذشته دقت و فکر کنند و آنها دیگر این اشتباهات را تکرار نکنند، لذا است که خداوند انسان را به تلاوت قران فراخوانده و می فرماید: «هر اندازه که برایتان ممکن است قران بخوانید».(3)

تلاوت قران برای آن است که انسان فراموش نکند. برای او موضوعات تکرار شوند و اگر قران زیاد خوانده شود، فراموشی از بین می رود، برای رفع فراموشی و تذکر آیات، باید تا می توانیم قران بخوانیم. خداوند در قران مسایل گوناگون و مختلفی بیان فرموده و از آنان به عنوان وسیله ای برای پندپذیری انسان یاد نموده است و بشر را به عبرت گرفتن فرا خوانده است:

«پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید».(4)

## 5- عمل صالح

یکی از نمادهای بلوغ عقلی، عمل نیک و صالح است. روایت می فرماید: «کسی که عقل او کامل شود، عملش نیک می شود».(5)

عمل نیک از عقل کامل بر می خیزد، انسان باید ارزیابی کند اگر عملش نیک بوده نشانه عقل اوست و اگر

ص: 53

---

1- . «من قوی عقلا اکثر الاعتبار». (میزان الحکمه، ماده عقل)

2- . «احسن القصص». (3/ یوسف)

3- . «فاقروا ما تیسر». (20/ مزمل)

4- . «فاعتبروا یا اولی الابصار». (2/ حشر)

5- . 1. «من کمل عقله حسن عمله». (میزان الحکمه، ماده عقل)

عمل نیک ندارد، بداند هنوز به بلوغ عقلی نرسیده است. البته باید دانست که عمل نیک به تنهایی کافی نیست، بلکه شرایطی دارد. قرآن در این مورد می فرماید: «همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، نماز را اقامه کرده و زکات بپردازند، نزد خداوند مأجور خواهند بود» (1).

شرط عمل نیک. زیادی عمل نیست بلکه ابتدا ایمان به خداوند و سپس عمل کردن به دستورات الهی از جمله نماز و زکات می باشد. زیر بنای هر عمل صالحی باید ایمان باشد، زیرا خداوند می فرماید: «همانا خداوند عمل نیک را از متقین قبول می فرماید» (2).

عمل زیاد و بدون انگیزه اثری ندارد، بسیاری افراد اعمال نیکی انجام می دهند ولی چون نیت پاک و اخلاص و ایمان در آن نیست، اعمال قبولی نیست و نزد خداوند و ملائکه بی ارزش است.

### آفات عمل

گاهی عمل نیک است اما به وسیله آفتی، اثر عمل از بین می رود. از جمله این آفت ها ریا در عمل است. عمل هر چند بزرگ و با انگیزه باشد، وقتی ریا در کار باشد، عملی بی ارزش است. قرآن کریم می فرماید: «کسانی که اموال خود را به ریا انفاق می کنند و به خداوند و روز قیامت ایمان نمی آورند و کسی که شیطان برای او همراه است، پس بد همراهی است» (3).

ممکن است کسی مالش را انفاق هم بکند ولی چون انگیزه ریا است، برای او خیر و نیکی در بر ندارد. گاهی اوقات آفت عمل منت و آزار است. قرآن می فرماید:

«صدقات خود را به منت و اذیت باطل نکنید» (4)

در مواقعی آفت عمل، شرک می باشد، قرآن می فرماید:

«اگر شرک

ص: 54

---

1-2. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات...». (277/ بقره)

2-3. «انما یتقبل الله من المتقین». (27/ مائده)

3-4. «والذین ینفقون اموالهم رثاء الناس». (38/ نساء)

4-5. «لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی». (264/ بقره)

بورزی، عملت باطل می شود» (1).

در مواردی آفت عمل، تکذیب آیات الهی و لقاء آخرت است، قرآن می فرماید:

«کسانی که به آیات ما و قیامت تکذیب ورزند اعمالشان باطل می شود» (2).

مسائل دیگری نیز باعث از بین رفتن اعمال خوب انسان می شود که انسان باید نسبت به این مسایل ابتدا شناخت پیدا کند، سپس آنها را انجام ندهد.

## 6- اخلاق خوب

یکی از جلوه های بلوغ عقلی، حسن خلق است. در روایتی آمده است:

«هنگامی که عقل انسان کامل شود، اخلاق او خوب می شود» (3).

مؤمن باید حسن خلق و حسن رفتار داشته باشد. البته حسن صورت به زیبایی تنها نیست، بلکه انسان باید خوشرو و جذاب باشد. دیگران را بتواند به خود جذب کند. در مورد رفتار با مردم خوش اخلاق باشد. چنانکه خداوند در مورد پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - رهبر هدایتگر مردم فرمود: «همانا تو دارای خلق و خوی عظیم هستی» (4).

اخلاق پیامبر به قدری عالی بود که اگر فردی حتی یکبار با ایشان ملاقات می کرد، مجذوب آن حضرت می شد، از این جهت کفار و معاندین به پیامبر ساحر می گفتند (5).

نه تنها پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ملقب به ساحر شدند که پیامبران قبل از ایشان را نیز لقب ساحر، کذاب و مجنون می دادند! (6)

در اخلاق پیامبر - صلی الله علیه و آله - افسونی نبود بلکه جذبه داشت و به این وسیله مردم را ارشاد می نمود. مستمعین سخنان آن حضرت چنان مستغرق رفتار و کردارش می شدند، که گویا چیز دیگری غیر از وجود آن حضرت نمی دیدند و سخن دیگری نمی شنیدند. هر مؤمنی باید در اخلاق و رفتار از

ص: 55

1-6 . «لئن اشركت لیحبطن عملک» . (65/ زمر)

2-7 . «والذین کذبوا بآیاتنا ولقاء» (147/ اعراف)

3-1 . «اذا کمل عقله حسن خلقه» . (میزن الحکمه، ماده عقل)

4-2 . «انک لعلی خلق عظیم» . (4/ قلم)

5-3 . «ان هذا لساحر مبین» . (2/ یونس)

6-4 . «ساحر او مجنون» . (39/ ذاریات)



پیامبر - صلی الله علیه و آله - الگو بگیرد زیرا قرآن می فرماید: «به تحقیق پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای شما الگوی نیکویی است» (1).

مؤمن نیز باید اخلاقش چون اخلاق نبوی، جذابیت معنوی و روحانی داشته باشد و حسن معاشرت و خوش رفتاری خود را با مردم بروز دهد.

## 7- محبوبیت بین مردم

یکی دیگر از نمادهای عقل، بعد از ایمان به خداوند، محبوبیت بین مردم است. در روایتی به نقل از حضرت علی - علیه السلام - آمده است: «نشانه عقل، بعد از ایمان، محبوبیت بین مردم است» (2).

عقل کسی است که با مردم رابطه محبت آمیز داشته باشد و مردم او را دوست بدانند. محبوبیت بین مردم پشتوانه ای الهی نیز دارد زیرا قرآن می فرماید: «کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، برایشان (در بین مردم) دوستی به وجود می آوریم» (3).

خداوند دوست داشتن مؤمن را این گونه در دلها قرار می دهد، در روایتی می فرماید:

«موقعی که خداوند، بنده ای را دوست داشت، به جبرئیل می فرماید من فلان بنده را دوست دارم، تو هم او را دوست مدار. جبرئیل با وی دوست می شود و در میان آسمان ندا می دهد که خدا فلان شخص را دوست دارد، شما هم او را دوست مدارید. اهل آسمانها هم او را دوست دارند. سپس دوستی او در دل مردم جای می گیرد و همه او را دوست می دارند» (4).

محبوبیت اجتماعی، موهبتی الهی است که خداوند به بندگان مؤمن خود اعطاء می کند. حضرت علی - علیه السلام - در خصوص طریقه دوستی با مردم می فرماید: «آن طور با مردم زندگی کنید که اگر با آن حالت از دنیا رفتید، برایتان گریه

ص: 56

1-5. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه». (21/ احزاب)

2-1. «راس العقل بعد الايمان التحبب بين الناس». (میزان الحکمه، ماده عقل)

3-2. «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات...». (96/ مریم)

4-3. مجمع البيان، جلد 6، صفحه 533.

کنند و اگر زنده مانندید، پروانه وار اطرافتان بچرخند» (1).

## چگونگی برخورد با افراد خاطی

به طور مسلم حتی در برخورد با افرادی که اشتباه می کنند، گناهکارند و با فکر انسان مخالفند، نباید خشونت به خرج داد. این تفکر، باطل است که انسان بتواند با خشونت و خشم، دیگران را هدایت کند و یا آنان را در مسیری که خود دوست دارد، به کار گمارد. اگر با افراد خاطی برخورد خشن انجام شود، موجب دشمنی و کینه توزی شده و آنان در حالی که با خشونت، چیزی را متذکر شوند، هرگز زیر بار آن حرف نمی روند. قرآن در این مورد می فرماید: «به نحو احسن با آنان جدال کن» (2). و در آیه دیگر می فرماید: «و به بندگان من بگو که آنچه نیکوتر است بگویند، زیرا شیطان میان آنها فساد می کند» (3).

برای پرهیز از کینه و دشمنی باید با مردم بنحو احسن برخورد کرد. خداوند به حضرت موسی - علیه السلام - فرمود: «با(فرعون) با زبان آرام و نرم سخن بگوی شاید پندت را پذیرفته یا بترسد» (4).

این یک اصل تبلیغی است که باید در نظر مردم باشد، به خصوص افرادی که در جامعه از مقام یا منصبی برخوردارند و یا در مقام ارشاد و هدایت مردمند چنین انتظار می رود که قول معروف (5) و سخن بلیغ (6) در نظرشان باشد. گاهی اوقات گفتار انسان در افراد خاطی مؤثر نیست. در اینجا می توان از روشهای منفی استفاده کرد. چنانکه خداوند نیز در قرآن فرمود: «پس از ایشان دوری کن و آنان را موعظه نما» (7).

گاهی بی اعتنایی کردن، از مجلس گناه خارج شدن، هم سوئی نکردن، اظهار مخالفت و گاهی نیز سکوت، برای برخورد و مقابله لازم است و این

ص: 57

1-4 . نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 9.

2-1 . «و جادلهم باللیتی هی احسن» . (125/نحل)

3-2 . «وقل لعبادی یقولوا اللتی هی احسن...» . (53/اسراء)

4-3 . «وقولا له قولا لینا لعله یتذکر» . (44/طه)

5-4 . «وقولوا لهم قولا معروفا» . (8/نساء)

6-5 . «قولا بلیغا» . (63/نساء)

7-6 . «فاعرض عنهم و عظمهم» . (63/نساء)

## آشنایی با روش پیامبر - صلی الله علیه و آله -

از آنجا که خداوند، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را الگویی نمونه می داند. (1) لازم است که از ایشان در امور هدایت دیگران درس هایی بیاموزیم.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در مقابله با کفار، منافقین و مشرکین به دستورات الهی عمل می کردند و حتی در برخورد با مردم از حد معمول نیز بیشتر تلاش کرده و خود را به رنج و مشقت می انداختند. یک نمونه آن در وقتی است که حضرت، آنچه داشتند در راه خدا دادند، حتی پیراهن خود را انفاق کردند و خود به واسطه نداشتن لباس در خانه ماندند و خداوند فرمود: «دست خود را بر گردنت نبند، و آنچه داری، همه را انفاق نکن، که ملامت شده و مغموم بشینی». (2)

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - برای هدایت امت نیز تلاش زیادی می کردند، حتی برای کفار و منافقین نیز طلب مغفرت می نمودند تا شاید خداوند آنان را هدایت کرده و گناهشان را مورد عفو قرار دهد. گاه در این مورد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - اصرار زیاد می کردند و گاه هم خداوند استغفار حضرت را به سبب بزرگی گناه کافران، نمی پذیرفت. چنانچه در قرآن به این واقعیت تصریح شده است.

«اگر برای اینها استغفار کنی یا نکنی و اگر هفتاد مرتبه هم استغفار کنی، خداوند هرگز آنان را نمی آمرزد. زیرا آنها به خدا و رسول کافر شدند و خداوند فاسقین را هدایت نمی کند.» (3)

پیامبر - صلی الله علیه و آله - پیوسته برای مردم از خداوند طلب آمرزش می کرد

ص: 58

---

1-1 . «ولکم فی رسول الله اسوه حسنه». (21/ احزاب)؛ در اینجا این آیه هم مناسبت دارد: «ویوثرن علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه». سوره حشر، آیه 9.

2-2 . «و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک». (29/ اسراء)

3-3 . «استغفر لهم او لاتستغفر لهم». (80/ توبه)

و از نادانی و ضلالت آنان رنج می برد این مسئله به قدری حضرت را به خود مشغول کرده بود که قرآن در این مورد می فرماید: «ما قرآن را نازل نکردیم که خود را به مشقت بیندازی» (1).

در آن زمان که کفار مکه حضرت را آزار می دادند، زباله بر سر ایشان می ریختند، خار بر سر راه ایشان قرار می دادند، به ایشان نسبت العیاذ باللہ ساحر و مجنون می دادند، حضرت هرگز خشم نگرفت و نفرین نفرمود. برای ارشاد و هدایت امت خود دعا می فرمود.

## اهمیت حفاظت از نعمتها

به دست آوردن نعمت مهم است، اما حفظ نعمت مهمتر است. در مباحث اعتقادی و اجتماعی نیز می گویند: یک دستاورد شامل دو مقطع می شود:

1. علت محدثه و به وجود آمدن ارزش توسط عواملی که دست به دست هم داده و یک حادثه و پدیده و ارزشی در یک فرهنگ، نظام و جامعه به وجود می آید.

2. علت مبقیه، عامل ماندگاری و دوام آن عوامل است.

انسان باید در مسیر بالندگی و فزاینده‌گی اموری که مربوط به عقل است تلاش و فعالیت کند. و نیز باید از روشهای علمی، تجربی و شخصی و اجتماعی استفاده کند تا این عوامل قدرت عقل را در انسان حفظ کرده و بقاء درست اندیشی را تضمین کنند. انسان باید از آفات عقل دوری کند، آنها را بشناسد و نگذارد این عوامل عقل او را از بین ببرند. شکوفا کردن عقل و استعدادهای درونی تلاشهای توانفرسایی را می طلبد. اما بعد از آنکه انسان به آن دست یافت باید مراقب باشد که آفات و علفهای هرز گلستان اندیشه اش را تهدید نکند و رابطه آن را تحت

ص: 59

## آفات عقل

### 1- اوهام

وهم به معنای اموری که قابل انتساب و اتکاء به امور عقلیه و شرعیه نباشد، بیان شده است. خیال پردازیهها تا زمانی که با مبانی عقل و شرع همسو باشد به تعقل، تفکر و عبادت شرعی تعبیر می شود. مثل خیال پردازی افرادی چون شعراء و نویسندگان داستانهای تخیلی، مطالعه در موضوعات و نگرش های مختلف، که تا زمانی که مبانی عقل بر او حاکم باشد، در مسیر تعقل و تفکر شرعی باشد عبادت است. اگر بر این پندارها و انگاره ها مبانی عقل و موازین شرع حاکم نباشد، اینها را وهم می گویند. وهم اموری است که تثبیت نشده است. سست پنداری، بی پایه اندیشی است که موجب عدم تمرکز انسان در عبادات، مطالعه و کارهای انسان می شود. بر این اساس امام صادق - علیه السلام - از خداوند می خواهد: «خدایا مرا از ظلمات وهم خارج گردان». (1)

وهم تاریکی است و چنانکه تاریکی منشأ نشو و نمای حشرات مضر می شود، در مورد تخیل نیز اوهام، ظلمت به وجود می آورند و مسیر درست عقل را نابود می کنند. حضرت علی - علیه السلام - در خطبه ای که به کمیل بن زیاد فرمودند، چنین توضیح دادند: (2)

«مردم سه دسته هستند: عالم ربانی. کسی که دانش پژوه است تا راه نجات را بیابد، و همج الرعا، که تفکر درستی ندارد: هر بادی که بوزد او به همان طرف خم می شود و نمی تواند از خود مقاومتی نشان دهد، به نور علم و یقین افکارش روشن نشده و به رکن محکمی اتکاء ندارد و نمی تواند مسیر صحیح را بیاید».

این سرگردانی فکری به خاطر پیروی از وهم است، اندیشه و پنداری که بر موازین خردمندانه استوار

ص: 60

---

1- «اللهم اخرجنی من ظلمات الوهم». (مفاتیح الجنان، دعای مطالعه)

2- «نهج البلاغه، خطبه کمیل بن زیاد».

## 2- گناه

دومین آفت عقل گناه است. گناه رفتاری است که انسان بر خلاف مبانی شرع و عقل انجام می دهد. «خداوند بشر را بر مبنای فطرت پاک آفرید». (1)

فطرت انسان، خوبیها را ارزش می داند و از گناه رنجور می شود. اگر کسی گناه کند، بر خلاف مسیر فطرت و عقل گام برداشته و مخالفت با شرع و عقل، انسان را از مسیر صحیح و تفکر سازنده و تعقل باز می دارد. گناه معارضه با فکر صحیح و درست اندیشی است، اگر انسان گناه کند موجب می شود که تفکر و اندیشه او به ثمر نرسد و وقتی چیزی که انسان برایش زحمت زیاد کشید، به ثمر نرسید، تعقل انسان نابود می شود و فکر نمی تواند راه صحیح را در موارد حساس تشخیص دهد. انسان باید برای فکر خود برنامه ریزی کند و به مبانی خرد و شناخت های عقلانی خود، بهاء دهد. اگر کاری خلاف موازین عقل انجام می دهد. برای خود توجیهاتی داشته باشد تا موجب نشود، عقل، شناخت صحیح خود را از دست بدهد. به فرض اگر انسان در جایی گرسنه است، مرداری نیز در آنجا هست، عقل می گوید نخور، اما برای حفظ جان به اندازه سد جوع خوردن مردار لازم است تا جایی که انسان به نجات دست یابد توجیه مناسب، باعث می شود که در حال اجبار اگر انسان مرتکب گناهی شد، این گناه، روی فطرت او تاثیر منفی نداشته باشد. توجیه با اضطراب متفاوت است. اگر انسان مدام برداشتها و تحلیل های عقلانی را سرکوب کند. عقل از حالت پویایی باز می ماند و انسان نمی تواند در مواقع لازم تصمیم درست و منطقی بگیرد و روبه

ص: 61

---

1- «فطرالله التی...». (30/روم)

### 3- آرزوها

آرزوهایی که همراه با تلاش و ایجاد زمینه های لازم و قابل اجراء نباشند، آفت عقل اند. اگر انسان بخواهد از نظر معنوی رشد کند، از نظر مادی رشد قابل توجهی نخواهد داشت. ولی در عین حال اگر بخواهد در زندگی از دیگران عقب نباشد، و به سایر آرزوهایی که یک انسان دارد دست یابد، باید زمینه های لازم را در خود بوجود بیاورد. هیچ کس در مدت کوتاه، نمی تواند به آمالی که دارد برسد. افرادی هستند که با مشاهده موفقیت های دیگران در هر بعد، دوست دارند، مثل آنها باشند. این تفکر درستی نیست که ما بدون آمادگی لازم بتوانیم در مدت کوتاهی به آنچه دیگران دارند، دست یابیم. باید ابتدا در خود زمینه لازم را ایجاد کنیم، به استعدادها و توانایی های خود برسیم تا بتوانیم تفکر خود را در مسیر صحیح سوق دهیم. نوابغ در همه امور استثناء بوده اند. اگر کسی حاضر نباشد از هیچ نعمتی چشم پوشد، بخواهد که خوب بخورد، تفریح کند، به هر میزان که بخواهد بخوابد، یک انسان عادی و بدون برنامه باشد، اما نابغه شود. باید بدانیم نوابغ با زحمت زیاد به اوج اندیشه و تفکر رسیده اند، در خوردن، خوابیدن، دیدن، تفریح و سایر مسائل زندگی خود، برنامه داشته اند. انسان بر اساس ابعاد مختلف بدن خود، استعدادهایی به طور خودکار دارد، خصوصیتی ویژه در هر انسان هست که قابل تامل و مطالعه است. اگر انسان اینها را شناخت رشد می کند. اما کسی که از خود، تحرکی نشان ندهد و اسیر آرزوها باشد نه تنها رشد نمی کند بلکه افزون طلبی غیر منطقی، تفکرات عقلی انسان را نیز از بین می برد.

### 4- افراط در امور روزمره

در

ص: 62

زندگی کارهای اضافه، آفت عقل محسوب می شود. زیاد حرف زدن، زیاد خوابیدن، شهوترانی زیاد، شنیدنیهای زیاد یا پرخوری همه آفات عقل اند.

حتی در مطالعه کردن انسان باید از زیاده روی بپرهیزد. تعادل در آن است که انسان یک چهارم وقتی که صرف خواندن، نوشتن، شنیدن و یادیدن می کند، صرف فکر کردن کند. انباشته کردن مطالب در مغز بدون تفکر پیرامون آنها، موجب می شود که از این زیاده ها، تنها خستگی نصیب دستگاه های مغز شود. انسان باید هر 45 دقیقه که صرف مطالعه می کند، یک ربع این مطالعات و علم ها را در مغز خود بایگانی کند تا در مواردی که لازم دارد، از آنها استفاده کند. پرخوری نیز آفت زاست. از آنجا که پرخوری موجب میراندن عقل می شود، لذا در مکتب اسلام یکی از دروس بهداشت، کم خوری و حفظ تعادل در خوردن است.

روایت می فرماید: «هنگامی که معده پر شود، فکر می میرد».(1)

در مورد شنیدنیها نیز باید اعتدال رعایت شود، در غیر این صورت:

«کسی که حرفهای افراد بی خرد را گوش کند، مغز و عقل خود را کشته است».(2)

در مورد کنترل شهوت نیز روایتی را ذکر کردیم:

«کسی که عقلش کامل شود شهوات او نیز خرد می شوند».(3)

شهوات شامل، شکم پرستی، مقام خواهی و ارضای غرایز جنسی می شود. پرخوری نیز آفت عقل است. و چنانچه اشاره شد: «هنگامی که عقل کامل شود، حرف کم می شود».(4)

بسیاری از حرفهایی که انسان می زند در خرد نقصان وارد می کند. اغلب از گناهان و لغزشها در زیر زبان انسان پنهان شده است و با ارتکاب این گناهان است که انسان به عقل سلیم خود

ص: 63

---

1-1 . «اذا امتلات المعده مات الفکر».

2-2 . «من ترک الاستماع عن غیر ذوی العقول مات عقله» . (میزان الحکمه)

3-3 . «اذا کمل العقل نقص الشهوه» . (میزان الحکمه)

4-4 . «اذا کمل العقل نقص الکلام» . (میزان الحکمه)



ضربه وارد کرده، افراط در سخن گفتن به خصوص عبث و نابجا آفت عقل است.

پس لازمه سلامتی عقل پرهیز از آفات آن است که بدانها اشارت رفت.

## شناختی از بعد عاطفی انسان

یکی از ابعاد وجودی انسان، بعد عاطفی اوست. در این بعد نیز باید شرایط و هماهنگی های لازم فراهم شود، تا همراه با ابعاد وجودی دیگر انسان، به رشد کافی برسد. مراحل بلوغ هر بعد را در مباحث گذشته شرح داده ایم. در این نوشتار بعد عاطفی که برای ساختار یک انسان متعادل ضروری است، مورد بحث قرار می گیرد.

رابط دو بعد جسمی و روحی، یا فکری و جسمی و یا بعد روحی و فکری و ابعاد اجتماعی را به عاطفه تعبیر می کنند. زیرا انسان تنها یک بعد ندارد، متشکل از ابعاد مختلف است. پیوند دو بعد از وجود انسان که از این پیوند یک نتیجه حاصل شود، بعد عاطفی انسان را به وجود می آورد. در قرآن آمده است: «خداوند شما را به عدل و احسان امر می کند»<sup>(1)</sup>.

این آیه به بعد عاطفی انسان اشاره دارد، عدل برخاسته از عقل است. فطرت انسانی طالب عدالت است و احسان همان حالات عاطفی است. انسان باید غذای عاطفه خود و دیگران را در حد توان تامین کند. مادر با محبت کردن به فرزند، عواطف خود را بروز می دهد. اگر انسان به دیگری محبت کند، نیاز عاطفی خود و او را ارضاء می کند. از این جهت انسان نباید نسبت به امور عاطفی بی تفاوت باشد. منشا بسیاری از مشکلات اجتماعی خلأ عاطفی است. عدم اعتماد، کمبود شخصیت، ترس، اضطراب، عقده روانی، ریشه در خلأ عاطفی و بی توجهی به این امور دارد.

## تعادل در زندگی اجتماعی

یکی

ص: 64

---

1- «ان الله یامر بالعدل و الاحسان». (90/ نحل)

از مسایل بسیار مهم، در زندگی انسان، حفظ تعادل در زندگی و امور اجتماعی و کلیه امور مادی و معنوی است. اگر در صدد تکامل و رشد برآییم، باید در کنار رشد فکری، به بعد جسمی نیز بی توجه نباشیم. پرداختن به دروس و تحصیلات عالی باید در کنار رشد جسمی مطرح باشد و کوچکترین بی توجهی به این ابعاد، موجب می شود که انسان گاه به مدارج عالی فکری برسد ولی در کنار آن بدنی بیمار پرورش داده باشد، که همین جسم بیمار انسان را از ارتقاء و رشد باز می دارد. اگر کسی از نظر روحی بسیار قوی باشد، اما به امور عاطفی، عشق و محبت و سایر نمادهای ابعاد عاطفی بی توجه باشد، متعادل نیست. اگر فردی از نظر بدنی قوی باشد ولی از نظر عاطفی ضعیف باشد، نمی تواند یک انسان کامل باشد و گاه این بدن قوی، منشا گرفتاری هایی برای او می شود. چنانکه به ابعاد دیگر وجود بی توجه باشد نیز همین نتیجه را دربر خواهد داشت. بعضی تصور می کنند، اگر در مسیر رشد فکری و معنوی قرار گرفتند، از امور عاطفی بی نیازند، اما باید در کنار رشد امور معنوی، انسان به رشد تحصیلی، عاطفی، امور اجتماعی و سایر نیازمندی های خود توجه داشته باشد. معنویت منهای عمل در زندگی، از ارزش زیادی برخوردار نیست. بلکه ارتباط بین قوا و حفظ تعادل و میزان بهترین روش زندگی است. چنانکه خداوند یکی از شگفتیهای آفرینش را توازن و تعادل معرفی نموده است. (1)

### نمونه های عملی از بعد عاطفی

اگر انسان به رشد ابعاد جسمی، فکری، علمی، روحی و عاطفی خود توجه داشته باشد و بتواند یک مجموعه از این ارزشها را

ص: 65

---

1- «و نضع الموازين القسط». (47/ انبیاء)

در خود به وجود بیاورد، انسانی کامل و بالغ می شود. هر فرد توان بالندگی و رشد و استعدادها را در خود دارد. مکتب انسان ساز اسلام، نمونه های عملی این انسان های ارزشمند را نیز در طول تاریخ معرفی کرده و به عنوان الگو به انسان های طالب کمال ارائه داده است. نمونه بارز این اسوه ها رسول خداست که دارای آن چنان مقامات معنوی بودند که آیات فراوانی پیرامون شخصیت و مشی و مرام ایشان نازل گردید ولی از نظر بعد عاطفی نیز حضرت در اوج کمال بودند.

بطور مثال: در تاریخ پیرامون عبادت و نماز خواندن پیامبر - صلی الله علیه و آله - مطالب فراوانی آمده است، با اینکه حضرت بهترین نمازها را می خواندند، ولی در یک زمانی خاص با شنیدن صدای گریه کودکی نماز را با شتاب بیشتری بجای آوردند، وقتی اصحاب علت را از ایشان پرسیدند، فرمودند: مگر صدای گریه بچه را نشنیدید؟

این عبادت و بعد معنوی، به گونه ای است که جلوی امر عاطفی را نمی گیرد. یعنی حضرت در هر دو بعد، به تکامل رسیده اند. در جایی حضرت، سجده را طولانی تر از حد معمول انجام می دهند، به آن علت که حسنین - علیهم السلام - بر پشت ایشان سوار می شدند. این مسئله رعایت بعد عاطفی است، در عین حال که حضرت بعد معنوی را نیز لحاظ کرده اند. در آنجا به علت رعایت بعد عاطفی، نماز را سریعتر، و در اینجا به همان لحاظ سجده را طولانی تر انجام می دهند. این مسایل نشان دهنده بلوغ فراگیر و همه جانبه است.

در مورد حالات عاطفی حضرت علی - علیه السلام - نیز در تاریخ

داستانهای فراوانی نقل شده است. ایشان گاه در قلعه خیبر را با یک دست از جا می‌کند و به دور می‌اندازد، گاه در میدانهای جنگ با کافران، ستیز می‌کند که درباره رزمش جبرئیل می‌فرماید: «جوانمردی چون علی - علیه السلام - نیست و شمشیری چون ذوالفقار نمی‌باشد.» (1)

و همین جوانمرد، گاه از خوف خداوند ساعتها اشک می‌ریزد و از هوش می‌رود، آنچنان عبادت می‌کند که تیر را در حال نماز از پای ایشان بیرون می‌آورند و متوجه نمی‌شود و گاه نیز از ناله زن بیوه و یتیم داری دلشان به رحم می‌آید و در کنار او به نگهداری فرزندان و پختن نان برای این زن می‌پردازند.

چنین عملی، تنها در بین افرادی دیده می‌شود که به تکامل همه جانبه توجه دارند. گاه آن اوج معنوی، گاه این خشوع عاطفی، گاه آن دلاوریها در بعد جسمی، گاه این افت شخصیت برای به دست آوردن رضوان الهی، نمایانگر تکامل همه جانبه و بلوغ فراگیر و کامل می‌باشد. نمونه‌هایی از افراد معمولی، غیر از ائمه - علیهم السلام - نیز در طول تاریخ، نشان می‌دهد که اگر انسان سعی کند، می‌تواند به تکامل نسبی در این امور برسد. از این نمونه‌ها، در بین پیروان مکتب تشیع فراوان یافت می‌شود. (2)

## نمادهای بعد عاطفی

### 1- محبت

یکی از نمادهای امور عاطفی، محبت است که در آیات و روایات متون اسلام، نیز به آن سفارش و تاکید فراوان شده است. بلوغ عاطفی نیازمند است که انسان پیرامون این مسئله به تعادل برسد.

انسان در هر سنی که باشد، به محبت نیاز دارد. محبت، علاقه و در نهایت عشق یکی از نیازهای وجودی انسان است. خداوند برای

ص: 67

---

1- «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار».

2- «مراجعه به کتاب‌های سیمای فرزندگان (رضا مختاری)، قصص العلماء (مرحوم تنکابنی)، فوائد الرضویه (مرحوم محدث قمی)، زی طلبگی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام (ره).

اینکه انسان به خطا و اشتباه نرود، حدود و مرز محبت را چنین روشن فرموده است:

«همانا کسانی که ایمان آورده اند، به خداوند بالاترین محبت را ابراز می دارند»<sup>(1)</sup>.

در محبت باید ضابطه های اعتقادی و مبانی عقلانی در نظر گرفته شود و جذب و دفع داشته باشیم<sup>(2)</sup>.

از آنجا که محبت و عشق ورزیدن به کسی سبب تبعیت از او می شود، لازم است محبت اساس و ریشه الهی داشته باشد تا بیراهه نرود و انسان گناهکار نشود. قرآن می فرماید:

«اگر شما به خداوند محبت دارید باید از او پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست داشته باشد»<sup>(3)</sup>.

محبت انسان فقط باید در مسیر اطاعت الهی باشد، تا انسان محبوب خدا گردد.

«تولی» که یکی از فروع دین است، نیز در همین راستا به انسان خط می دهد. دوست داشتن محبین خداوند، روشنگر خط فکری انسان و محبت آنها به دست آوردن، محبت خداوند است.

محبت اهل بیت - علیهم السلام - همان محبت به خداوند است، زیرا آنان محبوب خدایند. و خود آن بزرگواران کمالاتی دارند که انسان طالب حقیقت به آنها عشق می ورزد و زیربنای محبت به خدا و رسول و اولیاء باید معرفت باشد. محبت به خویشاوندان، همسایگان، نوازش یتیمان و در ماندگان و ... اگر در راه خدا باشد ارزش پیدا می کند و شایسته تمجید است.

محبت های کاذب

اگر انسان محب واقعی را نشناسد، بر اساس نیاز واقعی وجود خود به محبت احتیاج دارد، اینجاست که اگر کسی در آغوش محبت خداوند نباشد، در اختیار نامحرمان قرار می گیرد. بسیاری از محبتها رنگ خدایی ندارند مانند دوستیهای گذرا، عشق های

ص: 68

1-1 . «ان الذین آمنوا اشد حبا لله» . (165/ بقره)

2-2 . «ر ک . جاذبه و دافعه علی - علیه السلام - .

3-3 . «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی» . (31/ آل عمران)

حرام و کاذب، عشق به هم جنس، یا جنس مخالف (در موارد حرام) انتخاب دوست های منحرف که هر کدام از اینها نمی توانند نیاز واقعی انسان از محبت را پاسخگو باشند.

شاید هر یک از این دوستیها مدتی دوام داشته باشد، عشق ها، جلوه کند، اما چون منشا آن گناه است پایدار نیست و انسان باز هم احساس خلأ و نا امنی می کند.

شاید دوستی هایی باشند که نسبت به هم بسیار صمیمی قلمداد می شوند، گاه از دوری هم گریان می شوند و در کنار هم احساس لذت و شادمانی می کنند، اما چنین دوستی و محبت اگر در مسیر گناه و مسایل بزهکاری و خلاف باشد، نه تنها فاقد ارزش است بلکه انسان را دچار سردرگمی، اضطراب، تشویق خاطر، نا امنی، بزهکاری و گناه می نماید. اگر انسان می خواهد کسی را به عنوان محبوب خود انتخاب کند، باید چنین فردی کسی باشد که در مسیر رشد و تعالی گام بردارد و انسان را از راه راست منحرف نکند. محبت در مسیر خداوند بسیار ارزشمند است. زیرا در این مسیر انسان می تواند هم خود به تکامل برسد و هم دیگری را در رسیدن به تکامل یاری دهد. در حالی که دوستی ها و محبت های کاذب و خلاف شرع، هر چه عمیق تر شوند، از ریشه و اساس سست تری برخوردار هستند و نتیجه های نامطلوب اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و افت شخصیت را به دنبال خواهند داشت.

دوست یابی

دوست یابی یک ضرورت اساسی برای انسان است. شرع مقدس اسلام نیز در این مورد تاکید فراوان نموده است و روایات زیادی پیرامون دوست یابی در متون اسلامی یافت می شود. از جمله حضرت علی

ص: 69

- علیه السلام - در نهج البلاغه می فرمایند: «عاجزترین مردم کسی است که نتواند دوستی برای خود انتخاب کند و عاجزتر از او کسی است که دوستی را به دست آورده از دست بدهد» (1).

انسان به دوست نیاز دارد. اما دوست باید مؤمن باشد و انسان با دوستی او به خدا برسد و آن طور دوستی نداشته باشد که در قیامت از دوستی با فردی حسرت بخورد، قرآن کریم می فرماید: «(در قیامت گروهی می گویند): ای کاش فلانی را به عنوان دوست انتخاب نکرده بودم» (2).

پیرامون دوست یابی مطالب فراوان است. اما تنها به ذکر روایتی می پردازیم که دورنمای دوست های بد را معرفی می نماید.

امام چهارم خطاب به فرزندش می فرماید:

«با پنج دسته رفاقت مکن:

1. با دروغگو، زیرا او همانند سراب، دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.

2. با گناهکار دوستی مکن، زیرا ترا به یک لقمه یا کمتر از آن می فروشد.

3. با بخیل رفاقت مکن که در آن موقع که نیاز فراوان به مال داری به تو کمک نمی کند.

4. با احمق دوستی مکن که می خواهد به تو نفع برساند ولی چون نادان است به تو ضرر می رساند.

5. با قاطع رحم که با خویشاوندانش ناسازگاری می کند و از آنها دیدن نمی کند دوستی نکن که در قرآن کریم در سه مورد ملعون معرفی شده است» (3).

در انتخاب دوست باید دقت فراوان انجام گیرد زیرا انسان از بسیاری دشمنان دوست نما ضربه می خورد. دوستان منافق، ضد دین، بی توجه به مسایل و تکالیف الهی خود، شایسته دوستی نیستند و اگر انسان از این

ص: 70

---

1-4. «نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 11.

2-5. «یا ویلتی لم اتخذ فلانا خلیلاً». (28/فرقان)

3-6. اصول کافی، ج 2، ص 441.

نوع دوست‌ها فراوان هم داشته باشد، باز ارضاء نمی‌شود.

## حب به ذات

باید بدانیم که وقتی کسی دوست حقیقی است که بعد سازندگی و بالندگی داشته باشد و انسان را به طرف رشد پیش ببرد. زیرا انسان «حب به ذات» نیز دارد. چنانکه نیاز به محبت دارد، خود را نیز دوست دارد. اگر دوستی نتواند او را در مسیر کمال سوق دهد، نیاز طبیعی او تامین نمی‌شود. لذا انسان در این حالات احساس ناامنی و خلأ می‌کند. انسان ذات خود را دوست می‌دارد و طالب رشد و تعالی است و از دوستی با فردی که او را از رشد باز دارد، احساس ناامنی می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد. مثل کودکی که گلوی او را بگیرند و فشار دهند، به محض احساس خطر، فریاد زده و گریه می‌کند، دست و پا می‌زند و می‌خواهد خود را از مرگ رها کند. همانطور که خداوند به دوستی و محبت توصیه می‌کند، از چیزهایی که باعث رکود انسان می‌شود نهی می‌نماید.

حتی در دوستی پدر و مادر که خداوند این قدر تکیه دارد و می‌فرماید:

«خداوند فرموده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.»<sup>(1)</sup>

آنقدر پدر و مادر مهم هستند که در کنار توحید قرار دارند ولی باز خداوند هشدار می‌دهد:

«اگر پدر و مادر ترا به شرک خواندند، از آنان اطاعت نکن.»<sup>(2)</sup>

شرک عملی بر خلاف حب به ذات است، انسان را از بالندگی و رشد باز می‌دارد. لذا ترغیب‌کننده به شرک، حتی اگر پدر و مادر باشند، نباید اطاعت شوند.

مشکلات خلأ دوستی

ص: 71

---

1-7. «و قضی ربک ان لا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا». (23/ اسراء)

2-8. «وان جاهداک...». (8/ عنکبوت)



نشا بسیاری از مشکلات اجتماعی، خلا دوستی و محبت است. اگر این نیاز واقعی انسان تامین نشود، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت. این خلا در همه اقشار قابل تامل است. اگر مرد نیاز خود از جهت عشق و محبت را در کنار همسر و خانواده خود تامین نکرد، گرد گناه می گردد. در مقابل زن نیز چنین است. بسیاری از فحشاء جنسی از همین خلأ-عشق و دوستی سرچشمه می گیرد. جوان اگر در خانواده از نظر محبت تامین نشد و غریزه محبت او ارضا نگردد به دنبال پر کردن خلأ دوستی، گرد دوستانی می گردد که گاه از این خلأ جوان سوء استفاده کرده و او را در منجلاب فساد غوطه ور می سازند. منشا بسیاری از مفاسد اجتماعی، تشکیل تیم های خرابکاری و منافق و ضد دین، از کسانی تشکیل می شود که در زندگی خانوادگی خود دچار مشکل بوده و خلأ عاطفی دارند و یا از کمبود محبت دچار عقده روانی شده اند. وقتی به آنان محبت شده و به آنها شخصیت بدهند، هر چند به اشتباه باشد، جذب می شوند. بسیاری از لجبادهای کودکان، بزهکاری ها، عدم علاقه به درس و تحصیل در آنان در همین عقده روانی و احساس حقارت و کوچکی ریشه دارد. احساس عدم آرامش، نیاز به محبت و دوستی را در آنان شعله ور می سازد و از فقدان محبت می سوزند و این کمبود را به صورت خرافکاری بروز می دهند. خداوند در رابطه با ارشاد و هدایت افراد تأکیدی خاص بر قول نرم و آرام دارد. چنانکه در رابطه با ارشاد فرعون به حضرت موسی - علیه السلام - دستور فرمود:

«با فرعون با کلام آرام سخن

## 2- خشم و غضب

دومین نماد، از امور عاطفی، خشم و غضب است. خوب است که مرزهای خشم و غضب شناخته شده و انسان با روش های صحیح در برخورد با این نماد آشنا شود تا به بلوغ در این زمینه برسد. انسان باید بداند کجا خشمگین شود و در کجا خشم را کنترل کند. بکارگیری صحیح این نماد عاطفی موجب رشد انسان می شود و انسان باید در این امر نیز تعادل را رعایت کند. در حالی که اگر مسیر صحیح در مورد خشم لحاظ نشود، انسان دچار ضایعات روحی و روانی فراوان می شود.

### بیماری قرن

انسان به علت نداشتن روش صحیح برخورد با موارد خشم و غضب و به علت بی توجهی به این امر عاطفی در قرن حاضر دچار مشکل گردیده است.

بیماری های عصبی، دردهای موضعی، ناراحتی های گوارشی، فشار خون، بالا بودن میزان چربی های خون اعم از کلسترول و تری گلیسیرید، استرس، فوبیا، میگرن، از جمله بیماریهایی هستند که علت مشخص آنها در علم پزشکی، خشم و عصبانیت کنترل نشده است و بهترین روش درمان هر یک از این بیماری ها پرهیز از محیط های استرس زا و دوری از موارد خشم و غضب است.

در این بیماری داروهای مسکن، موضعی عمل می کنند و آرام بخش ها و ترکیبات بنزودیازوپین کم کم اثر خود را روی بیمار از دست می دهند و به تدریج به صورتی که بیماری مداوا نشود، باید آرامبخش های قوی تری مصرف شوند تا دردها و ناراحتی ها آرام گیرند. خوب است انسان با مرزهای غضب آشنا شود و به دلایل ناچیز خود را عصبانی نکند و گرفتار بیماری های عصبی نشود. که

ص: 73

در این رابطه خداوند فرو خوردن خشم را در عصبانیت لازم دانسته اند. (1)

### جنبه مثبت غضب

شرع مقدس اسلام برای هر یک از اعمال انسان محور الهی قرار داده است. پیرامون خشم و غضب که یکی از نمادهای عاطفی انسان می باشد، نیز دستورالعمل هایی قرار داده است. خداوند در قرآن مجید، محور غضب را خشم کردن نسبت به کفار قرار داده و می فرماید:

«پیامبر گرامی - صلی الله علیه و آله - و مؤمنین بر کفار شدت و غضب دارند، لیکن در بین خود، با مهربانی رفتار می کنند». (2)

خشم و غضب انسان باید بر علیه کفار، مشرکین و منافقین باشد. چنانچه امام خمینی (ره) نیز طی دستورالعملی فرمودند:

«هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید».

این یک اصل اساسی است، که اگر انسان به دنبال مغضوب واقعی باشد و خشم و غضب خود را برای او بکار ببرد، این عصبانیت نه تنها او را از مسیر رشد و تکامل باز نمی دارد، بلکه در پیشگاه الهی بخاطر این حالت ماجور است و در خود نیز احساس بالندگی و رشد و حتی آرامش می کند.

در اصول و عقاید اسلام نیز «لا اله الا الله» نفی کلیه طاغوت ها و سرسپردن به بندگی الله است. اصل تبری در فروع دین نیز، مبین این امر رشد آفرین است که از دشمنان الهی باید دوری کرد و غضب و خشم را نثار آنان نمود. دوری از کفار، مشرکین و دشمنان خدا و خشم و غضب نسبت به آنان، به علت آنکه انسان را در مسیر تکامل و اصل فطری او که الله است قرار می دهد، قابل تقدیر و اجر الهی

ص: 74

1-1 . «الكاظمين الغيظ والعافين عن الناس».

2-2 . «محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار». (29/فتح)

است و خداوند به خاطر این خشم، به انسان اجر نیز می دهد.

انگیزه مثبت در غضب، اثر منفی

گاهی اوقات، برخی افراد با انگیزه مثبت خشمگین می شوند، با این وجود نتیجه این امر منفی است. در یکی از مواردی که امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود، موقعی است که انسان، احتمال تاثیر بدهد. اگر در موردی امید به تاثیر کم است، خشم و غضب نیز گرچه با انگیزه سازندگی است ولی اثری در پی نخواهد داشت ابتدا باید زمینه پذیرش را در افراد بوجود آورد، سپس به امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت. در مورد متربی نیز، مربی باید توجه داشته باشد که بکار بردن خشم و غضب الهی برای امر تربیت بی اثر است. روانشناسان بر این عقیده اند که تاثیر نصیحت توأم با خشم و غضب بسیار ناچیز است و مربی غضبناک نمی تواند اثر تربیتی پند و نصیحت خود را با غضب به متربی منتقل کند.

متربیان ما هر قدر ناآرام و سرکش و طاغی باشند، حتما فرعون نیستند. وقتی خداوند در مقابل فرعون به حضرت موسی - علیه السلام - فرمان «قول لین» و آرام می دهد، [\(1\)](#) بیانگر آن است که مربی نیز، باید همین راه را برای انتقال اهداف صحیح خود دنبال کند و از روش خود انتظار اثر مثبت حتمی نداشته باشد. بلکه توکل بر خداوند کند و از او بخواهد که در حرفهایش، اثر مثبت قرار دهد. چنانچه خداوند به حضرت موسی - علیه السلام - گوشزد کرد:

«شاید(فرعون) متذکر شده و از خداوند بترسد».[\(2\)](#)

در برخی موارد، توقع زیاد، باعث خشم و غضب می شود.

ص: 75

---

1-3. «وقولوا له قولا لینا». (44/طه)

2-4. «لعله يتذکر او یخشی». (44/طه)

فردی که خود ساخته شده است، از دیگران نیز امید رفتاری مناسب دارد و چون دیگران رفتار مناسب و دلخواه او را ندارند، غضبناک و عصبانی می شود. باید بدانیم که هر فردی در زندگی و محیط خاصی پرورش و رشد یافته است، نباید انتظار داشته باشیم که همه افراد یک جامعه منظم، مرتب، خدایی، متدین، با ادب، اجتماعی و ... باشند و به وظایف خود عمل کنند. مطلب مهم دیگری که مطرح است این است که: پیامبران با آن همه قدرت الهی که داشتند و با آن خلق نیکو و روش درستی که در خود پروراندند بودند که خداوند در مورد نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«همانا تو دارای خلقی عظیم و نیکو هستی.» (1)

و به انسان ها نیز فرمود:

«و برای شما انسانها پیامبر، الگوی خوب و نیکویی است.» (2)

با این حال پیامبر - صلی الله علیه و آله - با سختی و مشقت اصحابش را متدین نمود و در این راه آنقدر سختی کشید که خداوند خطاب به او گفت: «تو قادر نیستی همه آنها را مسلمان کنی.»

و در زمان پیامبر - صلی الله علیه و آله - افرادی بودند که با دیدن آن همه دلایل و بینات روشن باز ایمان نیاورده و بر کفر و شرک خود باقی ماندند.

بنابراین ما نیز قادر به ساختن همه افراد جامعه نیستیم. تاثیر کلام نسبی است و بلکه باید در این راه ابتدا زمینه پذیرش را در افراد ایجاد کنیم و در حد توان برای بالندگی جامعه بکوشیم. در عین حال باید از خشم و غضب

ص: 76

---

1-5. «انک لعلی خلق عظیم.» (4 / قلم)

2-6. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه.» (21 / احزاب)

در این راه به شدت پرهیز کنیم. شرع مقدس اسلام فراخواندن عملی به دستورات الهی را بر تبلیغ زبانی مقدم می‌دارد. و می‌فرماید:

«خداوند برای راهنمایی بشر پیامبرانی فرستاد، که آیات الهی را بر آنان بخوانند. آنان را ابتدا تزکیه کرده و سپس علم کتاب و حکمت بیاموزند».(1)

و در روایت می‌فرماید:

«مردم را با غیر از زبان، ارشاد کنید».(2)

برای به دست آوردن تاییدات الهی باید سعی کنیم که شعاع خشم و غضب ما قوانین و دستورات الهی باشد و عمل ما خلاف شرع نباشد. کلیه اموری که انسان انجام می‌دهد باید در چارچوب احکام شرع باشد تا مفید واقع گردد، در این حال اگر اثر بگذارد، ماجور است و اگر بی اثر هم باشد، او از اجر معنوی بی بهره نیست، در این حال و در این مورد به بلوغ عاطفی دست پیدا کرده است.

### 3- دگر اندیشی

یکی دیگر از امور عاطفی، دگراندیشی است. فکر کردن به دیگران، اقوام، فامیل، جامعه و دلسوزی کردن نسبت به آنان، از نمادهای عاطفی هر فرد می‌باشد و انسان باید سعی کند در مورد برخورد با این نماد عاطفی به مرحله بلوغ یا تعادل در رفتار دست یابد.

جنبه مثبت

مکتب اسلام به مسائل اجتماعی توجه فراوان دارد، اگر بخواهیم بطور مبسوط به این مسئله پردازیم، مباحث زیادی را می‌طلبد ولی بطور اختصار به گونه ای از این توجهات، اشاره می‌کنیم.

از جمله هشدارهای ائمه معصومین - علیهم السلام - ایجاد حساسیت در بین مسلمانان نسبت به یکدیگر این است که می‌فرمایند: «کسی که صبح کند، در حالی که نسبت به مسایل مسلمین اهتمام نوزد،

ص: 77

---

1-7. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته...».(2/ جمعه)

2-8. «کونوا دعاه الناس بغیر السننکم».

توجه به مسایل دیگران، غم‌ها، گرفتاری‌ها، بیماری‌ها، قرض‌ها، ظلم‌ها و سایر مسایل اجتماعی دیگر آنان، نشانه مسلمانی و رسیدن به بلوغ عاطفی است. خداوند نیز در قرآن امر به تعاون نموده است: «در کارهای نیک با یکدیگر تعاون و همکاری کنید» (2).

باید توجه داشت، تنها شناخت مسایل و مشکلات دیگران و دانستن ضعف‌ها و ناراحتی‌های آنان کافی نیست. بلکه مسلمان باید در پی چاره‌جویی مسایل باشد و بقدر توان به برطرف شدن آن مسایل اهتمام ورزد. تا آنجا که بحث ایثار مطرح است و انسان باید از آنچه دارد برای رفع مشکلات مسلمین ایثار کند و خداوند ایثار را ستایش می‌فرماید. وقتی حضرت زهرا - سلام الله علیها - و علی - علیه السلام - و فرزندانشان غذای خود را در راه خدا انفاق کردند خداوند فرمود:

«و ایثار می‌کنند آنچه را که خود به آن نیاز دارند» (3).

#### جنبه منفی

در مورد دگراندیشی که به عنوان یکی از نمادهای عاطفی مطرح شد، جنبه منفی نیز وجود دارد. فردی که از نظر علمی، فرهنگی، جسمی، مادی یا معنوی توان مقابله با مسایل و مشکلات جوانان را ندارد، وظیفه اش چیست؟

گاه حس مسؤولیت نسبت به جامعه، افرادی را بر آن می‌دارد که به یاری مسلمانان برخیزند، اما در مقابل این انگیزه صحیح و مطلوب، توانایی لازم و زمینه کافی برای برخورد با مشکلات را ندارند و در نتیجه خود فنا می‌شوند. چند صباحی به یاری دیگران شتافته اما چون بنیه فرهنگی و علمی کافی ندارند، به کمال مطلوب نمی‌رسند.

خداوند از هر فرد نسبت به توانایی‌های او تکلیف می‌خواهد و در

ص: 78

---

1-1 . «من اصبح ولم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم». (نهج البلاغه، کلمات قصار)

2-2 . «تعاونوا على البر والتقوى». (2/ مائده)

3-3 . «يوثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة». (9/ حشر)

«خداوند هیچ نفسی را بیش از توانش تکلیف نمی کند».(1)

اگر انسان به سطحی از علم رسید که انحرافات جامعه را دید و شناخت، مرز گناهان را دانست، نسبت به وضع جامعه ابراز نگرانی کرده باید بداند در برخورد با این مسایل ناچار است راه اصولی را انتخاب کند.

برخی از افراد با مشاهده بدحجابی، دروغ، تهمت، دزدی، گناهان و انحرافات فردی و گروهی صرفاً غصه می خورند، از زندگی بیزار می شوند، سرخورده و ناراحتند و هرگز به این مسئله نمی اندیشند که آیا با غصه خوردن، مسایل و مشکلات حل می شود؟ آیا بهتر نیست غصه و ناراحتی منشا تحرک برای ساختن جامعه باشد؟ اگر می خواهیم در جامعه خدمت کنیم باید ابزار خدمت را داشته باشیم. از نظر علمی، فکری، فرهنگی و تجربی ابزار لازم برای خدمت در اختیار ما باشد در غیر این صورت اگر بی توجه عمل کنیم، یا خود تحت تاثیر عمل دیگران واقع می شویم و یا خیلی زود به خاطر نداشتن ابزار فرهنگی، باید خود را بازنشسته و مغبون فرض کنیم. بلوغ در این مرحله، به منزله دقت در عملکرد و توجه به موازین شرع است.

#### 4- گریه

گریه نیز یکی از نمادهای عاطفی در انسان است. چنانکه انسان نیاز به غذا، خواب، عشق و محبت و سایر مسایل مادی و معنوی دارد به گریه نیز نیازمند است. و باید سعی کند که در این نماد عاطفی به بلوغ برسد.

گریه یک نیاز برای قوای عاطفی انسان است، اگر انسان دچار تاسف و ناراحتی شدید شود، باید با گریه این آثار تاسف را بروز دهد. گریه و اشک، پیامدهای تراوشات

ص: 79



پنج غده مهم بدن است، که این غدد عبارتند از: هیپوفیز، تیروئید، پاراتیروئید، فوق کلیوی و لوزالمعده. این غدد در حین کار کردن، اضافاتی دارند که برخی معتقدند اشک ضایعه غدد است.

دانشمندان روانشناس می گویند: گریه تخلیه هیجان و عقده گشایی است. همچنین یکی از نیازهای مهم درونی کودک، گریه است. کودک به وسیله گریه با دنیای اطراف ارتباط برقرار می کند. گریه وسیله ابراز درد، گرسنگی، احتیاج به تعویض و خواب کودک می باشد. در متون اسلامی نیز پیرامون گریه، روایات و آیات فراوانی موجود است. قرآن کریم می فرماید:

«باید زیاد گریه کنید و کم بخندید».(1)

و امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «اگر اشک در ناراحتی ها تخلیه نشود، موجب ناراحتی دیگر می شود».

و برای تشویق به گریه کردن، حتی سفارش فرموده اند که اگر گریه و اشک ندارید خود را به صورت گریه کننده در آورید که به تباهی معروف است.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - راجع به عزاداری برای حضرت امام حسین - علیه السلام - می فرمایند:

«کسی که گریه کند و یا بگریاند و یا حالت گریه داشته باشد، بهشت بر او واجب می شود».(2)

انواع گریه

گریه انواع گوناگون دارد و هر کدام فواید و آثاری برای انسان در بردارد.

1. گریه شوق و علاقه انسان به چیزی: باعث می شود که از دوری او به گریه درآید چون شوق بهشت، شوق لقاء الهی، شوق دیدار محبوب واقعی، ائمه - علیهم السلام - در عاشق ایجاد گریه می کند.

2. گریه شادی: شاد شدن از ملاقات کسی که انسان او را دوست دارد و مدتهاست از

ص: 80

---

1- «و لیبکوا کثیرا...». (82/ توبه)

2- نفس المهموم، محدث قمی، ص 70.

او دور بوده، انسان را به گریه می آورد. چون ملاقات مادر و فرزند، محبوب و محب، عاشق و معشوق، از این نوع ملاقاتهاست.

3. گریه ترس: گاهی اوقات ترس از دیگری، چون معلم، پدر، استاد و ترس از تنبیه آنان و ترس از آبروریزی، موجب گریه می شود.

4. گریه درد: در هنگام بروز درد و ناراحتی، مثل: گوش درد، دندان درد، یا درد زایمان در خانم ها موجب گریه آنان می شود.

5. گریه حيله: گاهی افراد برای رسیدن به آرزوهای خود و تحمیل آن به دیگران متوسل به گریه می شوند. خانمها اکثر از این حربه برای رسیدن به مقاصد، استفاده می کنند. جوانان در سنین بلوغ، به خاطر احساسات شدید، گاهی به گریه متوسل می شوند. کودکان نیز از این وسیله در موارد بسیاری استفاده می کنند.

6. گریه فراق: گریه از دوری فرد یا افراد یا دوستانی، موجب گریه می شود. گاهی این افراد فراق از حضور خداوند و بزرگانی چون ائمه - علیهم السلام - و گاه فراق افراد عادی انسان را به گریه می اندازد. (1)

## 5- خنده

خنده همچون گریه، یکی از نمادهای عاطفی در انسان است و فرد باید در این مورد نیز به رشد کافی برسد و خود را با آداب و مسایل خنده آشنا کند.

در مواقعی که انسان با نشاط است، برای او خنده لازم است. اسلام راجع به خنده آیات و احادیثی دارد و آن امری لازم ولی بر اساس ضوابطی معرفی کرده است. مسلمان باید بشاش و گشاده رو باشد چنانکه در مورد پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در قرآن می فرماید: (و پیامبر - صلی

ص: 81

---

1- توضیح بیشتر در کتاب «نیازمندی های نسل جوان» از نگارنده.

الله علیه و آله - برای شما الگوی نمونه ای است» (1).

در حدیث آمده است: «خنده مؤمن تبسم است» (2).

مؤمن «کثیرالتبسم» است، علامت گشاده رویی تبسم در چهره است. اما در مقابل آن روایت دیگری می فرماید:

«قهقهه زدن از کارهای شیطان است» (3).

خنده بلند و شدید در اسلام نهی شده است. روانشناسان گفته اند:

«گریه و خنده تخلیه هیجانات روحی و درونی است، تخلیه خوشی ها در خنده و تخلیه ناراحتیها در گریه است».

انسان وقتی خوشحال می شود، باید بخندد ولی حد خندیدن تبسم است. اگر در حالت خوشحالی انسان نخندد، و خوشحالی در درون متمرکز شود، به صورت تمسخر دیگران با دروغ و یا خودنمایی بروز می کند. خنده موزون موجب رشد، شادابی، آرامش و تقویت قوای روانی می شود. سلامت روانی در کنار شادیها و آرامش ها به وجود می آیند (4). خنده نباید سبب تحقیر دیگران، استهزاء افراد و نیز تحریک آلام افراد گردد، موقعی که به دوست، اهل خانه و یا آشنایان مصائبی رسیده ما نباید با خنده خویشتن نمک به زخم آنها بپاشیم.

## 6- اعتماد به نفس

اعتماد به نفس برای انسان ضرورت دارد و هر فردی برای موفقیت در زندگی نیاز مبرمی به آن دارد. اگر انسان بتواند اعتماد به نفس به دست آورد، هرگز شکست ها در او اثر منفی نمی گذارند. اعتماد به نفس پدیده ای روانی است و انسان باید با توجه به درست بودن عمل، مسیری را انتخاب کند و روی آن ثابت بماند. البته باید توجه داشت، اعتماد به نفس با استبداد و تک محوری و خودرایی، تفاوت بارزی دارد. اعتماد به نفس، در جایی مطرح است که انسان مسیر خود را تشخیص دهد و روی هدف خود بایستد،

ص: 82

1-1 . «و لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» . (21/ احزاب)

2-2 . «ضحک المؤمن التبسم» . (غررالحکم)

3-3 . «القهقهه من الشیطان» . (وسائل الشیعه، ج 8، ص 479).

4-4 . توضیح بیشتر در «نیازمندیهای نسل جوان» از نگارنده.

هر چند برای رسیدن به هدف دچار مشکلاتی نیز بشود.

اعتماد به نفس، امری روحی، روانی است که در درون انسان موجب تحریک بعد فیزیکی و مادی شده و انسان را به تحریک و حرکت می‌دارد. تحریک بعد روانی اعتماد به نفس، به انسان امید و ایمان به مبارزه، درس خواندن، کار کردن، تلاش و کوشش می‌دهد و انسان می‌تواند با تحریک بعد جسمی، این ندای روحی را جواب گوید و با سختیها مبارزه کند. اعتماد به نفس موجب می‌شود انسان سختی کار، تحصیل، شکست و آزارها را بیشتر تحمل کند تا به هدف نهایی خود برسد. در اعتماد به نفس باید این نکته را ملحوظ داشت که نباید این حالت در ما غرور آفرینی کند و به اصطلاح بادمان را زیاد نماید و نیز نباید با توکل به خداوند مغایرت داشته باشد. بسیاری از دانشوران و مشاهیر جهان بر اساس همین خصوصیت روحی به مقامات عالی رسیده و برای خود شهرت جاودانی کسب کرده اند و پژوهش‌ها و کشفیاتی را به نام خویش ثبت نموده اند. (1)

نمونه های علمی

نمونه بارز در خصوص اعتماد به نفس عمل افرادی چون حضرت امام حسین - علیه السلام - است. ایشان وقتی راه تبلیغ و ارشاد مردم و اعتلای قرآن را به شهادت خود و عزیزان تشخیص دادند، در این راه از هیچ چیز دچار دلسردی نشدند. با آنکه اصحاب و یاران حضرت در ابتدای نهضت و حرکت از مدینه و مکه و به طرف کربلا، هزاران نفر بودند و کم کم، رو به کاهش گزاردند و حضرت را رها ساختند تا 72 یا 115 نفر باقی ماندند ولی حضرت،

ص: 83

از نهضت خود دلسرد نشدند. چون تشخیص همان بود که حضرت باید جان خود را فدای اسلام می کردند. گرچه در ظاهر، پیروز نشدند و شهید گشتند، اما خون ایشان تداوم بخش مکتب قران و اسلام شد و دین اسلام را احیاء کرد.

در همین جا قبل از نهضت امام حسین - علیه السلام - صلح امام حسن - علیه السلام - مطرح است که ایشان طبق شرایط آن زمان تن به پذیرش معاهده ای را دادند. نه آنکه صلح ایشان سازش با دشمن بود، بلکه صلح ایشان پدید آورنده زمینه های قیام امام حسین - علیه السلام - بود. ایشان نیز در آنجا صلح را برای اعتلای کلمه حق لازم دانستند و از شماتت دشمن و حتی انتقاد گروهی از اصحاب، هراس به دل راه ندادند.

انجام وظیفه یا رسیدن به نتیجه

ما باید وظیفه خود را انجام دهیم، اما مامور به نتیجه نیستیم. این امر در رسالت پیامبران نیز به چشم می خورد. در قرآن آمده است: «خداوند، از بین افراد بشر، برای هدایت آنان، پیامبرانی فرستاد»<sup>(1)</sup>.

پیامبران با آنکه از تأییدات الهی برخوردار بودند و از خود اعجاز نشان می دادند و سعی در هدایت مردم به سوی حق و کمال و سعادت دنیوی و اخروی داشتند ولی با تحمل سختیها در راه رسالت با آن همه فداکاری، تعداد کمی از مردم به ایشان ایمان حقیقی آوردند. در مورد پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - نیز همین مسئله هست که ایشان بارها از طرف خداوند، مورد خطاب قرار گرفتند، که چرا خود را اینقدر در هدایت مردم به زحمت می اندازی؟ قرآن

ص: 84

---

1-2. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم...». (2/ جمعه)

«ما قرآن را نازل نکردیم که خود را به مشقت بیاندازی» (1).

با این حال، مسلمانانی که ایمان آوردند، پس از رحلت آن حضرت، گمراه شدند و تنها عده قلیلی بر ایمان خود ثابت ماندند. پس انسان تا می تواند باید به وظیفه خود عمل کند، اگر عملی مورد رضای خدا بود، کافی است. هر چند انسان در این راه به شکست مبتلا شود، دیگران او را تمسخر کنند، به نتیجه نرسد و زحماتش هدر رود. مهم آن است که به وظیفه عمل شود، هر چند نتیجه آن مثبت نباشد. اگر چنین شد، سرانجام خداوند، طعم پیروزی را به انسان مومن خواهد چشاند. چنانکه وعده این پیروزی فراگیر و وعده حق در قرآن آمده است:

«و خداوند اراده کرده است که بر مؤمنین، منت گذارده و آنان را امام و وارث زمین قرار دهد» (2).

نشانه های اعتماد به نفس

1. کارهای شخصی خود را انجام می دهد و از دیگران توقع انجام وظایف خود را ندارد.

2. دچار تردید و تزلزل نیست. وقتی به تشخیص درست برسد با اعتماد به جلو می رود.

3. از شکست ناراحت نمی شود، بلکه شکست را مقدمه پیروزی می داند.

4. از خودستایی و تک محوری دوری می کند. از تمجید دیگران نیز خوشحال نمی شود.

5. در مورد کار خود از تحقیر و بدگویی توسط دیگران، ناراحت نمی شود.

6. انتقاد پذیر است. کاستی ها و اشکالات خود را می پذیرد.

7. مسؤولیت پذیر است. مسؤولیتی که به عهده او گزارده می شود به درستی انجام می دهد (3).

## 7- انتقاد پذیری

یکی از جلوه های بلوغ عاطفی، انتقاد پذیری است. اگر بر این عقیده باشیم که

ص: 85

1-3. «ما انزلنا علیک القرآن لتشقی» (2/ طه)

2-4. «و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمه و نجعلهم الوارثین» (5/ قصص)

3-5. توضیح در کتاب «نیازمندیهای نسل جوان» از نگارنده.

ممکن است هر انسانی خطا و اشتباه داشته باشد، از انتقاد دیگران ناراحت نمی شویم. انسان باید خود را همیشه آماده انتقاد دیگران بنماید و از آنها استقبال کند. آنان که از نظر بعد عاطفی به کمال و رشد نرسیده اند، انتقاد پذیر نیستند. معمولاً این افراد، دارای خصایصی چون غرور، عجب یا تکبر می باشند که این صفات مانع از پذیرفتن انتقاد در آنها می شود.

انتقاد پذیری از آن جهت در بعد عاطفی بحث می شود که خصایص روحی انسان از جمله غرور مانع انتقاد پذیری می شود، در بعد بدنی انسان، این عدم پذیرش، واکنش هایی را به وجود می آورد. انسان برخورد شدید می کند، فریاد می زند، انکار می کند و گاهی هم که از نظر بعد جسمی، کاری انجام ندهد و با انتقاد مقابله نکند، افسرده می شود و رفتارهای افراد افسرده را از خود بروز می دهد، گوشه گیر و منزوی می شود، از انتقاد کننده ناراحت و عصبانی می گردد و از ملاقات با او پرهیز دارد، کم خواب می شود، اشتهايش کم شده، دچار عوارض جسمی چون زخم معده و میگرن می شود. تمام این آثار جسمی، از همان بعد روانی، انتقاد پذیرفتن سرچشمه می گیرد.

#### سازندگی انتقاد

انتقاد همیشه سازنده است. در مکتب حیات بخش اسلام نیز، از انتقاد به عنوان یک اصل دوستی و سازندگی اخلاقی یاد شده است. امام صادق - علیه السلام - می فرمایند:

«بهترین دوستان من کسانی هستند که عیوب مرا به من هدیه کنند»<sup>(1)</sup>.

انسان باید همیشه در پی ساختن ابعاد وجودی خویش باشد و زمینه انتقاد پذیری را در خود به وجود آورد و از انتقاد به عنوان هدیه استقبال کند. خداوند نیز

ص: 86

---

1-1. «احب اخوانی من اهدی الی عیوبی». (بحار الانوار، ج 74، ص 282)

به رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - فرمان می دهد:

«تذکر بده، زیرا تذکر به مؤمنان نفع می رساند»<sup>(1)</sup>

اگر انسان در بعد اجتماعی، دینی، اخلاقی، مذهبی، و عقیدتی خود دارای اشکالاتی باشد و آنها را برطرف نکند در اجتماع دارای شخصیت برتر و شناخته ای نمی شود. بلکه این عیوب، او را از تکامل و رشد باز می دارند. این نکته قابل ذکر است که شاید روش انتقاد کننده درست نباشد و انتقادهایی که می کند به صورت انتقاد گزنده و نیشدار یا خزننده و زیرآبی باشد، گاه شاید آبروی انسان را نیز در جمعی ببرد، اما باید اصل انتقاد را پذیرفت و انتقاد کننده را هم به روش صحیح انتقاد آشنا کرد.

روش صحیح انتقاد

1. چون آئینه بی کم و کاست، عیوب را بگوید زیرا مؤمن آئینه مؤمن است.<sup>(2)</sup>
2. دوستانه باشد. انتقاد کننده احساس کند که منتقد دوست اوست.
3. مخفیانه باشد تا آبروی شخص مورد انتقاد نریزد.
4. با ملایمت باشد، چنانکه یکی از روشهای تبلیغی صحبت با لحن ملایم است.<sup>(3)</sup>
5. در فضای آرام، پرهیز از خشونت و در موقعیتهای حساسی چون لحظه جدایی انتقاد شود، تا در ذهن طرف باقی بماند.
6. استدلال صحیح و محکم در انتقاد داشته باشد.
7. منصفانه باشد، در کنار نواقص فرد، خوبیها و امتیازات او را نیز ذکر کند.
8. احتمال اثر در انتقاد خود بدهد. اگر می داند انتقاد او بی اثر است لازم نیست انتقاد کند. چنانکه یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تاثیر است.
9. در برخی موارد لازم

ص: 87

---

1-2. «فذكر ان نفعت الذکری». (اعلی / 9)

2-3. «المومن مرآه المؤمن».

3-4. «فقولا له قولاً لینا». (44/ طه)



است انسان تغافل کند و غیر مستقیم، اشکالات و ایرادات دیگران را بگوید. (1)

## بلوغ معنوی

### 1- نیاز به معبود

یکی از ابعاد وجود انسان بعد معنویت و روحانیت اوست. انسان چنانکه برای بدن خود به مواد غذایی نیاز دارد، به غذای روح و معنویات نیز احتیاج دارد و نباید نسبت به این بعد بی توجه باشد و سعی کند به حد کمال طبیعی و بلوغ در معنویت برسد.

انسان ذاتا به معبود و پناهگاه نیاز دارد زیرا در قران آمده است:

«خداوند مردم را بر فطرت خداشناسی آفرید و تغییری در آن نیست». (2)

انسان نیاز به معبود دارد از این جهت برای آنکه بشر گمراه نشود خداوند انگیزه خلقت بشر را چنین معرفی می فرماید:

«و ما جن و انس را خلق نکردیم مگر آنکه خداوند را عبادت کنند». (3)

و چنین است کسانی که به معنویات توجه دارند، زندگی آرامی خواهند داشت، خداوند در همه حال پشتیبان آنهاست. قران می فرماید:

«کسانی که ایمان دارند و قلب هایشان به یاد خدا آرامش می گیرد، آگاه باشید که فقط یاد خدا آرام بخش دلها می باشد». (4)

اگر انسان خدا را خالصانه بپرستد، گرفتار شیطان نمی شود زیرا ابلیس به خداوند گفت:

«به عزت تو سوگند که همه مردم را گمراه می کنم، مگر آنها که ترا خالصانه عبادت کنند». (5)

### 2- ضلالت

اگر انسان نیاز معنوی خود را از مسیر صحیح تامین نکند، گرفتار وساوس شیطان شده و گمراه می گردد. خداوند به چنین افرادی که او را عبادت نمی کنند می فرماید: «و هر کس از یاد من دوری کند و مرا فراموش نماید، قطعاً زندگی سختی بر اثر هجوم تلخی ها و آفات مربوط به دنیا خواهد داشت و در

ص: 88

1- 5. توضیح در «کتاب افسردگی» از نگارنده.

2- 1. «فطرت الله التي فطر الناس عليها». (30/ روم)

3- 2. «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون». (ذاریات/ 56)

4- 3. «الا بذكر الله تطمئن القلوب». (رعد/ 28)

5- 4. «قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين». (ص/ 82)

قیامت او را کور وارد محشر خواهیم کرد» (1).

و در آیه دیگر می فرماید:

«و هر کس از یاد خدای رحمن اعراض و چشم پوشی کند، شیطانی را برای او برمی انگیزیم که ملازم او خواهد بود و شیاطین، دوری کنندگان از یاد خدا را، از راه حق باز می دارند و آنان فکر می کنند که هدایت شده اند» (2).

و این بالاترین گمراهی است که انسان کاری انجام دهد و فکر کند که کار خوبی انجام می دهد، در حالی که اعمالشان عمل های خوبی نباشد. قرآن می فرماید:

«آیا شما را به زیانکارترین افراد در اعمالشان خبر دهم، کسانی که کوشش آنها در زندگی دنیا از بین رفته و خودشان می پندارند که اعمالشان خوب است» (3).

دستاوردهای تمسک به غیر از خداوند، برای انسان، دستاوردهای بسیار بدی است، خوب است انسان در برآوردن نیازهای معنوی خود بکوشد و صفاتش را الهی کند.

### 3- امداد الهی

اگر انسان نیاز معنوی خود را در عبودیت خداوند جستجو کند، دارای صفاتی در اخلاق و رفتار می شود و خداوند، به همین دلیل به امداد آنان می آید.

قرآن می فرماید:

«ای پیامبر مژده بده به اهل خضوع و خشوع، کسانی که در هنگام یاد خداوند دلهایشان به طپش می افتد» (4).

امام صادق - علیه السلام - می فرماید:

«خدای بزرگ فرموده، کسی که در نهانی مرا یاد کند، من در آشکارا و در منظر خلایق او را یاد می کنم» (5).

و در آیه دیگر می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر تقوا پیشه کنید خداوند به شما تمیزی حق و باطل (فرقان) عنایت می کند و از گناهان شما می گذرد و شما را می آمرزد» (6).

و در آیه دیگر می فرماید:

«کسی که از خداوند بپرهیزد

- 1- «و من اعرض عن ذكرى فان له معيشه ضنكا». (طه/ 124)
- 2- «و من يعش عن ذكر الرحمن». (زخرف/ 36)
- 3- «قل هل انبئكم بالاخرين...». (كهف/ 104)
- 4- 1. «و بشر المخبتين الذين...». (حج/ 34)
- 5- 2. «من ذكرنى سرا ذكرته علانيه». (عده الداعى، ص 244)
- 6- 3. «يا ايها الذين آمنوا ان تتقوا الله». (انفال/ 30)

و تقوا پیشه کند، خداوند او را از غم و اندوه بیرون می کند و او را از جایی که گمان نمی برد، روزی می دهد» (1).

و در آیه دیگری می فرماید:

«و کسی که به خداوند توکل کند، خداوند برای او کافیست» (2).

و آیه دیگر می فرماید:

«کسی که تقوا پیشه کند، خداوند کارهای او را آسان می کند» (3).

پس کسانی که خداوند را عبادت کنند، خضوع و خشوع داشته باشند، به یاد خدا باشند. تقوا پیشه کنند خداوند عنایاتی چون فرقان، کفایت امور و آسانی کارشان را به آنان ارزانی خواهد داشت. باید در خاطر داشته باشیم، تنها راه صحیح، عبودیت خداوند است و از اینجاست که انسان به تکامل دینی، دنیوی و اخروی، سعادت دنیا و آخرت، دست پیدا می کند و به انگیزه خلقت، جامه عمل می پوشاند.

#### 4- رعایت اعتدال

در امور عبادی انسان باید از افراط و تفریط بپرهیزد. همه احکام شرع، مرز و حدودی دارند، جدا شدن از احکام الهی در هر دو طرف یعنی یا افراط یا تفریط، هر دو ناپسند هستند و اسلام آن را تجویز نمی کند. در احکامی چون نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و سایر احکام، تامل و کسالت پسندیده نیست. بی تفاوتی نسبت به اعمال و رفتار را خداوند نمی پسندد و در مقابل تمرد از احکام الهی برای انسان عذاب اخروی را پیش بینی کرده است.

در مقابل افراط در عبادت، رهبانیت، بی توجهی به مسایل خانوادگی و اجتماعی را نیز، اسلام عزیز تجویز نمی کند. قرآن می فرماید: «ما شما را جامعه ای میانه رو قرار دادیم» (4).

و رسیدن به بلوغ معنوی آن است که انسان مرزهای عبودیت را بشناسد و بتواند به

ص: 90

---

1-4 . «و من یتق الله یجعل له مخرجاً». (2/ طلاق)

2-5 . «و من یتوکل علی الله». (3/ طلاق)

3-6 . «و من یتق الله یجعل له ...». (4/ طلاق)

4- «و جعلناکم امه وسطاً». (143/ بقره)

آنچه خداوند از او می خواهد دست پیدا کند.

## بلوغ جنسی

### 1- نفی رهبانیت

در منابع روایی و تاریخی آمده است امام صادق - علیه السلام - فرمود: زن عثمان بن مظعون خدمت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، عثمان روزها روزه می باشد و شبها نماز می خواند، اما به نزد من می آید. حضرت غضبناک به نزد عثمان آمده و فرمودند:

«ای عثمان خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاده است. دین من مستقیم، سهل و آسان است. روزه می گیرم، نماز می خوانم و با زنان معاشرت دارم. پس هر کس دین مرا می خواهد باید به این سنت من عمل کند و یکی از سنتهای من، ازدواج است.»

و در روایت دیگری است که حضرت، دست بر سینه عثمان بن مظعون زد فرمود:

«از سنت من اعراض نکن، چه هر کس از روش من روی بگرداند، روز قیامت فرشتگان سر راه او را می گیرند و صورتش را از حوض من برمی گردانند».(1)

### 2- مزایای ازدواج

در پرتو غریزه جنسی انسان به بعضی کمالات و نیازهای روحی و عاطفی و معنوی خود دست پیدا می کند.

1. حفظ دین: بالاترین مزیت ازدواج حفظ دین است. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «کسی که ازدواج کند، نیمه ایمان خود را کامل کرده و از خدا در نیمه دیگر ایمان بترسد».(2)

2. به دست آوردن ولایت الهی: پیامبر - صلی الله علیه و آله - می فرمایند: «کسی که برای خدا ازدواج کند و یا مقدمات ازدواج دیگری را فراهم نماید، ولایت الهی شامل حالش می شود».(3)

3. نجات از آتش جهنم است: پیامبر - صلی الله علیه

ص: 91

1- مستدرک الوسائل، ابواب المقدمات.

2- 1. . نهج الفصاحه، سخن 2936.

3- 2. . المحججه البيضاء، ج 3، ص 54.

و آله - فرمودند: «اکثر اهل جهنم، عزبها و بی همسران هستند».(1)

4. مایه پاکدامنی و عفاف است: پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «شخصی که قدرت ازدواج دارد. ازدواج کند، زیرا نکاح بیش از هر چیز موجب چشم پوشی از گناهان و پاکدامنی می شود و اگر کسی تمکن بر ازدواج ندارد، با روزه گرفتن خود را از گناه محفوظ نگه دارد».(2)

5. نمازش ارزش بیشتری دارد: امام صادق - علیه السلام - می فرمایند: «دورکعت نمازی که شخص متأهل می خواند از هفتاد رکعت نماز شخصی که ازدواج نکرده بالاتر است».(3)

6. موجب بقاء نسل است: پیامبر - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «ازدواج کنید تا در سایه آن نسلتان زیاد شود که من در روز قیامت از زیادی امتم ولو طفل سقط شده، افتخار کنم».(4)

7. عامل به دست آوردن آسایش و آرامش است: قرآن می فرماید: «یکی از آیات و نشانه های لطف خداوند این است که برای شما از جنس خودتان، زنان را آفرید که به وسیله آنان آرامش یافته و میان شما مهربانی برقرار نمود».(5)

8. عبودیت خداوند است: پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «کسی که ازدواج نماید، نیمی از راه عبودیت خدا را طی کرده است».(6)

9. رسیدن به ثواب است: روایت می فرماید: «مردی که زحمت بکشد تا نیاز خانواده اش را از راه حلال تامین کند، مثل مجاهد در راه خداست».(7)

در مقابل برای خانم ها نیز برای شوهر داری، بارداری، شیردهی، تربیت فرزند، محبت به فرزند و ... اجز و ثواب های فراوانی در متون روایی ذکر شده است.(8)

10. افزایش رزق و برکت

ص: 92

1-3 . وسائل الشیعه، ج 14، ص 8.

2-4 . المحججه، ج 3، ص 53.

3-5 . وسائل الشیعه، ج 14، ص 6.

4-6 . المحججه البیضاء، ج 3، ص 53.

5-7 . «و من آیاته ان خلق لکم». (21/ روم)

6-8 . روضه الواعظین. ص 375.

7-9 . «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله.» (جامع السعادات، ج 2، ص 15)

8-10 . حلیه المتقین.

است: پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «برای افزایش رزق خود ازدواج کنید زیرا برکت در ازدواج است».(1)

و باز فرمودند:

«کسی که از ترس فقر ازدواج نکند به خدا بدگمان شده است در صورتی که خدا می گوید اگر از ترس فقر ازدواج نمی کنند، خدا به آنها کمک می کند و آنها را ثروتمند می سازد».(2)

### 3- انحراف جنسی

بسیاری از انحراف های اخلاقی و روانی از دوران کودکی در انسان شکل می گیرد و به مرور به مرحله بروز و نمود می رسد. کودک به سرگرمی نیازمند است و باید وسایل بازی در اختیار کودک باشد، اگر کودک به وسایل مناسب بازی دست پیدا نکند، ممکن است بازی با آلت خود را شروع کند و به تدریج به آن عادت کرده و به «اونانیسم» یا استمناء (در پسران) یا استشهاء (در دختران) مبتلا می شود.

اسلام از تنها گذاشتن فرزندان و خوابیدن چند فرزند بر یک بستر، منع نموده است. فرزند نباید بدون اجازه وارد اتاق خواب پدر و مادر شود.

بازی با آلت تناسلی فرزند، توسط اولیاء او را به بازی با آلت تناسلی خود، وادار نموده و عادت می دهد. حتی اولیاء از دست زدن و مالش ران فرزند نیز باید خودداری نمایند.

امام صادق - علیه السلام - فرمودند:

«مرد با زن و کنیز خود، در خانه ای که کودکی هست، آمیزش نکند که آن کودک زناکار می شود یا فرزندى که از آنها به وجود می آید، زناکار می شود».(3)

### 4- عوامل تحریک

در افراد عادی، پسر در پایان پانزده (15) سالگی و دختر پس از پایان نه (9) سالگی به بلوغ می رسد و کم کم آثار بلوغ در او هویدا می شود. اما عواملی هست

ص: 93

1-11. «من لا یحضره الفقیه»، ص 410.

2-12. «من لا یحضره الفقیه»، ص 410.

3- الزواج المبکر، ص 163.

که موجب بلوغ زودرس در فرد می شود:

الف: اولیاء

یکی از عوامل تحریک غریزه جنسی، پدر و مادر می باشند. گاه اولیاء شرایطی در فضای منزل ایجاد می کنند که این شرایط موجب تحریک فرزند و بلوغ زودرس در او می شود. مشاهده عمل زناشویی توسط کودک، خوابیدن در اتاق اولیاء، بازی اولیاء با آلت تناسلی فرزند، عدم پوشش مناسب محارم، موجب تحریک غریزه جنسی در نوجوان است.

ب: لباس

یکی از عوامل تحریک، لباس تنگ و چسبان بخصوص در مورد شورت و مایو می باشد. این لباسها باید از جنس نایلون یا بسیار نرم نباشد. بلکه از جنس نخ استفاده شوند. لباس نایلون و تنگ بر اثر برخورد با بدن و اصطکاک ایجاد جرقه و موجب تحریک غریزه جنسی می شود.

ج: غذا

عامل دیگر تحریک غریزه جنسی، غذاها و آشامیدنیها می باشد. برخی غذاها برای جوانان محرک می باشند و در سنین بلوغ باید از آنها جداً پرهیز شود. غذاها و میوه هایی چون، موز، پیاز، سیر، فلفل، ادویه، شیرینی، زعفران، وانیل، شیرینیهای مصنوعی، هویج، محرک هستند. در صورت مصرف این مواد باید با ورزش، روزه و کارهای جسمی انرژی حاصله از آن مصرف شود تا جوان با مشکل مواجه نشود. کسانی که در مناطق حاره و گرم زندگی می کنند، تحریک پذیرترند و باید در خوردنیها دقت بیشتری به عمل بیاورند.

د: دیدنی های محرک

مشاهده برخی مناظر و چشم چرانی، جوان را تحریک می کند. نوارهای ویدیویی غیر مجاز و محرک، دیدن فیلم هایی که هنرپیشه های آن لباس و پوشش مناسب ندارند از عوامل تحریک است. چشم چرانی و نگاه حرام به جنس مخالف یا

ص: 94



هم جنس از روی علاقه، عامل تحریک و حرام می باشد. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«چشم چرانی، تیری است زهرآلود که از ناحیه شیطان، ایمان را هدف قرار می دهد» (1).

امام علی - علیه السلام - می فرماید:

«کسی که چشمش را آزاد بگذارد قلبش را به رنج می افکند و کسی که آزادانه و پی در پی نگاه کند، حسرت‌های ابدی خواهد داشت» (2).

قران نیز می فرماید:

«ای پیامبر به زنان و مردان مومن بگو که دیدگان خود را از نامحرمان ببندند» (3).

ه- : شنیدنی های محرک

یکی از عوامل تحریک غریزه جنسی، شنیدنی‌های محرک است. این شنیدنی‌ها منابع گوناگون دارد، گاه شوخی دو زوج با هم، گاه موسیقی‌های مهیج و محرک، گاه صحبت با دوستانی که تجارب تلخ و شیرین خود را از مسایل جنسی برای دیگران بازگو می کنند. جوان باید مواظب باشد که چنین اعمالی را انجام ندهد و چنین مواردی را نشنود و اگر شنید، سعی کند به فراموشی بسپارد و از خاطر ببرد.

## 5- عوارض تحریک

زمانی که غریزه جنسی تحریک می شود، به طور طبیعی باید این غریزه ارضاء شود. اگر جوان همسر داشته باشد، با مشکل زیادی مواجه نمی شود. گرچه در برخی موارد محرکها روی اعمال صحیح و مسیر درست زناشویی نیز تاثیر می گذارند ولی بهر حال جوان، برای ارضاء خود کانال صحیح شرعی در اختیار دارد. اما عوارض تحریک در مجردین بیشتر است. لذا متن روایت اینجا جلوه می کند که: پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«اکثر اهل جهنم، عذبها(بی همسران) هستند» (4).

الف: احتلام

یکی از عوارض تحریک غریزه جنسی احتلام می باشد. پس از اینکه جوان به

ص: 95

---

1- اسرار الصلوه، ص 145.

2- مستدرک الوسائل، باب نکاح، باب 8.

3- «وقل للمؤمنین یغضوا». (نور، 29).

4- 1. وسائل، ج 14، ص 8.

دوران بلوغ رسید، بیضه ها، برای ساختن منی شروع به فعالیت می کنند، احتلام در مواردی که فضای منی ساز و کیسه منی پر می شود، صورت می گیرد تا تعادل در بدن به وسیله احتلام و غسل کردن برقرار شود.

احتلام در بدن به منزله شیر اطمینان در آبگرمکن است. وقتی آبگرمکن از درجه حرارت معینی بالاتر رفت و بخار ایجاد شده زیاد شد، به وسیله شیر اطمینان تخلیه می شود. احتلام نشانه سلامتی است ولی اگر احتلام زیاد شود، عمر انسان کوتاه می شود. چشم ضعیف شده و قوای بدن به تحلیل می رود.

باید سعی شود کارهایی که باعث تحریک غریزه جنسی می شود کمتر انجام شود، تا احتلام های شبانه کمتر شوند و در حد طبیعی و بدون عوارض باقی بمانند.

#### ب: خودارضایی

خودارضایی در اثر عوامل تحریک گریبانگیر جوان می شود. خودارضایی (اونانیسم) که در مردان استمناء و در زنان (استشهائ) نامیده می شود. در این مورد وقتی عوامل محرک، غریزه جنسی فرد را تحریک کنند، با خود کاری انجام می دهد که از او منی بیرون بیاید. و این کار از نظر شرع مقدس اسلام، حرام است و اثرات سوئی روی بدن انسان دارد. خودارضایی موجب تاری دید، بی اشتهایی، ضعف اعصاب، لرزش اعضاء بدن، انزال بی اختیار، رنگ پریدگی، بداخلاقی، ضعف و لاغر می شود. این عوارض در معتادین به خودارضایی به طور مشهود دیده می شود.

#### ج: زنا

یکی از عوارض تحریک غریزه جنسی زنا می باشد. زنا ارتباط نامشروع دو جنس مخالف با یکدیگر می باشد. این عارضه گاه دچار افراد بی بندوباری که همسر دارند نیز می شود. از این روست که باید

زنگ خطر را همیشه در گوش داشته باشیم و سعی کنیم، عوامل تحریک‌گریزه جنسی را از بین ببریم تا گرفتار چنین عوارضی نشویم. زنا از نظر شرع مقدس اسلام حرام بوده و مرتکبین آن تعزیر می‌شوند و یا حد می‌خورند و در مواردی سنگسار هم می‌گردند.

یکی از عواقب مهم آن که در دنیاست، این است که امام صادق - علیه السلام - فرمودند:

«کسی که دنبال زنان مردم نگاه کند، دیگران نیز دنبال ناموس او نگاه خواهند کرد».<sup>(1)</sup>

هر کس افتد نظرش در پی ناموس کسان

پی ناموس وی افتد نظر بوالهوسان

و نیز فرمود: «از تجاوز به زنان دیگران خود را پاک کنی تا ناموستان پاک بماند».<sup>(2)</sup>

و پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«خدای متعال خشم و غضب می‌کند به زنی که شوهر داشته باشد (یا مردی که زن داشته باشد) و به مردان اجنبی نگاه خاص داشته باشد، اگر کسی چنین کند خدای متعال اعمال نیکش را پاک می‌کند، اگر ادامه دهد، بر خداست که او را به آتش عذابش بسوزاند بعد از آنکه در قبر او را عذاب کرد».<sup>(3)</sup>

این نکته قابل تذکر است که زنا، تنها انجام عمل زناشویی نیست بلکه زنا، چشم نگاه کردن است. و اینجاست که امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید:

«نگاه‌های پی در پی موجب می‌شود که شهوت تحریک گردد و خود این زمینه ساز فتنه و انحراف است».<sup>(4)</sup>

و در روایت دیگر می‌فرمایند:

«هر عضو زنایی دارد، زنا، دست لمس (حس لامسه) است».<sup>(5)</sup>

زنا موجب تضعیف بنیان خانواده می‌شود، فرزندهای زنازاده زیاد

ص: 97

---

1-2 . وسائل، ج 14، ص 145.

2-3 . خصال صدوق، ج 1، ص 29؛ بحار، ج 71، ص 270.

3-4 . وسائل، ج 14، ص 172.

4-5 . تحف العقول، ص 225.

5-6 . فروع کافی، ج 5، ص 599.

شده و جامعه در معرض خطر جدی قرار می گیرد. مردان به زنان خود بی میل و زنان به شوهران خود بی محبت می شوند. منشا طلاق و بهم ریختن زندگی افراد می شود. فساد و فحشاء در بین جوامع زیاد می گردد.

د: هم جنس گرایی (هموسکسوال)

یکی از عوارض تحریک، همجنس گرایی یا لواط است. همجنس گرایی (هموسکسوال) یک نوع بیماری است و به تدریج در انسان به وجود می آید و او را مبتلا می کند.

در موقع بلوغ، بیضه ها دو نوع هورمون ترشح می کنند «استروژن» (هورمون زنانه) و «اندروژن» (هورمون مردانه) وقتی جنس نر به علت نادانی از طریق همجنس اطفاء شهوت کرد هورمون مردانه تقویت می شود و اگر از طریق جنس ماده خود را قانع کرد، هورمون زنانه تقویت شده و به همین نسبت علاقه او به زن زیاد می شود.

همجنس گرایی بیماری خطرناکی است و منشا قتل، هیجان، اضطراب روحی، دیوانگی، خودکشی، و هزاران مفسد اخلاقی و اجتماعی می شود.

یکی از سرچشمه های همجنس گرایی رفتار اولیاء با فرزند است. مادری که دختری را خواهد و صاحب پسر می شود اگر پسر را به شکل دختر در آورد، فرزند خود را به همجنس گرایی سوق داده است زیرا فرزند دچار برگشتگی جنسی (انورسیون) می شود و از جنس مخالف روی می گرداند. ارتباط تنگاتنگ دو همجنس، تماس جسمی دو همجنس، بازی کردن اولیاء با آلت تناسلی از عوامل همجنس گرایی اند.

ه:- آزار رسانی

یکی از عوامل تحریک جنسی آزار رسانی است. این آزار رسانی دو حالت دارد:

1. سادیسم و خودآزاری است یعنی فرد دوست دارد به خود ضربه بزند، خود را شکنجه دهد و از آزار خود

ص: 98

لذت می برد.

2. ماژویسم یا دیگر آزاری است. فرد از ضربه دیدن و شکنجه شدن توسط دیگران لذت می برد. دوست دارد دیگران را آزار برساند و اذیت کند و از این کار لذت می برد. این گونه بیماری ها در میان زنان و مردان منحرف زیاد و به وفور دیده می شود و اگر بیماری درمان نشود، انسان را در ورطه هلاکت می افکند. اینجا عظمت اسلام روشن می شود که چقدر مسئله ازدواج را مورد تاکید قرار می دهد و این پیوند را سنت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - می داند.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرموده اند:

«کسی که می خواهد از سنت من پیروی کند. ازدواج کردن یکی از سنت های من است».(1)

## 6- راههای درمان

1. ازدواج؛ بهترین راه درمان انحراف جنسی ازدواج است.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «در اسلام بنایی محبوبتر از ازدواج نیست».(2)

2. روزه؛ پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«ای جوانان اگر تمکن دارید، ازدواج کنید، اگر قدرت ازدواج ندارید، با روزه گرفتن خود را از گناه محفوظ نگه دارید و نیروی شهوانی را تضعیف نمایید».(3)

3. کنترل محیط زندگی و کار فرد مریض که باید توسط اولیاء انجام شود و عوامل تحریک در این محیط ها از بین بروند.

4. ایجاد سرگرمیهای متنوع و کنترل شده و انس بیمار با افراد سالم که بیماری او را کاهش دهند.

5. تلقین به مریض و گوشزد کردن خطراتی که اعمال انحرافی او در پی دارد.

6. روشن کردن مریض به عوارض ناشی از بیماری بسیار مهم است.

7.

ص: 99

---

1- 7. . وسائل، ج 14، ص 6.

2- وسائل، ج 14، صفحه 3.

3- روضه الواعظین، صفحه 374.

مقید کردن بیمار به ورزش بسیار مفید است.

8. ایجاد تنوع و سرگرمی در مواقعی که فرد بیکار است.

9. به تنهایی حمام نرود و در جایی تنها نباشد که تحریک شود.

10. عوامل محرک از بین بروند، فیلمها، کتابها، عکسها و سایر مواردی که محرک اند.

11. روابط اجتماعی با همجنس و جنس مخالف و میهمانیها کنترل و ترک شود.

12. در دستشویی زیاد ننشیند.

13. آشنا کردن بیمار با عبادت، معنویت، ذکر و یاد خدا بسیار ضروری است. با این پناهگاه روحی، بیمار می تواند بهتر بیماری خود را ترک کند.

والسلام

پایان

## مدارک و منابع

1. قرآن کریم.

2. نهج البلاغه.

3. مجمع البحرین.

4. مفردات راغب.

5. معراج السعاده.

6. جامع السعادات.

7. مکارم الاخلاق.

8. وسائل الشیعه.

9. اخلاق بشر.

10. بحار الانوار.

11. منيه المرید.
12. الحقائق.
13. میزان الحکمه.
14. مجمع البیان.
15. اصول کافی.
16. نفس المهموم.
17. غرر الحکم.
18. نهج الفصاحه.
19. المحجبه البيضاء.
20. حلیه المتقین.
21. من لا یحضره الفقیه.
22. الخصال.
23. تحف العقول.
24. فروع کافی.
25. روضه الواعظین.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

